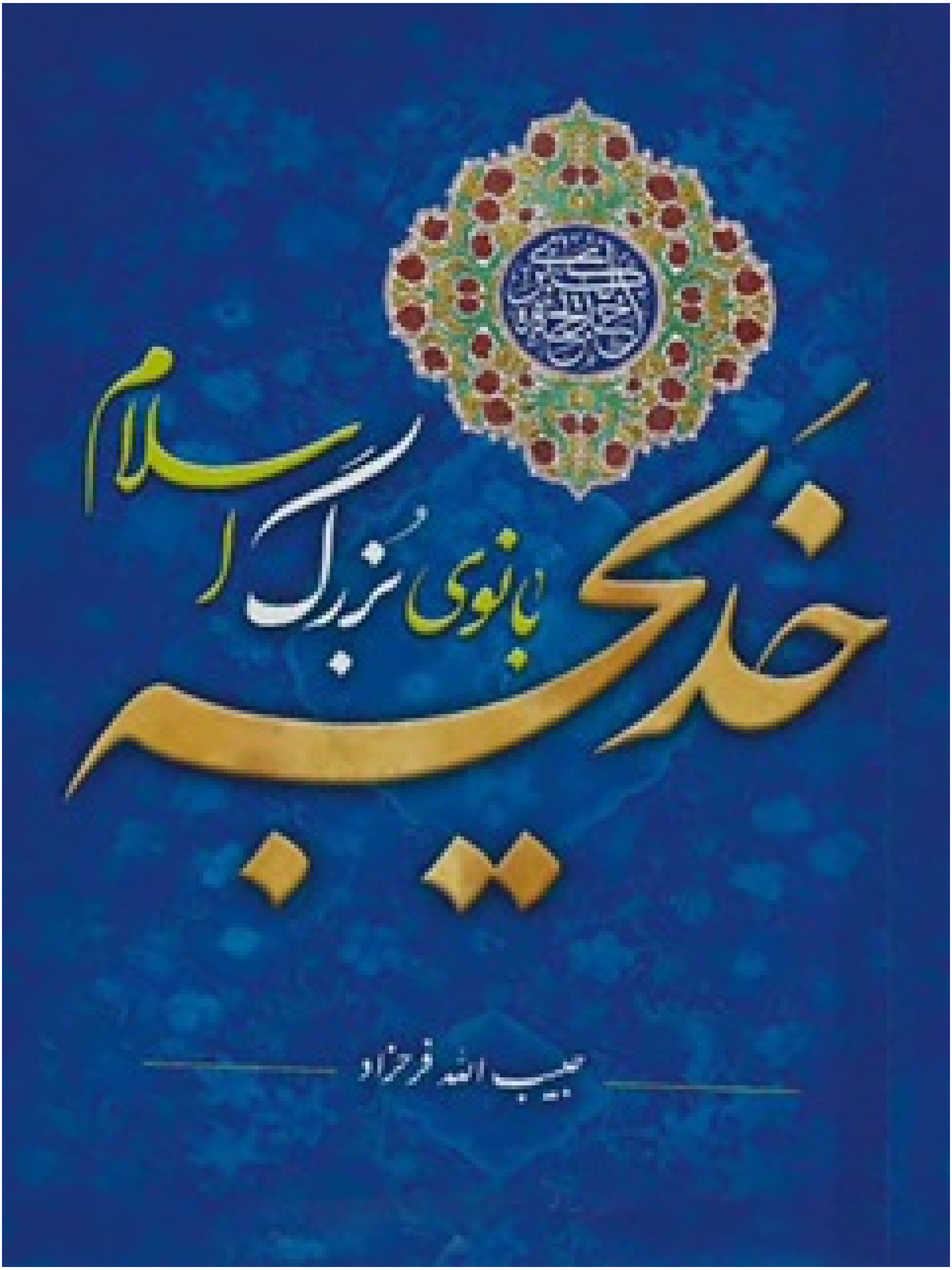
مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه اصفهان

السلام علیک یا صاحب الزمان


خدیجه
بانوی بزرگ اسلام
حبیب الله فرحزاد

بسم الله الرحمن الرحیم

خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام

نویسنده:

حبیب الله فرحزاد

ناشر چاپی:

طوبای محبت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه:فرحزاد، حبیب الله، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور:خدیجه علیهاالسلام بانوی بزرگ اسلام/حبیب الله فرحزاد ؛ تدوین و ویراش اکبر اسدی.

مشخصات نشر:قم: طوبای محبت، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری:۲۲۳ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵س م.

شابک:۳۰۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۳۶۶۲۰۴-۹

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه: ص. ۲۱۴-۲۲۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت-- سرگذشتنامه

موضوع:خدیجه (س) بنت خویلد، ۶۸ - ۳ قبل از هجرت -- فضایل

موضوع:زنان مقدس مسلمان

موضوع:Muslim women saints

شناسه افزوده:اسدی، اکبر، ۱۳۳۷ - ، گردآورنده، ویراستار

رده بندی کنگره:BP۲۶/۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۷۲۲

شماره کتابشناسی ملی:۶۱۰۴۸۶۳

ص: ۱

اشاره

خدیجه علیهاالسلام بانوی بزرگ اسلام

حبیب الله فرحزاد

تدوین و ویراش اکبر اسدی

ص: ۳

فهرست مطالب

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین

خدای بزرگ را بر همه نعمت ها، به ویژه نعمت محبت و ولایت چهارده معصوم علیهم السلام سپاس می گوییم و از درگاه با عظمتش می خواهیم که ما را قدردان نعمت هایش قرار دهد!

از شخصیت های کم نظیری که در جامعه ایمانی ما کمتر از او یاد می شود و حق بزرگی بر همه ما دارد و در ادای حقش بسیار کوتاهی شده است، بانوی بزرگ اسلام، مادر اهل ایمان، ام المؤمنین، حضرت خدیجه کبری علیها السلام است.

نخستین بانویی که به پیامبر اسلام ایمان آورد و همواره او را تأیید و تصدیق کرد و مایه آرامش خاطر و تسکین قلب او بود و در ترویج و تحقق آیین توحیدی اسلام مشارکتی فعال داشت.

بانویی که همه اموال و دارایی، و بلکه هستی خود را کریمانه در راه خدا و آرمان های رسول خدا صلی الله علیه و آله بذل نمود.

بانویی که خدای تعالی به خاطر وجود او بر فرشتگانش مباهات می کند و بارها بر او تحیت و سلام می فرستد.

بانویی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را محبوب خود می شمارد و به او عشق می ورزد و پس از ارتحالش پیوسته از او یاد می کند و او را می ستاید و در فراقش اشک می ریزد و می فرماید: «خَدِیجَهُ وَ أَیْنَ مِثْلُ خَدِیجَهَ؛ خدیجه! و کجاست

مثل خدیجه؟!»

بانویی که آن قدر شایستگی دارد که فرزندی در دامان خود پرورش دهد که امامان

و رهبران این امت از او به وجود آیند و مایه فخر و مباهات ائمه علیهم السلام باشد.

دریای ژرف و بیکران عظمت این بانوی آسمانی فراتر از آن است که در فهم و بیان قاصر ما زمینیان بگنجد و در وصف آید، لکن از آنجا که نام و یاد این بانو، خاطر سرور عالمیان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و امامان معصوم علیهم السلام را بسیار خرسند و مسرور می سازد، بر آن شدم که به اتفاق برخی از دوستان، به عنوان عرض ادب به ساحت مقدس مادر عزیز و بزرگوارمان، گوشه ای از زندگی و فضائل آن حضرت را بر اساس روایات و تاریخ تدوین و به دوستداران اهل بیت علیهم السلام تقدیم کنیم. باشد که مشمول دعای حضرات معصومین علیهم السلام قرار گیریم و به شفاعتشان عاقبت به خیر گردیم.

لازم به ذکر است که این کتاب با استفاده از «دانشنامه حضرت خدیجه علیها السلام» نگاشته شده است. از این رو در همین جا زحمات همه نویسندگان این مجموعه سه جلدی را که به اهتمام «همایش صدف کوثر» منتشر شده است ارج می نهم و برای آنان توفیقات روزافزون آرزو می کنم.

در پایان بر خود لازم می دانم که از همه کسانی که در پدید آوردن این اثر ما را یاری دادند، به ویژه برادر عزیزم جناب آقای اسدی که تدوین و ویرایش آن را بر عهده داشتند و همچنین مؤسسه خیریه حضرت خدیجه علیها السلام که مسئولیت چاپ و نشر آن را پذیرفتند، صمیمانه تشکر نمایم.

از خدای متعال برای همه خوانندگان عزیز توفیق طاعت و معرفت می طلبم و همگان را به مطالعه و نشر این اثر توصیه می کنم. به امید آن که نام و یاد حضرت خدیجه علیها السلام در سراسر عالم فراگیر شود؛ به یاری حق!

حبیب الله فرحزاد/ ۲۷ جمادی الاولی ۱۴۴۱

ص: ۱۴

فصل اول:پیش از ازدواج

اشاره

ص: ۱۵

بستر تربیتی

نیاکان

بنا به نقل عبـد الله بن عباس(۱) سه سـال پیش از عـام الفیل در برترین سـرزمین دنیا، یعنی مکه مکرمه، در خانه خُوَیلـد، فرزند اسـد که خود از نام آوران جزیره العرب بشـمار می رفت و از سـیادت و بزرگی برخوردار بود، دختری به دنیا آمد که نام او را خدیجه گذاردند.

هرگز قابل پیش بینی نبود که سرنوشت این کودک با سرنوشت امتی گره خورده و شأن و شخصیت او عالم گیر شود و خدای متعال فرستاده خویش، حضـرت محمـد بن عبد الله صـلی الله علیه و آله را در سـخت ترین شـرایط به وسیله او یاری و حمایت کند.

خـدیجه علیها السـلام در خاندانی بزرگ و موحد دیده به جهان گشود که نیاکانش از حنفا و پیروان ابراهیم خلیل علیه السـلام بودند. او بر اساس سـنت جاریه نیاکان خویش به اخلاق حمیده آراسـته شد و با عفت و پاکدامنی رشد کرد و با دوراندیشی و درایت به مرحله ای والا از رشد و

بالنـدگی رسـید و در دورانی که انحطـاط و بی هویتی جـامعه جاهلی به اوج خود رسـیده بود، از نظر کمالات انسانی و اخلاق «طاهره قریش» نام گرفت.

بستر تربیتی خدیجه علیها السلام متأثر از آیین حنیف بود. از این رو فرهنگ جاهلی

ص: ۱۷

۱- . الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۸.

جزیره العرب بـا همـه گسـتردگی و انحطـاط نتـوانست شـرایط سـالم خـانوادگی او را متـأثر سـازد و هماننـد دیگر مردم عصـر جاهلیت، او را در فضای شرک و کفر و انحطاط اخلاقیِ حاکم در خود فرو بَرَد.

خاندانی پاک و موحد

حضـرت خدیجه علیها السـلام از قبیله قریش و از تیره بنی اسد بود؛ تیره ای محبوبِ پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله . گفته اند: پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله سه تیره از قریش را بسـیار دوست می داشت: بنی هاشم، بنی اسـد که خـدیجه از آنان بود، و بنی زهره که مادرش آمنه علیها السلام از آنان بود.(۱)

پـدر خـدیجه علیها السـلام خویلـد بن اسـد بن نوفل بن عبد العزی بن قُصَـی، و مادرش فاطمه، دختر زائده عامری که هر دو از نوادگان حضرت ابراهیم خلیل الله و حضرت اسماعیل ذبیح الله علیهما السلام بودند.

نسبت حضرت خدیجه علیها السلام از سوی پدر با رسول اکرم صلی الله

علیه و آله در قُصَـی مشترک است؛ زیرا حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله نیز فرزند عبد الله بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبد منـاف بن قصـی بن کلاب است. و از سوی مـادر نیز در جـد هشـتم بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله مشترک است. از این جهت حضرت خدیجه علیها السلام از لحاظ نَسَب از همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله به آن حضرت نزدیک تر است.

قبیله قریش به دلیل آشنایی با شریعت و راه و روش ابراهیمی و

۱- . کامل بهائی، ج ۱، ص ۴۹۰.

ویژگی هایی چون پرهیز از ازدواج با محارم و ستم نکردن به دیگران و حفظ حدود و ارزش های آسمانی قوم برگزیده ای بودند.

یکی از دلایل ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام نیز اصالت خانوادگی و خویشاوندی بسیار نزدیک با ایشان بوده است. و خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر و تنها همسری است که از حیث نَسَب در قرشی بودن او تردیدی نیست.

در باور شیعه اجداد پیامبر صلی الله علیه و آله همه یکتاپرست بوده اند.(۱) و از آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام در جد اعلای خود مشترک اند، تردیدی در ایمان اجداد حضرت خدیجه علیها السلام وجود ندارد. افزون بر آن به یکتاپرستی جد و پدر و عموی ایشان در تاریخ و اخبار تصریح شده است.

جد حضرت خدیجه علیها السلام اسد از یکتاپرستان دوران خود بود.(۲) وی از پیشگامان شرکت در پیمان جوانمردان (حلف الفضول) است. این پیمان در میان برخی از جوانمردان قریش با هدف ستاندن حق مظلوم، در خانه عبد الله جدعان بسته شد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز در این پیمان به طور فعال حضور داشت و همیشه از آن به نیکی یاد می کرد.

خُوَیلد پدر حضرت خدیجه علیها السلام آشناترین مردم به دانش انبیای پیشین و از یکتاپرستان غیور بود که به پشتوانه جایگاه اجتماعی خود، مانع هتک حرمت مسجد الحرام توسط تُبَع، پادشاه یمن شد.(۳)

۱- . تصحیح اعتقادات امامیه، ص ۱۳۹.

۲- . فتح الباری، ج ۷، ص ۱۲۵.

۳- . امتاع الاسماء، ج ۶، ص۱۷۶ - ۱۷۵.

وی با دلاوری در دفاع از حریم کعبه، رشادتی به یاد ماندنی از خود نشان داد. هنگامی که «تُبَع»، پادشاه خودکامه یمن تصمیم گرفت حجر الاسود را به یمن منتقل کند و در معبدی بگذارد که در آنجا ساخته بود، خویلد شمشیر به دست گرفت و در برابر او جوانمردانه جنگید. دیگران به یاری اش برخاستند و دشمن را با خواری از حریم کعبه بیرون راندند.

مادر حضرت خدیجه علیها السلام فاطمه، دختر زائده، از فاطمه ها و با فضیلت ترین زنان «فاطمه نام» قریش بود که انتساب به آنان مایه مباهات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بود.(۱) وی در

دوران جاهلیت، در پاکی و عفت سرآمد بانوان مکه و پیرو آئین حنیف بود.(۲)

آئین یکتا پرستی

همه مسلمانان بر این که خدیجه علیها السلام نخستین بانوی مسلمان است اتفاق نظر دارند. اما این بدان معنا نیست که پیش از ظهور اسلام مشرک یا کافر بوده است. کسانی چون عبدالمطلب، ابوطالب، و خدیجه علیهم السلام قبل از ظهور اسلام به خدای یگانه ایمان داشته اند.

در دوران فترت رسل، یعنی دوران پس از حضرت عیسی علیه السلام تا بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انبیای الهی وجود داشته و پنهان و ترسان به ترویج دین خدا و معرفی

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۲- . الانوار الساطعه، ص ۱۰.

آخرین پیامبر می پرداخته اند.(۱) و تنها احبار و رهبان و عالمان، پیامبران را می شناختند.

در این دوران یگانه پرستان، معتقد به مبدأ و معاد و پیرو آئین حنیف ابراهیم علیه السلام و رویگردان از دین تحریف شده یهودیان و مسیحیان و عبادت بت ها بودند.(۲)

آن ها بسیاری از ویژگی های پیامبراسلام صلی الله علیه و آله، مانند زمان

آشکار شدن بعثت، استقرار در یثرب و رحلت در آن شهر، و ویژگی های وصی پیامبر، مانند زمان تولد ایشان، و حتی اختلاف امت پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را می دانستند.(۳)

از آنجا که دین اسلام استمرار دین حنیف ابراهیم علیه السلام است، حنفای پیش از ظهور اسلام در احکام دینی، همچون نمازگزاری، امر به معروف و نهی از منکر، انجام مناسک حج، نظافت، و ...، همانند یک مسلمان عمل می کردند.(۴)

خاندان اسد و هاشم از پیروان دین حنیف بودند، و کسانی چون عبد مناف، هاشم، عبدالمطلب، و ابوطالب هرگز بت نپرستیدند و به سمت کعبه نماز می گذاردند.(۵) به باور شیعیان، پیامبر صلی الله علیه و آله از حین بلوغ مقید به نماز و روزه بودند.(۶) و پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پیش از بعثت نماز می گزاردند.(۷)

۱- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۹.

۲- . تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۲، ص ۳۱. در آیه ۷۸ سوره حج و آیات متعدد دیگر به این حقیقت اشاره شده است.

۳- . مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص۲۲۵ و ۲۲۶.

۴- . مکارم الاخلاق، ص ۶۰

۵- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۶- . روضه الواعظین، ج ۱، ص ۵۲.

۷- . طبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۴.

جلوه هایی از زندگی جاهلی

اشاره

ام المؤمنین خدیجه علیها السلام دوره ای از زندگی خویش را در جامعه سراسر گناه جاهلی سپری کرد. او با تکیه بر تیزهوشی دریافت که جامعه جاهلی در گمراهی به سر می برد و از آداب و اخلاق نیکو بی بهره است و در آن نشانی از تمدن به چشم نمی خورد و روح بیداد و نادانی و ستم بر آن حاکم است.

برای پی بردن به شخصیت با عظمت حضرت خدیجه علیها السلام در دوران جاهلیت، به بررسی شماری از ویژگی های زشت و انحطاط فکری و فرهنگی جامعه در آن دوران می پردازیم.

۱. بت پرستی

جامعه جاهلی بر این باور بود که بت های دست ساخته بشر، خالق و آفریدگار هستی اند، و یا مایه تقرب انسان به خدا می شوند و برای انجام کارهای او واسطه قرار می گیرند. این باور یکی از زشت ترین گونه های انحطاط و جامعه جاهلی به شمار می آمد.

مکه در آن دوران بسان دژی برای بت ها بود. بر دیوار کعبه ۲۶۰ بت آویزان شده بود که به خانواده های ساکن در مکه تعلق داشت. این خانوارها

برای دفع رخدادهای ناگوار که دامنگیرشان می شد، با خواری و خضوع به بت ها متوسل می شدند، همان گونه که برای تقرب به آنان قربانی می کردند.

در این میان بت هایی بودند که بیش از همه مورد توجه قریشیان بودند. «هُبَل» یکی از این بت ها بود که ابوسفیان، پدر معاویه و جد یزید آن را مقدس می شمرد و در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله از آن حمایت می نمود. «اساف»، «نائله»، «عُزی»، «منات»، و «لات» نیز از این شمار بودند که نام برخی از آنان در قرآن آمده است.

بت پرستان برهنه و سوت کشان و دست زنان گرد کعبه طواف می کردند.(۱)

البته آزاد مردانی هم بودند که پرستش بت ها را نمی پذیرفتند و آنان را به باد مسخره می گرفتند. یکی از آنان شاعر پر آوازه عرب، امرءالقیس بود که از پرستش بت ها بیزار بود و این رفتار را به باد تمسخر می گرفت.

غاوی بن عبد العزیز از کنار بتی به نام «سواع» می گذشت که دید دو روباه در برابر آن بت غذا می خورند. آن دو روباه سپس از بت بالا رفتند و بر آن ادرار کردند. غاوی بت را مسخره کرد و چنین سرود:

أ رَبٌّ یَبولُ الثُعلبانُ برَأسِهِ*** لَقَد ذلَّ مَن بالتْ عَلَیهِ الثَّعالب

آیا کسی که روبهان بر او ادرار می کنند پروردگار است؟! به راستی که خوار است آن کس که روبهان بر او ادرار کنند!

از دیگر کسانی که از پرستش بت ها بیزاری می جست و آنان را هجو

می کرد، زید بن عمرو بن نفیل بود. وی به آیین یهود و نصارا نیز در نیامد و خود را پیرو آیین ابراهیمی می دانست و بر آن افتخار می نمود.

بت هایی که قریشیان به خدایی گرفته بودند و آن ها را به جای

ص: ۲۳

۱- . مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۰.

پروردگار متعال می پرستیدند، نشانگر میزان انحطاط فکری، جهالت عمیق، و حماقت آنان بود.

و حضرت خدیجه علیها السلام در آن دوران، گمراهی قریشیان را در پرستش بت ها می دید و از آنان روگردان بود و به خدای تعالی ایمان داشت و از آیین ابراهیمی پیروی می کرد؛ همچنان که خاندانش پیرو آیین حنیف ابراهیمی بودند.

۲. زنده به گور کردن دختران

وقتی جهل و فقر در هم می آمیزد، مردم را به سنت های هولناک می کشاند. زنده به گور کردن دختران، پدیده زشت دیگری است که نشان می دهد جامعه جاهلی تا چه اندازه بی رحم و ددمنش بوده است. هنگامی که زمان زایمان زنی فرا می رسید، کنار او حفره ای می کندند و زنی نیز کنار او می نشست. اگر زن دختر به دنیا می آورد، نوزادش را در آن حفره دفن می کردند، و اگر پسر به دنیا می آورد او را زنده نگاه می داشتند. قرآن کریم نیز در باره این پدیده زشت می فرماید:

وَ إِذا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثی ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظیم یَتَواری مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ ما بُشِّرَ بِهِ أَ یُمْسِكُهُ عَلی هُونٍ أَمْ یَدُسُّهُ فِی

التُّرابِ أَلا ساءَ ما یَحْكُمُون؛(۱)و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد. از بدیِ آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیله خود روی می پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ وه چه

۱- . سوره نحل، آیه ۵۸ و ۵۹.

بد داوری می کنند!

بر اساس منابع موجود «صعصعه بن ناجیه» جد فرزدق به تنهایی ۲۸۰ دختر را از پدرانشان خرید و با پرداخت سه شتر برای هر کدام، آن ها را از مرگ حتمی نجات داد. این خبر می تواند گستره وسیع نفوذ این سنت زشت را نشان دهد.

صعصعه به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله موفق شد. حضرت به او فرمودند: «این کار تو خود دری از نیکی برایت بوده و از سوی خدا نیز مأجور خواهی بود؛ چون به شرف اسلام توفیق یافتی.»(۱)

۳. وضعیت اسفبار معیشت

وضعیت معیشت در دوران جاهلیت بسیار ناخوشایند بود. فقر بر سر بسیاری از مردم جزیره العرب سایه افکنده و آنان را در فشار و تنگنا قرار داده بود. مردم در روزگار جاهلی چندان فقیر و تنگدست بودند که آبی برای نوشیدن و غذائی برای خوردن نمی یافتند، بلکه از حشرات تغذیه می کردند و از آب های آلوده به ادرار شتران می نوشیدند. نیرومندشان ناتوان را غارت

می کرد و دارایی اش را به تاراج می برد.

معاملات ربوی در مکه فراگیر بود و ربا را نوعی خرید و فروش می دانستند. وقتی اسلام ربا را حرام کرد، قریشیان از این حکم به وحشت افتادند و با تمام توان در برابر اسلام ایستادند. ابوسفیان که سرآمد رباخوران بود، بیش از همه با اسلام مبارزه می کرد.

۱- . اسلام و عقائد و آراء بشری، یا جاهلیت و اسلام، ص ۶۰.

۴. موقعیت ناهنجار زن در نظام جاهلی

در نظام جاهلی، زنان از نظر اجتماعی ضعیف ترین گروه جامعه بودند و به طور کامل مقهور اراده و تمایلات مردان به شمار می آمدند و در ابعاد اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی و آداب و سنن اجتماعی تحت سلطه بودند.

گاه مردانی که در اندیشه توسعه ثروت بودند، گروهی از زنان را خریداری می کردند و پس از آموزش آوازه خوانی و نوازندگی خانه هایی را در اختیارشان می گذاردند و پرچمی که نشانه ورود همگان برای کامجویی بود، بر بام خانه هایشان نصب می کردند.

وظیفه این زنان کسب درآمد برای طبقه مسلط جامعه بود. کردار زشت چنان وقاحت خود را از دست داده بود که ثروتمندان بی هیچ دغدغه به استثمار عفت و عزت زنان می پرداختند و از این راه ثروت کلان به دست می آوردند.

زمانی نیز تنها به خاطر ازدیاد نسل به موجودیت زن احترام می گذاشتند و برای رسیدن به این هدف از هر راه ممکن بهره می گرفتند. برخی هم به طور

اشتراکی زنی را به همسری می گرفتند.(۱)

۱- . اسلام و عقائد و آراء بشری، یا جاهلیت و اسلام، ص ۶۰۵، ۶۰۸ و ۶۱۲.

ویژگی ها حضرت خدیجه علیها السلام

عظمت خدیجه علیها السلام در جزیره العرب

پیش از ظهور اسـلام محور مدنیت بر شخصـیت مردان استوار بود و زن در گردونه اجتماع موقعیت قابل توجهی نداشت. تاریخ جاهلیت از کمتر زنی با عنوان عظمت شخصیت و برخورداری از مسئولیت و اتصاف به کمالات نام برده است.

اگر هم افرادی مورد توجه مورخین قرار گرفته انـد، به اعتبـار جلوه آن هـا در راسـتای فرهنـگ جـاهلی بوده است که هرکـدام باری از وزر و وبال جاهلیت را به دوش کشیده اند.

یکی از آنان «سـمیه» مادر «زیاد بن ابیه» و جده «عبید الله بن زیاد» است که به دلیل برافراشتن پرچم ویژه زنان بی عفت و بدنام بر بام خانه خود، نامش در تاریخ مانده است.

اما چهره ای به پاکی و شکوه خدیجه علیها السلام و عظمت این بانوی با فضیلت در تاریخ پیش از اسلام شبه جزیره عربی، کم نظیر، بلکه بی نظیر است. زنی که در فضای آلوده به شـراب و شهوت و شکم بارگی و شمشیر، «طاهره» خوانده می شد و او را سیده زنان قریش می نامیدند و از زنان برجسته ای به شمار می آمد که بر خلاف حاکمیت زر و زور و در مواردی

تزویر، اسوه

ص: ۲۷

طهارت و حریت بود و در محیط زندگی خانوادگی و شخصی اش، استقلال و اراده ای مسلط داشت؛ بدون آن که از فرهنگ موجود جامعه خویش رنگ بگیرد.

خدیجه علیها السلام از این جهت با دیگر بانوان عصر جاهلیت بسیار تفاوت داشت. آن حضرت افزون بر انتساب به خاندانی اصیل و بزرگوار، به دلیل بهره مندی از فضیلت های اخلاقی، روحی و اعتقادی و عواطف انسانی و ایمان به پاکی و درستی، از همه بانوان آن روز جزیره العرب ممتاز بود.

در کتاب های سیره و تاریخ برای آن بانوی بزرگوار ویژگی های بسیاری بیان شده است که در این بخش به برخی از آن ها می پردازیم

۱. آگاهی و خرد ورزی

با این که زن در جامعه جاهلی از علوم دانش و آگاهی زمان خویش کاملاً محروم بود، خدیجه علیها السلام بر خلاف تمام زنان آن دوران، از هوش و درایت و خرد ورزی دقیقی برخوردار بود؛ چنان که در وصف این بانو باعظمت نوشته اند:

وَ کَانَتْ خَدِیجَهُ امْرَأَهً حَازِمَهً لَبِیبَهً شَرِیفَه؛(۱) خدیجه بانویی دوراندیش، خردمند و خرد ورز و با شرافت بود.

و در جایی دیگر می خوانیم:

وَ کانتْ مِنْ أحْسَنِ النّساءِ جَمالاً و أکْمَلُهُنَّ عَقْلًا وَ أتَمُهُنَّ رَأیاً؛(۲)

ص: ۲۸

۱- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۰۹.

۲- . ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.

خدیجه از زیباترین زنان بود و در عقل، کامل ترین، و در رأی و نظر برترین آنان بود.

این بدان خاطر بود که به جز خصیصه های ذاتی، در خانواده ای روشن اندیش و حق طلب رشد و نمو نموده بود. پدری داشت که از چهره های برجسته، روشن اندیش و آگاه و شجاع زمان خویش بود.

مادرش نیز اسیر فرهنگ ذلت بار جاهلی نشد، بلکه دل و دامان و اندیشه و رفتار را پاک می داشت و وجود خویش را به ارزش های راستین آراسته می نمود و به آیین پدران موحد و عدالت خواه خود، حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام ایمان داشت.(۱)

خدیجه علیها السلام در این بستر از آموزه های آیین حنیف و حق گرای ابراهیمی که خاندان محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام خود را فرزند و پیرو آن می دانستند برخوردار بود و هرگز به شرک و بت پرستی آلوده نشد. و یکی از جهاتی که به «طاهره» ملقب گشت همین بود.(۲)

آگاهی خدیجه علیها السلام از آموزه های آیین ابراهیمی و سایر پیامبران الهی

و معارف و احکام دین او را به یکی از آگاه ترین یکتا پرستان زمان خود تبدیل کرده بود.

یکی از شواهد دانش حضرت خدیجه علیها السلام روایاتی است که شکافنده دانش انبیا، یعنی امام باقر علیه السلام را به عنوان فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام

۱- . الانوار الساطعه، ص ۹ و ۱۰.

۲- . مناقب آل ابی طالب۷ ج ۱ ص، ۴۱.

و فاطمه زهرا علیها السلام معرفی می نماید.(۱) چرا که این یاد کردها به وراثت از فضیلت های آنان اشاره دارد.

با توجه به دور از نظر نبودن وراثت در این گونه یادکردها، بعیـد نیست این تعبیر افزون بر اشاره به وراثت به ارث بردن در علم آنان نیز باشد و یا آن را با تأکیدی بیشتر برساند.

۲. شجاعت

مروری مختصـر در زنـدگی بـانوی حجـاز، در دورانی که زن از کمترین ارزش هـا برخوردار بود، نشان می دهـد که او بانویی شجاع و با شهامت بوده است. نمونه های ذیل نشان دهنده شجاعت اوست:

۱. شهامت در شکستن آداب و رسوم خرافی.

حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام بـا گزینش اسـتقلال و آزادگی همراه بـا تقوا و پاکـدامنی، آداب و رسوم خرافی و انزواگزینی دختران و زنان و پذیرش زندگی

طفیلی و وابسته را در هم شکست.

۲. شهامت در اداره بزرگ ترین شبکه اقتصادی.

در روزگـاری که زن را نه انسـان به حسـاب می آوردنـد، و نه دارای حقوق انسانی می دانسـتند، توانست بزرگ ترین و موفق ترین شبکه اقتصادی تجارت داخلی و خارجی راه اندازی کند. تا آنجا که در یکی از سفرهای تجاری،

۱- . مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۸۳.

شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز به عنوان نماینده او به کار پرداخت.

به گواهی تاریخ، مجموع سرمایه ای که توسط حضرت خدیجه علیها السلام به کار گرفته می شد، هشتاد هزار شتر و چهار صد غلام بود که اموال او را حمل و نقل می کردند.(۱) و این آمار خیره کننده و حیرت آور است.

۳. شهامت در انتخاب برترین همسر.

وی با زیر پا گذاشتن رسم جامعه که باید مرد به خواستگاری زن برود، خودش توسط افرادی به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد؛ و دست رد به سینه خواستگاران پول دار زد و از ملامت بستگان و هم نوعان هراسی نداشت.

۴. شهامت در همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله .

او با مردی همراهی کرد که به عنوان آخرین فرستاده خدا، در مقابل تمام فرهنگ بی اساس جاهلیت ایستاد و تمام خطرات را به جان خرید.

۳. مدیریت هوشمندانه

یکی از ویژگی های برجسته این بانو بزرگ، مدیریت هوشمندانه اوست. ابن جوزی در باره مدیریت حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: او در جهان عرب نخستین زن ثروتمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی یافت.

او در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بینش برجسته اش

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

گـام بر می داشت و هرگز به هر قیمت و هر بهایی سود نمی جست و به سان زرپرسـتان روزگار تجارت را به عنوان وسـیله ای برای به دست آوردن درآمـدهای سـرشار، امـا حرام و ظالمانه و غیر شـرافتمندانه و ضـد مردمی و به هر شـکل و از هر راه نمی پسندید.

از این رو بود که بر خلاـف رسم رایـج بـازار آن دوران از احتکـار و کم فروشـی و فریب، و از ربـاخواری و بهره کشـی هـای ظالمانه رایج و از هر نوع حرام خواری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن ثروت دوری می جست و کار پر شـرافت را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت، و به کارگران و کارمنـدان و مـدیران تحت فرمانش نیز هشـدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و از راه های مشروع دنبال کنند.

او به دلیـل همین ویژگی هـای اخلاقی و انسانی و مـدیریت منطقی و خردمنـدانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب کرد، بلکه بازار های منطقه ای را نیز تصاحب نمود و کاروان های تجاری او بود که مورد استقبال

بازارهای مصر و یمن و شام و حبشه قرار می گرفت.(۱)

حضـرت خدیجه علیها السـلام در ثبت و ضـبط کارهایش بسیار توانمند بود. او با سرمایه خویش کاروان های تجاری به مناطق گوناگون می فرستاد و افراد امین و کارآمدی را برای این کار استخدام می کرد. همچنین بازرسانی تعیین می کرد

۱- . تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۰ تا ۳۰۲.

تـا گزارش کامـل سـفر، میزان سود و زیـان، نحوه برخورد افرادش با مردم، و حتی ویژگی های اخلاقی آنان را به وی گزارش کنند.

این کار را اغلب غلامان او، به ویژه مِیسَـرِه انجام می دادند. این گزارش ها حاکی از مدیریت عالی و استعداد ویژه وی در امور اقتصادی اند. به نظر می رسد که همین امر موجب گردید که عده ای به او لقب «سیده قریش» بدهند.(۱)

یکی از راه های کسب درآمـد در دوران جاهلی، نگهـداری کنیزان و واداشـتن آنان به خود فروشـی بود.(۲) اما خدیجه علیها السـلام که کنیزان و غلامان پر شماری برای نگهداری از گله های بزرگ اسب و شتر و گوسفندانش در قبایل داشت، در برابر این خدمات، خانه و وسایل ازدواج و معیشت آنان را فراهم ساخته بود.(۳)

۴. حمایت از کارگزاران

حضرت خدیجه علیها السلام با وجود این همه دارایی و تجارت گسترده، هیچ گاه به اموال و شکوه اجتماعی خود دل نبست و با سخاوتی ستودنی و فروتنی فوق العاده، افراد درمانده و محروم را تحت حمایت خویش قرار می داد.

مردانی بیکار و معمولاً از طبقات فقیر و کم درآمد که از خود سرمایه ای نداشتند، ولی دارای توانایی در فعالیت های تجاری و ارتباطی بودند، در

۱- . قرب الاسناد، ص ۳۲۵؛ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۳۱.

۲- . المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۹، ص ۱۳۶.

۳- . الانوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و آله ، ص ۲۴۲.

دستگاه خدیجه علیها السلام به کار گرفته می شدند و در ازای توانایی خود حقوق دریافت می کردند.

وی برای افزایش توانمنـدی کارکنـان و ایجاد رقابتی سالم و ثمربخش و تقویت انگیزه های کارگزاران، برنامه های ویژه ای را به اجرا می گذاشت و هدایا و تحفه هایی را به کارکنان با بازدهی مؤثر اختصاص می داد.

رسول اکرم صـلی الله علیه و آله در مقام حق شناسـی از بخشـش ها و بزرگ منشی این بانو فرموده اند: «من کارفرمایی مهربان تر و حق شـناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارگزارانش ندیده ام. هرگاه من و دوستم پس از کار و تلاش و انجام مأموریت نزدش می رفتیم، غذای گوارایی که به اشاره او برایمان تدارک دیده شده بود، به ما می دادند. او با کارگزاران و زیردسـتانش بزرگوارانه و بر اساس کرامت انسانی رفتار می کرد.»(۱)

حضـرت خدیجه علیها السلام نمونه یک زن اجتماعی موفق است که در عرصه مدیریت اقتصادی و تعاملات اجتماعی، سرآمد زنان عصر خویش بود و الگوی زنان در طول تاریخ است.

۵. استقلال اقتصادی

هرچنـد در باره منشأ ثروت حضـرت خـدیجه علیها السـلام اطلاعات تاریخی انـدکی در اختیار است و آنچه بیان می شود غالباً حدس و گمان محققان و مورخان

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

است، اما بیشتر مورخان بر این اعتقادند که حضرت خدیجه علیها السلام سرمایه اولیه خود را از پدر ثروتمند خود به ارث برده بود.

خاندان وی از «حنفاء» و پیروان آیین ابراهیمی بودند، از این رو حضرت خدیجه علیها السلام بر خلاف دیگر زنان عصر جاهلی از ارث محروم نبود. و چون برادرانش به جز عمرو همه از دنیا رفته بودند و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر سنی از همه بزرگ تر بود، این اموال در اختیار وی قرار گرفت و او با درایت و قدرت مدیریتی خود آن را توسعه داد.

هرچند مادر خدیجه علیها السلام نیز از موقعیت اجتماعی و اقتصادی مناسبی برخوردار بود، اما این استقلال اقتصادی در میان خاندان خدیجه عمومیت نداشت و دیگر خواهران وی به چنین سرمایه و ثروتی دست نیافتند و به تجارت و بازرگانی نپرداختند.

بنابراین، نباید تجارت و بازرگانی را یک امر خانوادگی و وراثتی ایشان

دانست، بلکه باید ریشه آن را در شایستگی ها و ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام جست وجو کرد.

۶. کارآفرینی

حضرت خدیجه علیها السلام با عقل و درایت خود آنچه را از پدر به ارث برده بود، در ایجاد اشتغال برای جوانان حجاز به کار گرفت و تجارت گسترده ای به راه انداخت و آنان را تشویق می کرد تا با ثروتش تجارت کنند؛ هم سود ببرند و هم به او سود برسانند.

شیوه تجارت آن بانوی فهیم و با درایت مضاربه بود. ابن هشام در این باره می نویسد: «خدیجه دختر خویلد، بانویی تاجر پیشه بود و ثروت و شرافت داشت. او مردان را استخدام می کرد و با آن ها قرارداد می بست و از طریق مضاربه با آن ها تعامل می کرد.»(۱)

آن بانوی بزگوار با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز همین گونه تعامل تجاری داشت. با این تفاوت که برای آن حضرت حق مضاربه بیشتری تعیین می کرد و غلام خود «مِیسَره» را نیز در خدمت آن حضرت می فرستاد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز برای کسی اجیر نشد.(۲)

۷. پاکدامنی

در زمان جاهلیت مشرکان، هم جنس بازی و روابط نامشروع با کنیزان و روابط پنهانی با بیگانه را روا می دانستند و تنها رابطه علنی را زنا می شمردند. افزون بر این ، برخی زنان، برهنه کعبه را طواف می کردند.

اما یکتا پرستان از هرگونه اختلاط و آمیزش نامشروع با نا محرم و بی بند و باری به دور بودند. آنان زنا، ازدواج با محارم، ازدواج همزمان با دو خواهر، طواف با بدن برهنه را حرام می دانستند.

در چنین دورانی حضرت خدیجه علیها السلام که زیباترین دختر روزگار خویش بود، هرگز در جامعه فاسد آن روزگار خود را نباخت و در پاکدامنی سرآمد

۱- . سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.
۲- . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۶.

یکتا پرستان بود و در پاکی و عفت زبانزد، و به «طاهره» شهرت داشت.(۱) ذهبی در این باره می نویسد:

وَ کانَتْ تُدعی فی الجاهِلِیَّهِ بالطّاهِرَهِ لِشِدَّهِ عِفافِها وَ صیانَتِها؛(۲) او در جاهلیت به دلیل عفاف و حجاب و پاکدامنی اش طاهر خوانده می شد.

ایشان پیش از ظهور اسلام و نزول آیه حجاب، با مردان بیگانه از پشت پرده سخن می گفت.(۳) در تاریخ آمده است که وقتی پدرش به همراه عده ای نزد او آمدند، او در حجاب کامل بود. همچنین وقتی حضرت ابوطالب علیه

السلام به نزد او آمد، ابوطالب در پس پرده ایستاد و خدیجه به او سلام کرد.(۴)

ابن هشام در «السیره النبویه» خود می نویسد: «خدیجه صاحب نسب والا، دارای برترین شرافت، صاحب بیشترین ثروت، و حریص ترین بانوان قریش به حفظ امانت و التزام به معیارهای اخلاقی، عفت و کرامت انسانی بود و به این جهت خداوند متعال بلندترین قله شرف را به او عنایت کرد.»(۵)

۸. رسیدگی به مستمندان

در وضعیت بد اجتماعی دوران جاهلیت که مال دوستی، تبعیض طبقاتی،

۱- . تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۱۳۱.
۲- . سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۱.
۳- . الانوار فی مولد النببی محمد صلی الله علیه و آله ص ۲۵۰ و ۲۵۲.
۴- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۶۸.
۵- . السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۸.

ستم به زیردستان و پایمال ساختن حقوق انسان های فقیر و ضعیف رواج داشت، حضرت خدیجه علیها السلام همواره به مستمندان و یتیمان رسیدگی می کرد و مهر و محبت ویژه ای به قشر ضعیف و آسیب دیده داشت.

خانه حضرت خدیجه علیها السلام پناهگاه امن یتیمان و درماندگان و آوارگان بود. هر یتیمی که در حیات خود نقطه اتکایی نمی یافت، هر پدری که نمی توانست برای فرزندان خود لقمه نانی تهیه کند، هر زنی که پس از کشته شدن شوهرش بی پناه می ماند، و هر رنج کشیده و صدمه دیده و بی پناهی، راه خانه خدیجه علیها السلام را پیش می گرفت و به ثروت و مهربانی او پناه می برد و با برخورد پر از لطف و عنایت

او بر جراحات قلب خود را مرهم می گذارد. بدین جهت او را «مادر یتیمان» نام نهاده بودند.

خانه او دو علامت داشت: یکی قبه سبزی که بر بام بود، دیگری آمد و شد و ازدحامی که در طریق خانه او بود. فقرا و ستمدیدگان را در هر موقع از شب و روز می پذیرفت، با آنان مهربانی می کرد، به درد دل آن ها گوش می داد، دست نوازش بر سر و صورت بچه های آن ها می کشید، و اشک های چشم مادران را پاک می کرد. آن وقت خدمتکارش، «میسره» را می خواند. او نیز کیسه های پول را می آورد و میانشان تقسیم می کرد.(۱)

۹. زیباترین رخسار

بر خلاف گزارش های منابع وابسته، حضرت خدیجه در زیبایی بی نظیر و

۱- . دانشنامه حضرت خدیجه۳، ج ۲، ص۱۹۶.

یگانه دوران خویش بوده است و در مکه دختری به زیبایی او وجود نداشت.(۱)

وَ کانتْ مِنْ أحْسَنِ النّساءِ جَمالاً؛(۲) خدیجه از زیباترین زنان بود.

به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله امام حسن مجتبی علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام زیباترین مردان عالم بوده اند.(۳) امام حسن علیه

السلام خود فرمودند که شبیه ترین فرد به خدیجه کبری علیها السلام هستند.(۴)

امام حسن علیه السلام سیمایی نمکین، رخساری سفید و آمیخته به اندکی سرخی، مردمک چشم بسیار سیاه، گردنی نقره گون، و قامتی میانه داشت.(۵)

درخشش دندان های امام صادق علیه السلام سبب شگفتی بود. وقتی از عبد الله محض، نواده امام مجتبی علیه السلام در این باره پرسیدند، گفت: «حضرت خدیجه و حضرت فاطمه علیهما السلام نیز چنین بوده اند.»(۶)

۱- . الانوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و آله، ص ۳۴۷.
۲- . ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۰۴.
۳- . ذکر اخبار اصبهان، ج ۲، ص ۲۴۲.
۴- . مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲.
۵- . الذریه الطاهره، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.
۶- . دلائل الامامه، ۱۵۱.

القاب

اشاره

حضرت خدیجه علیها السلام پیش از اسلام و در دوران سیاه جاهلیت و قحطی انسانیت، از زنان برجسته و ممتاز و صاحب کمال عصر خویش بود.

شرافت حضرت خدیجه علیها السلام تنها به اصالت ها و نجابت های خانوادگی خلاصه نمی شد، بلکه خود به صفات نیک و خلق نیکو زبانزد بود و پیش از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با القاب «طاهره»، «کبری»، «مبارکه»، «ملکه بطحا»، «سیده قریش»، « بانوی بانوان قریش» شهرت داشت.

این القاب هرکدام نشان دهنده مقام و موقعیت و شخصیت والای آن حضرت در آن دوران است.

۱. طاهره قریش

او به دلیل عصمت و پرهیزگاری فوق العاده اش به «طاهره قریش» مشهور شد.(۱)

طاهره به معنای عاری از عیب و نقص. طاهره یعنی پاکیزه؛ هم پاکیزگی اخلاقی، و هم پاکیزگی جسمی. این لقب نشان دهنده مقام عفت و فضیلت های والای حضرت خدیجه علیها السلام در میان اعراب جاهلی

است.

۱- . الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۲.

۲. کبری

و به خـاطر شـأن و جایگـاه رفیعش، به «کبری»، یعنی بانوی بزرگ ملقب گردیـد.(۱) رسـول اکرم صـلی الله علیه و آله هم آن حضـرت را که در کمال و ارزش های والای انسانی کم نظیر بود، با لقب «کبری» می خوانـد.(۲) در زیارتنامه های ائمه علیهم السلام هم از این بانو با تعبیر «خدیجه الکبری» یاد شده است.

۳. بزرگ بانوان

و چون در فضائـل و کرامـات انسـانی سـرآمد زنـان عصـر خویش بود، به او «سـیده نساء قریش»، یعنی سـرور بانوان قریش می گفتند.(۳) امیر مؤمنـان علیه السـلام در قصـیده ای که در سوگ آن حضـرت سـروده است، از او بـا لقب «سـیده النسوان» یعنی بزرگ بانوان یاد می کند.(۴)

۴. ملکه بطحا

هنگامی که در سراسر جزیره العرب بانویی ثروتمندتر از حضرت خدیجه

علیهـا السـلام یـافت نمی شـد، آوازه طهارت، سـخاوت، و خوش خویی این زن تا بـدانجا رسـید که او را «ملیکه العرب»، یعنی خاتون عرب و «ملکه بطحا»، یعنی خاتون حجاز نامیدند.

ص: ۴۱

۱- . اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۷، ص ۷۸.

۲- . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص ۱۱۵.

۳- . السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۲۲۴.

۴- . تنقیح المقال فی احوال الرجال، ج ۳، ص ۷۷.

در واقع این زن با حشمت و شوکتی که به دست آورده بود، همراه با کرامت های انسانی، بهترین پشتوانه برای قبایل مستقر در مکه به شمار می رفت. گویا خداوند متعال برای سعادت، عزت و سربلندی او هرچه را لازم داشت به وی عنایت کرده بود. پوشیده در حجاب و دور از نامحرمان و ناپاکان، خانه نشین سرای خویش بود و شکوهی مثال زدنی داشت.

امکاناتی را که در اختیار داشت، بی آن که به حرام و خلافی آلوده سازد، در مسیر خیر و صلاح به کار می گرفت و این ویژگی ها، وجاهت و منزلت اجتماعی آن حضرت را ارتقا می بخشید.

۵. مبارکه

در کتاب آسمانی انجیل که بر حضرت عیسی علیه السلام نازل شده است، از آن بانوی بزرگوار با لقب «مبارکه»، یعنی بانوی پر خیر و برکت، و همدم مریم علیها السلام در بهشت یاد شده است.

در عبارتی از انجیل در توصیف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «نسل او از «مبارکه» است که در بهشت همدم مادرت مریم

خواهد بود.»(۱)

۱- . بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۳۵۲.

فصل دوم: ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

ص: ۴۳

زمینه آشنایی

با کاروان قریش

خدیجه علیها السلام زمانی با محمد امین صلی الله علیه و آله آشنا شد که وی به شبانی مشغول بود و گوسفندان را برای چرا به سرزمین قراریط می برد.(۱)

محمد صلی الله علیه و آله در آن روزگار با عمویش ابوطالب زندگی می کرد. ابوطالب علیه السلام فرزندان بسیار و زندگی پرهزینه ای داشت. به همین دلیل محمد صلی الله علیه و آله با شبانی و کار و تلاش خود روزگار می گذراند تا باری بر ایشان تحمیل نکند.

ابوطالب علیه السلام که خود بزرگ قریش بود و به سخاوت و شهامت و مناعت طبع معروف بود، وضع زندگی دشوار تنها یادگار برادرش، او را بر آن داشت تا شغل تجارت را به او پیشنهاد کند.

بر این اساس از او خواست تا نزد خدیجه که از بازرگانان خوش نام و معروف قریش است و به دنبال مرد امینی می گردد تا زمام تجارت او را بر عهده گیرد برود و با او همکاری کند.

اما مناعت طبع و بلندی روح محمد صلی الله علیه و آله مانع از این بود

که از دیگران درخواستی بکند. از این رو، به عموی خویش گفت: شاید خود خدیجه به

۱- . فرازهایی از تاریخ زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ص ۷۵.

دنبال من بفرستد. و اتفاقاً چنین شد.

خدیجه علیها السلام که از گفت وگوی ابوطالب و محمد صلی الله علیه و آله آگاه شده بود، شخصی را به دنبال محمد صلی الله علیه و آله فرستاد و گفت: «دلیلی که مرا بر آن داشت تا از تو دعوت کنم که به نمایندگی من در کاروان تجاری قریش شرکت کنی، راستگویی، امانتداری، و اخلاق پسندیده توست. من حاضرم دو برابر آنچه به دیگران می دهم به تو بدهم و دو غلام خود را نیز همراه تو بفرستم تا در تمام مراحل فرمانبردار تو باشند.»

وقتی محمد صلی الله علیه و آله جریان را برای عموی خود نقل کرد، ابوطالب فرمود: «این گشایشی است که خداوند آن را برایت مهیا کرده است.»(۱)

کاروان قریش که کالاهای خدیجه علیها السلام در آن بود آماده حرکت شد. خدیجه شتری راهوار به همراه مقداری کالای گرانبها به وکیل خود محمد صلی الله علیه و آله داد و به غلامش «میسره» نیز دستور داد تا در تمام مراحل فرمانبردار وی باشد.

کاروان به مقصد رسید و همه بازرگانان در این سفر سود بردند، ولی سود محمد صلی الله علیه و آله بیش از همه بود. او کالایی نیز برای فروش در بازار تِهامه خریده بود.

بازگشت کاروان

کاروان پس از موفقیت کامل راه مکه را پیش گرفت. هنگامی که کاروان به مکه نزدیک شد، میسره به محمد صلی الله علیه و آله گفت: «خوب است شما زودتر نزد

۱- . فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

خدیجه بروید و او را از جریان تجارت پر سود و بی سابقه ای که امسال نصیب ما شده است آگاه سازید.» آن حضرت پذیرفت و به دیدار خدیجه علیها السلام رفت و آنچه را در این سفر بر او گذشته بود، با وی در میان گذاشت.

میسره نیز تمام آنچه را در این سفر دیده بود و آنچه را نشان دهنده عظمت و پاکی محمد صلی الله علیه و آله بود، برای بانوی خود تعریف کرد. از جمله گفت: «محمد بر سر موضوعی با تاجری اختلاف پیدا کرد. آن مرد به محمد گفت: به «لات» و «عُزّی»(۱) سوگند بخور تا سخن تو را بپذیرم. محمد در پاسخ او گفت: «پست ترین و مبغوض ترین موجودات نزد من لات وعزی هستند که تو آن ها را می پرستی.»

میسره همچنین تعریف کرد: «در بُصری(۲) هنگامی که محمد برای استراحت زیر سایه درختی نشسته بود، چشم راهبی که در صومعه خود نشسته بود، به او افتاد. نامش را از من پرسید. بعد از تأمل کوتاهی گفت: این مرد که زیر سایه این درخت نشسته است، همان پیامبری است که در تورات و انجیل در باره او بشارت های فراوانی خوانده اِم.»(۳)

مُهر نبوت و مِهر پیامبر صلی الله علیه و آله

ابن حجر عسقلانی در کتاب «الاصابه» نقل می کند: روزی خدیجه با جمعی از زنان در منظری از غرفه سرای خویش جای داشتند. یکی از احبار

ص: ۴۷

۱- . لات و عزی نام دو بت معروف مشرکان مکه است.

۲- . شهر بصری در گذشته مرکز استان عربیای امپراتوری روم و مهم ترین توقفگاه سر راه کاروان های عازم مکه بوده است.

۳- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۰ - ۱۷.

یهود نیز با او بود.

در این هنگام محمد صلی الله علیه و آله از آنجا عبور کرد. مرد یهودی به خدیجه گفت: آیا ممکن است این جوان را به اینجا دعوت کنی؟ خدیجه کنیز خود را به سوی آن حضرت فرستاد و او را دعوت کرد. آن حضرت هم اجابت کرد و به آنجا وارد شد و در انجمن ایشان نشست.

مرد یهودی درخواست کرد که محمد صلی الله علیه و آله کتف خود را بگشاید. آن حضرت هم اجابت کرد. چون چشم مرد یهودی به مهر نبوت افتاد، گفت: به خدا سوگند، این مُهر پیامبری است!

خدیجه گفت: اگر عموی او اینجا بود، اجازه نمی داد بر بدن او نگاه کنی؛ زیرا عموهایش او را از یهود بر حذر می دارند. مرد یهودی گفت: هیچ کس قدرت ندارد به محمد آسیبی برساند. قسم به موسی بن عمران که او پیامبر آخرالزمان است. چون آن حضرت از آن مکان پایین آمد، مهرش در دل خدیجه جای گرفت.

سپس آن یهودی به سوی خدیجه اشاره کرد و گفت: او زنی از قریش را به نکاح در می آورد که بزرگ قبیله و سیّده عشیره باشد.(۱)

اشتیاق به پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه علیها السلام به عظمت روح محمد صلی الله علیه و آله پی برده و آثار نبوت را در وجود او دیده و غنچه مهر و محبت او در دلش شکوفا شده بود. وی جوانی پاکدامن و

۱- . اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۱.

امین را پیش روی خود داشت که هنگام سخن گفتن با او عرق شرم و نجابت بر چهره اش می نشست و پاکی دلش از صداقت سیمایش آشکار بود.

از این روی مشتاق همسری با محمد صلی الله علیه و آله شد و در صدد برآمد تا به وسیله ای علاقه خود را به ازدواج با محمد صلی الله علیه و آله به اطلاع آن حضرت برساند.

پیشنهاد ازدواج

خدیجه علیها السلام راز خود را با همدم خود نفیسه، دختر عَلیّه، یا مُنیه،

که یکی از زنان قریش و دوستان خدیجه بود در میان گذاشت. نفیسه برای این که پیام خدیجه را به محمد صلی الله علیه و آله برساند به آن حضرت گفت: ای محمد، چرا شبستان زندگی خود را با چراغ همسر روشن نمی کنی؟ محمد صلی الله علیه و آله پاسخ داد: من مالی ندارم تا با آن ازدواج کنم.

نفیسه گفت: اگر من تو را به ازدواج زنی زیبا و با شرافت و عزت دعوت کنم می پذیری؟ محمد صلی الله علیه و آله پرسید: آن زن کیست؟

نفیسه گفت: خدیجه! محمد فرمود: با این که وضع زندگی من با او تفاوت زیادی دارد آیا او به این کار حاضر می شود؟ نفیسه گفت: این کار را به من واگذار کن.

محمد صلی الله علیه و آله به پیشنهاد نفیسه پاسخ مثبت داد و فرمود: لازم است عموهای خود را از این کار آگاه سازم و با آنان مشورت کنم. اگر آن ها به این کار رضایت دادند، به همراه عموهای خود به خواستگاری خدیجه خواهم آمد.(۱)

در پاره ای از نقل ها نامی از وساطت نفیسه در این باره ذکر نشده است و

۱- . فروغ ابدیت، ج۱، ص ۱۶۴ - ۱۵۶؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.

پیشنهاد آن پس از سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله و گزارش میسره از شخصیت پیامبر و کرامات آن حضرت، از طرف خود خدیجه علیها السلام و بدون واسطه مطرح شده است. ابن هشام در این باره می گوید:

خدیجه زنی دوراندیش و شریف و خردمند بود، گذشته از آن که خدای سبحان نیز بزرگواری را برای او اراده فرموده بود. بدین جهت چون میسره آن

گزارش را به او داد، به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و چنا ن که گفته اند پیغام داد:

يَا ابْنَ عَمِّ إِنِّی قَدْ رَغِبْتُ فِیکَ لِقَرَابَتِکَ مِنِّی وَ شَرَفِکَ فِی قَوْمِکَ وَ سِطَتِکَ فِیهِمْ وَ أَمَانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِکَ وَ صِدْقِ حَدِیثِکَ؛(۱) ای عموزاده، من به خاطر خویشاوندی و شرافت خانوادگی و جایگاه والایت در میان خویشان و امانت و حسن خلق و راستگویی که در شخص شما وجود دارد، به ازدواج با شما علاقه مندشده ام.

ویژگی هایی که حضرت خدیجه علیها السلام در اینجا برای رسول خدا صلی الله علیه و آله برمی شمارد عبارت اند از: خویشاوندی، شرافت والا، شهرت به امانتداری در میان قوم خود، خوش اخلاقی، و راستگویی.

بیان هر فرازی از این اوصاف، حاکی از نظر صائب، اندیشه استوار، دانش و بینش وافر، و دقت نظر و عمق درایت حضرت خدیجه علیها السلام است.

و بدین ترتیب حضرت خدیجه علیها السلام به آن حضرت پیشنهاد ازدواج داد و علت شیفتگی خود به آن وجود مبارک را شرافت خانوادگی و فضائل والای

۱- . السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.

اخلاقی می دانست.

البته نقل این پیشنهاد خدیجه علیها السلام با نقل های دیگر منافاتی ندارد و قابل جمع است. بدین صورت که در آغاز برای استمزاج و نظرخواهی، نفیسه را نزد آن حضرت فرستاده است و پس از جلب رضایت رسول خدا صلی الله علیه

و آله خود او مستقیماً پیشنهاد ازدواج را به آن حضرت داده است؛ چنان که برخی این چنین گفته اند.

محمد

صلی الله علیه و آله در باره این پیشنهاد با ابوطالب مشورت کرد و مجلس با شکوه خواستگاری با حضور شخصیت های بزرگ قریش تشکیل شد.

معیارهای خدیجه علیها السلام در انتخاب همسر

حضرت خدیجه علیها السلام از نظر مال و ثروت و ممتاز بود و موقعیتی عالی و ممتاز در جامعه خود داشت و تمام امکانات و زمینه ها برای ازدواج با ثروتمندان نامدار قریش همچون عقبه بن ابی معیط و صلت بن ابی یهاب که هر کدام چهارصد غلام و کنیز داشتند را فراهم می دید، اما هیچ یک را نپذیرفت(۱) و با اشتیاق به خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و آله رفت.

این عمل خدیجه علیها السلام و ویژگی هایی که برای آن حضرت برمی شمارد، نشان دهنده این است که علاقه وی به پیامبر صلی الله علیه و آله بر محور ارزش های پاک انسانی و صداقت و امانتداری بود. از این رو دل در گرو کمالات و محبت رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت.

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

حضرت خدیجه علیها السلام با این انتخاب همه آنچه را جاهلیت آن دوران به عنوان ارزش تلقی می کرد در هم شکست و در برابر سرزنش و

شماتت مردم، به ویژه زنان، که او را به خاطر ازدواجش با محمد علیه السلام نکوهش می کردند، مقاومت کرد و به یاوه سرائی های آنان اعتنا نکرد.

او در عمل نشان داد که معیار درست انتخاب همسر عقل، فضائل اخلاقی، جوانمردی و ایمان است، نه ثروت و خوش گذرانی و هوس بازی.

وی به زنان جاهلیت آشکارا فرمود: «آیا در سراسر جزیره العرب مردی را از نظر کمالات و فضائل انسانی می شناسید که برتر از محمد صلی الله علیه و آله باشد؟! من به سبب این کمالات و ارزش ها با او ازدواج کردم.»(۱)

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

مراسم ازدواج

مجری خطبه عقد

گرچه در برخی منابع تاریخی همچون سیره ابن هشام، وکیل پیامبر صلی الله علیه و آله در اجرای عقد ازدواج، حمزه، عموی بزرگوار پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر شده است، اما این نقل با آنچه عموم مورخان در این باره نوشته اند مغایرت دارد و با دقت در متون و ملاحظه قرائن روشن می شود که حضرت ابوطالب علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام خواستگار کرد و خطبه عقد را خواند. برخی از قرائن و شواهدی را که می توان بر این مدعا اقامه کرد عبارت اند از:

۱. حضرت ابوطالب علیه السلام در میان قریش از سیادت و مکانت والایی برخودار و مورد احترام همگان بود. بنابراین، با حضور چنین شخصیتی نوبت به برادر کوچک تر نمی رسید.

۲. حضرت ابوطالب علیه السلام به عنوان سرپرست پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران کودکی و همواره در کنار آن حضرت بود و برای پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه پدر را داشت و طبعاً شایستگی بیشتری در قیاس با

دیگران برای این امر داشت.

۳. حضرت حمزه علیه السلام تنها دو یا چهار سال از پیامبر بزرگ تر بود(۱) و از نظر سنی

۱- . الاصابه فی تمییز الصحابه، خ ۲، ص ۱۰۵.

در جایگاهی نبود که حضرت خدیجه علیها السلام را برای پیامبر صلی الله علیه و آله خواستگاری کند.

۴. متن سخنان حضرت ابوطالب علیه السلام به عنوان وکیل پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواستگاری و عقد حضرت خدیجه علیها السلام که در متون حدیثی و تاریخی آمده است، گویای اعتقاد و علاقه بالای او به پیامبر صلی الله علیه و آله است.(۱)

او در بخشی از سخنانش چنین می گوید: «برادرزاده من – یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله – با هیچ یک از مردان قریش مقایسه نمی شود، مگر آن که بر همه آنان برتری دارد. و با هیچ مردی سنجیده نمی شود، مگر آن که از او والاتر است. و هیچ کس قابل قیاس با او نیست.»

در عظمت و شخصیت حمزه سید الشهدا علیه السلام هیچ تردیدی نیست، اما وی در جریان خواستگاری حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقشی نداشت. ظاهراً برخی از منابع با انتساب این موضوع به حضرت حمزه علیه السلام در صدد برآمده اند تا این فضیلت را از حضرت ابوطالب بگیرند و به هرکس دیگری جز او- هرچند حمزه باشد – بسپارند تا نقش حضرت

ابوطالب علیه السلام را در زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله کم رنگ سازند.(۲)

بنابراین، خطبه عقد به وسیله ابوطالب علیه السلام عموی رسول خدا صلی الله علیه و آله خوانده شد.

مراسم عقد

مرحوم صدوق در کتاب «من لایحضره الفقیه» و شیخ کلینی در کتاب

۱- . الکافی، ج ۵، ص ۳۷۴.

۲- . دانشنامه حضرت خدیجه ۳ ، ج۱، ص ۲۷۰.

شریف «کافی» با مقداری اختلاف، خطبه عقدی را که به وسیله حضرت ابوطالب علیه السلام ایراد شده است نقل کرده اند. متن خطبه طبق روایت شیخ صدوق; این گونه است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنْ زَرْعِ إِبْرَاهِیمَ وَ ذُرِّیَّهِ إِسْمَاعِیلَ وَ جَعَلَ لَنَا بَیْتاً مَحْجُوجاً وَ حَرَماً آمِناً یُجْبی إِلَیْهِ ثَمَراتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ جَعَلَنَا الْحُکَّامَ عَلَی النَّاسِ فِی بَلَدِنَا الَّذِی نَحْنُ فِیهِ؛ سپاس خدای را که ما را از بذر ابراهیم و ذرّیّه اسماعیل قرار داد، و برای ما خانه ای نهاد که مردمان گرد آن طواف کنند، و نیز حرم امنی که از اطراف جهان نعمت ها به سوی آن آورند، و ما را در دیار خود بر مردم فرمانروا قرار داد!

آن گاه گفت:

إِنَّ ابْنَ أَخِی مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا یُوزَنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَیْشٍ إِلَّا رَجَحَ وَ لَا یُقَاسُ بِأَحَدٍ مِنْهُمْ إِلَّا عَظُمَ عَنْهُ وَ إِنْ کَانَ فِی الْمَالِ قَلَّ فَإِنَّ الْمَالَ رِزْقٌ حَائِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ؛ این برادرزاده من محمّد بن عبد اللّه بن عبد المطّلب با هیچ یک از مردان قریش سنجیده نشود، جز آن که برتری یابد، و با هیچ کس از آنان مقایسه نگردد، جز آن که بزرگ تر آید. اگر چه از مال دستش تهی است، (لکن این نقص نیست)؛ زیرا مال نصیبی ناپایدار و سایه ای زود گذر است.

وَ لَهُ فِی خَدِیجَهَ رَغْبَهٌ وَ لَهَا فِیهِ رَغْبَهٌ وَ الصَّدَاقُ مَا سَأَلْتُمْ عَاجِلُهُ وَ آجِلُهُ

مِنْ مَـالِي وَ لَهُ خَطَرٌ عَظِيمٌ وَ شَأْنٌ رَفِيعٌ وَ لِسَانٌ شَافِعٌ جَسِـيم؛(۱) و اکنون او را به همسری با خـدیجه رغبتی است و خدیجه را به ازدواج با او شوقی، و آنچه از مهریّه بخواهیـد، چه نقـدینه و چه بر ذمّه، بر عهـده من خواهـد بود. و او جایگاهی بس بزرگ و شأنی بسیار والا و زبانی شفاعتجو و گویا دارد

نگاهی به سخنان ابو طالب علیه السلام

خطبه ابوطالب علیه السـلام جایگاه والای رسول خدا صـلی الله علیه و آله را نزد خدای متعال و در دل مردم روشن می نماید و بیان می دارد که این خاندان از ریشه هایی ارجمند که در اوج شرافت قرار دارند، منشعب شده اند

و از ذریه ابراهیم خلیل الله و پسرش اسماعیل ذبیح الله هستند.

سخنـان ابوطـالب علیه السـلام به خوبی نشان می دهـد که بنی هاشم از شـرافت و جایگاه ویژه ای برخوردارنـد، تا آنجا که می گوید: «خدا ما را حاکم مردم قرار داده است.»

همچنین بیـان می دارد که خانـدان هاشـمی در برترین سـرزمین دنیـا ساکن انـد. همان حرمی که پرورگار آن را برای بنـدگان خویش محلی امن قرار داده است.

خطبه ابوطالب علیه السـلام از شـکوه شخصـیت رسول خدا صـلی الله علیه و آله در آن دوران حکایت دارد و بیان می دارد که تمام افتخارات و فضائل و کمالات انسانی در

۱- . من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۷.

او گرد آمده است. به گونه ای که در فضائل و کرامات اخلاقی و انسانی هیچ مردی از مردان قریش را نمی توان با او همسنگ کرد و آن حضرت از همه قریشیان برتر و والاتر است. و هیچ مردی از میان عرب و غیر عرب در فضائل با آن حضرت قابل مقایسه نیست. و بالاتر آن که در میان تمام آفریدگان خدای تعالی همانندی ندارد.

دیگر آن که در شخصیت آن حضرت خدشه ای نیست. فقر و دارایی اندک هم برای او نقصی به شمار نمی آید؛ زیرا مال و ثروت سایه ای است نا پایدار و آبی است روان.

این دیدگاه بلند ابوطالب در دوران جوانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از عمق معرفت ابوطالب، به پیامبر قبل از مبعوث شدن به رسالت حکایت دارد. و این خود پشتوانه ای محکم برای حمایت های همه جانبه ابوطالب علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله تا آخرین لحظات عمر است.

این خطبه صراحت دارد بر این که مردم نشانه های نبوت و نور هدایت را در او می یافتند و انتظار می کشیدند که وی همان کسی باشد که حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام بدو بشارت داده اند.

و نیز از کلام ابوطالب علیه السلام چنان بر می آید که عشق و علاقه خدیجه علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله یک طرفه نبوده است، بلکه محبتی دو جانبه بوده است و هر دو به یکدیگر عشق و اشتیاق داشته اند.

همان گونه که خدیجه علیها السلام نسبت به رسول خدا شناخت پیدا نمود و به حضرتش علاقه مند شده بود، رسول خدا نیز کمالات خدیجه را دریافته و او

را از هر زنی دیگر شایسته تر برای همسری می دانست و هیچ زنی را همتای خدیجه قرار نمی داد. همواره او را ستایش می کرد و بر سایر همسران خود برتری می داد و در بزرگداشت و تکریم او از چیزی فروگذار نمی کرد.

سخنان خدیجه علیها السلام در مراسم عقد

در کتاب شریف کافی آمده است که پس از این خطبه، عموی خدیجه علیها السلام خواست به عنوان پاسخ ابوطالب علیه السلام سخن بگوید، ولی به لکنت زبان دچار شد و سکوت اختیار کرد. از این رو خدیجه علیها السلام به سخن آمد و گفت:

یَا عَمَّاهْ إِنَّکَ وَ إِنْ کُنْتَ أَوْلَی بِنَفْسِی مِنِّی فِی الشُّهُودِ فَلَسْتَ أَوْلَی بِی مِنْ نَفْسِی قَدْ زَوَّجْتُکَ یَا مُحَمَّدُ نَفْسِی وَ الْمَهْرُ عَلَیَّ فِی مَالِی فَأْمُرْ عَمَّکَ فَلْیَنْحَرْ نَاقَةً فَلْیُولِمْ بِهَا وَ ادْخُلْ عَلَی أَهْلِك؛ عمو جان، هرچند شما به عنوان گواه اختیاردار من هستی، ولی در انتخاب

شایسته تر از من نیستید. ای محمد، من خود را به همسری تو در می آورم و مهر را نیز از مال خویش بر عهده می گیرم.

آن گاه از ابوطالب خواست تا شتری قربانی کند و به مردم ولیمه بدهد.

ابوطالب فرمود: « گواه باشید که خدیجه محمد را به همسری خویش پذیرفت و مهر را از مال خویش ضمانت کرد.»

قریشیان گفتند: «شگفتا که مهریه مردان را زنان به عهده گیرند!»

ابوطالب علیه السلام به پا خاست و فرمود:

إِذَا کَانُوا مِثْلَ ابْنِ أَخِی هَذَا طُلِبَتِ الرِّجَالُ بِأَغْلَی الْأَثْمَانِ وَ أَعْظَمِ الْمَهْرِ وَ إِذَا کَانُوا أَمْثَالَکُمْ لَمْ یُزَوَّجُوا إِلَّا بِالْمَهْرِ الْغَالِی؛ اگر مردی مانند

ص: ۵۸

برادرزاده ام باشد، جا دارد که با گران ترین بها و بیشترین مهر خواسته شود، ولی اگر مثل شما باشد، جز با پرداختن مهر سنگین با شما ازدواج نخواهد کرد.

جشن ازدواج

سپس در همان مجلس شتری قربانی کرد و مراسم جشن عروسی برگزار شد. در این هنگام عبد الله غنم، یکی از قریشیان اشعاری بدین مضمون خواند:

هَنِیئاً مَرِیئاً یَا خَدِیجَهُ قَدْ جَرَتْ**

تَزَوَّجْتِ خَیْرَ الْبَرِیَّهِ کُلِّهَا**

وَ بَشَّرَ بِهِ الْبَرَّانِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ**

أَقَرَّتْ بِهِ الْکُتَّابُ قِدْماً بِأَنَّهُ**

لَکِ الطَّیْرُ فِیمَا کَانَ مِنْکِ بِأَسْعَدٍ

وَ مَنْ ذَا الَّذِی فِی النَّاسِ مِثْلُ مُحَمَّدٍ

وَ مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ فَیَا قُرْبَ مَوْعِد

رَسُولٌ مِنَ الْبَطْحَاءِ هَادٍ وَ مُهْتَدٍ(۱)

هَنِیئاً مَرِیئاً یَا خَدِیجَهُ قَدْ جَرَتْ**

تَزَوَّجْتِ خَیْرَ الْبَرِیَّهِ کُلِّهَا**

وَ بَشَّرَ بِهِ الْبَرَّانِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ**

أَقَرَّتْ بِهِ الْکُتَّابُ قِدْماً بِأَنَّهُ**

لَکِ الطَّیْرُ فِیمَا کَانَ مِنْکِ بِأَسْعَدٍ

وَ مَنْ ذَا الَّذِی فِی النَّاسِ مِثْلُ مُحَمَّدٍ

وَ مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ فَیَا قُرْبَ مَوْعِد

رَسُولٌ مِنَ الْبَطْحَاءِ هَادٍ وَ مُهْتَدٍ(۲)

ای خدیجه! گوارا باد تو را که پرنده همای بختت به سوی کوی سعادت و خوشبختی به پرواز درآمد؛

چرا که با برترین انسان ها ازدواج کردی. چه کسی در میان مردم، همچون محمد دارای مقامات عالی است؟

دو راستگو و نیکوکار، یعنی حضرت عیسی و حضرت موسی، به ظهور او مژده داده ا ند و زمان، چقدر نزدیک شده است!

از روزگاران پیش، نویسندگان اقرار کرده اند که در سرزمین بطحاء، پیامبری راهنما و هدایت شده طلوع خواهد کرد.

۱- . الکافی، ج ۵، ص: ۳۷۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۶ - ۱۴.

۲- . الکافی، ج ۵، ص: ۳۷۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۶ - ۱۴.

در روایت آمـده است که چون خطبه عقـد به پایان رسـید و محمـد صـلی الله علیه و آله برخاست تا به همراه عمویش ابوطالب علیه السلام به خانه برود، خدیجه علیها السلام به آن حضرت عرض کرد:

إِلَی بَیْتِکَ فَبَیْتِی بَیْتُکَ وَ أَنَا جَارِیَتُکَ؛(۱) در خانه خود بمان که خانه من خانه توست و من هم کنیز توأم!

پس از عقد، جشن با شکوهی بر پا شد و گوسـفندان بسـیاری قربانی کردند و برای چند روز، مردم مکه، به ویژه مستمندان را اطعام کردند.(۲)

خویشاوندان محمد امین صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام نیز به

شادی پرداختند و این روز را بسیار گرامی داشتند.

تاریخ ازدواج

بی گمان سال ازدواج رسول خدا صـلی الله علیه و آله با این بانوی با کرامت، سال ۲۵ عامل الفیل، پانزده سال پیش از بعثت و ۲۸ سال قبل از هجرت بوده است. این رویداد مبارک در ماه ربیع الاول بوده و اختلافی در آن نشده است.

روز ازدواج نیز بنا بر مشـهور، دهم ربیع الاول است؛ چنان که سـید بن طاووس با سلسـله اسـنادش از شـیخ مفیـد چنین نقل می کند و روزه آن روز را به شکرانه این پیوند مقدس مستحب می داند.(۳)

۱- . الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۱۴۱؛بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۳، ح ۸.
۲- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۹.
۳- . الاقبال، ج ۲، ص ۱۱۵.

شیخ مفید نیز همین تاریخ را ثبت کرده است.(۱)

علامه مجلسی نیز آن را طبق سند سید بن طاووس از شیخ مفید روایت کرده است.

مرحوم کاشف الغطاء هنگام بحث از روز نهم ربیع الاول می افزاید: «یکی از علل شادی و سرور حضرت زهرا علیها السلام این است که روز نهم و دهم این ماه ایام پیوند مقدس سرور کائنات با بانوی پاک و پاک سرشت،

حضرت خدیجه علیها السلام است که بی گمان حضرت زهرا علیها السلام همه ساله در چنین روزی شاد و مسرور است و به آن مباهات می کند. این شادی و سرور در این ایام به شیعیان و ارادتمندان به ارث رسیده است.(۲)

بی شک روز ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام روز بسیار مبارک و میمونی بود که منشأ آثار و برکت های فراوان در طول تاریخ شد. این ازدواج نهالی کاشت که به صورت درختی شاداب و پرمیوه در آمد و تا قیامت از میوه های گوناگون معنوی آن استفاده می شود. حضرت زهرا علیها السلام و یازده امام معصوم علیه السلام ثمره این درخت اند.

بنابراین، باید خاطره چنین روزی را که سرچشمه خیر و برکت های بسیار شد، همیشه تجدید کرد و در چنین روزی چشن گرفت و خدای بزرگ را برای پدیدآوردن چنین روزی سپاس گزارد.

۱- . مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه، ص ۲۹.

۲- . جنه المأوی، ص ۹۴.

نقل شـده است که رسول خدا صـلی الله علیه و آله این روز را بسـیار گرامی می داشت و به مبارکی آن «ام ایمن» کنیز مادرش آمنه را که پس از ایشان به پیامبر رسیده بود آزاد کرد.(۱)

مهریه

بر اساس روایت معصومان علیهم السـلام مهریه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله پانصد درهم بوده است.(۲) ولی در باره این بانوی بزرگوار، حضرت ابوطالب علیه السلام بیست شتر جوان از مال خودش نیز بر آن افزود.(۳)

ص: ۶۲

۱- . بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۶.

۲- . الکافی، ج ۵، ص ۳۷۵.

۳- . المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

پیرامون ازدواج

خواستگاران خدیجه علیها السلام

کمالات روحی و عقلی و حسن ظاهر خدیجه علیها السلام سبب شد تا گروه بسیاری از مردان، اندیشه همسری او را در سر بپرورانند.(۱) چنان که در این باره نوشته اند:

وَ كَانَتْ خَدِيجَهُ امْرَأَهً حَازِمَهً لَبِيبَهً شَرِيفَهً وَ هِيَ يَوْمَئِذٍ أَوْسَطُ قُرَيْشٍ نَسَباً وَ أَعْظَمُهُمْ شَرَفاً وَ أَكْثَرُهُمْ مَالًا وَ كُلُّ قَوْمِهَا قَدْ كَانَ حَرِيصاً عَلَى ذَلِكَ لَوْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ؛(۲)و خدیجه زنی دوراندیش و شریف و خردمند بود. وی در آن روز از نظر نسب در میان زنان قریش از دیگران برتر و شرافتمندتر، و از نظر ثروت، ثروتمندترین بود، و همه مردان مکه علاقه مند ازدواج با او بودند.

عقبه بن ابی معیط، صلت بن شهاب، ابوجهل، و ابوسفیان از جمله مردان ثروتمند و صاحب نفوذ قریش بودند که دست تمنا به سوی او دراز کردند.(۳)

لیکن آن بانوی بزرگ، همه آنان را رد کرد و رو سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله نهاد.

او ایمانی استوار داشت که محمد پیامبری است که از سوی پروردگار

ص: ۶۳

۱- . سیره النبویه، ج ۱، ۱۸۹؛الکامل، ج ۴، ص ۱۴.
۲- . السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۸۹.
۳- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲.

برای عموم مردم فرستاده شده است و همانی است که پیامبران پیشین بشارت او را داده اند. خدیجه می گفت: «سعدت من تکون لمحمد قرینه؛(۱) نیکبخت است کسی که همسر محمد شود.»

اعتراض زنان مکه و پاسخ خدیجه علیها السلام

وقتی زنان قریش از تصمیم خدیجه برای از ادواج با محمد امین صلی الله علیه و آله آگاه شدند، وی را بسیار سرزنش کردند. سرزنش آن ها در دیدگاهی ظاهربینانه ریشه داشت. آنان همواره به معیارهای مادی می اندیشیدند. از این رو خدیجه علیها السلام را سرزنش می کردند و می گفتند: «خدیجه با آن همه حشمت و شوکت و ثروت، حاضر شده است با یتیم ابوطالب، محمد امین که فردی تهیدست است از دواج کند. آیا این ننگ و عار نیست؟!»

روشن است که معیارهای خدیجه علیها السلام با ملاک های مادی و ظاهری آنان بسیار تفاوت داشت. وی به تنها چیزی که در این ازدواج توجه نداشت، ثروت و دارایی بود. از این روی هنگام خواستگاری اشراف ثروتمند

قریش، با قاطعیت به آنان پاسخ منفی داد. او در پی فضیلت های اخلاقی و ارزش های انسانی و ایمان و صداقت بود.

نوشته اند که وقتی انتقادها و سرزنش های مردم مکه به گوش خدیجه علیه السلام رسید، آن بانوی خردمند، زنان مکه را به خانه اش دعوت کرد. آن گاه پس از

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳.

پذیرایی به ایشان چنین گفت:

«ای گروه زنان! شـنیده ام که شما و همسرانتان بر ازدواج من با محمد خرده می گیرید و این کار را ننگ می دانید. من از شما می پرسم، آیـا در میـان مردم مکه شخصـی ماننـد محمـد امین می شناسـید؟ آیا در اطراف جزیره العرب، شخصـیتی با جمال و کمال محمد و با فضائل و اخلاق وی می یابید؟

من به سبب این ویژگی های والا و برجستگی های اخلاقی و انسانی با او ازدواج کردم و در باره ویژگی هایش سخنانی شنیده ام که وی را از همه مردمان ممتاز می سازد. بنابراین، شایسـته نیست که شما بیهوده بر این تصمیم من خرده بگیرید و ناآگاهانه به کسی نسبت ناروا بدهید.»

زنان مکه در برابر این سـخنان متین و اسـتوار خدیجه علیها السـلام خاموش بودند. آنان با سکوت خود نشان دادند که حضرت خدیجه علیها السلام در کاری که کرده به خطا نرفته است.(۱)

ولی برخی از ایشان پس از خارج شدن از آن مجلس، دوباره به انتقاد و

نکوهش های بیهوده خویش ادامه دادند و حتی رفت و آمد با حضـرت خدیجه را تحریم کردند تا وی را از نظر روحی آزرده سازند.

از این رو پس از ازدواج خـدیجه علیها السـلام ، زنان مکه فضای بسـیار بـدی را برای او به وجود آوردنـد، تا آنجا که هرگونه رفت و آمد را با او ممنوع کردند و کسی را که با او آمد و شد داشت از جمع خود بیرون می راندند. حتی هنگام

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

تولد فاطمه علیها السلام هیچ یک از زنان قریش حاضر نشدند به حضرت خدیجه علیها السلام کمک کنند. برخی از آنان تا پایان عمر حضرت خدیجه علیها السلام نیز به این دشمنی ادامه دادند.

اما از آنجا که خدیجه علیها السلام به حقانیت کار خود ایمان داشت، در برابر رفتارهای نا بخردانه آنان ذره ای تردید به دلش راه نداد؛ زیرا وی تنها به رضای خدا می اندیشید و خوب می دانست که چه درّ گرانبهایی به دست آورده است.

این ازدواج ساده، ولی باشکوه بر اساس ارزش هایی ویژه شکل گرفت و قالب ها و ملاک های رایج جاهلیت را در هم شکست و به جای توجه به معیارهایی چون مال، ثروت و ارتباط های قبیله ای و ارزش های سخیف جاهلی، به اموری چون برخورداری از عقل و اندیشه پاک و ایمان و صداقت و راستی و پاکدامنی و فضائل اخلاقی و کرامت های انسانی اهمیت داده شد.

آن زمان در جزیره العرب چنین معیارهایی نه تنها ارزش به شمار نمی آمدند، بلکه به شدت با آن ها برخورد می شد. (۱)

سن حضرت خدیجه علیها السلام به هنگام ازدواج

بنا به نقل سید جعفر مرتضی عاملی در کتاب «الصحیح من سیره النبی الاعظم» سن حضرت خدیجه هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله متفاوت ذکر شده است و مورخان مختلف آن را ۲۵ سال، ۲۸ سال، ۳۰ سال، ۳۵ سال، ۴۰ سال،

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸۰.

۴۴ سال، ۴۵ سال، و ۴۶ سال اعلام کرده اند.

در «بحارالانوار» از قول ابن عباس سن وی به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۸ سال ذکر شده است.

علامه سید جعفر مرتضی عاملی، عدد ۲۸ سال را قول ترجیحی اکثریت دانسته است و با توجه به مردود دانستن ازدواج ای قبلی وی، قطعی است که سن او هنگام وصلت با پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله باید بسیار کمتر از آنچه شهرت دارد باشد.

به احتمال قریب به یقین برخی از سیره نویسان که سن آن حضرت را به هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله چهل سال ذکر کرده اند، به دلیل فرض قبلی آنان در مورد دو بار ازدواج کردن حضرت خدیجه علیها السلام و فرزند

داشتن وی بوده است. اگر ازدواج های قبلی را منتفی بدانیم، موضوع سن نیز خود به خود حل خواهد شد.

هرچند نمی توان به طور قطع سن خدیجه طاهره را به هنگام ازدواج به دست آورد، ولی به نظر می رسد سن اعلام شده در «بحارالانوار» از قول ابن عباس به صحت نزدیک تر باشد.

ابن عماد حنبلی، دانشمند معروف اهل سنت در این باره می نویسد: «بسیاری از تاریخ نگاران، این دیدگاه را ترجیح داده اند که حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با پیامبر بیست و هشت ساله بوده است.»(۱)

در هر صورت برخی از سن های ادعائی یاد شده، به ویژه از ۳۵ تا ۴۶

ص: ۶۷

۱- . شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۱، ص ۱۴.

سـال، نه بـا تحلیل صـحیح وقایع تاریخی سازگار است، و نه با علوم پزشـکی و تجارب انسان ها؛ زیرا کسانی که سن حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام را به هنگام ازدواج با پیامبر صـلی الله علیه و آله حـدود چهل سال ذکر کرده انـد، همان کسانی انـد که ولادت حضـرت زهرا علیها السـلام را پنج سال بعد از بعثت، یعنی بیست سال بعد از ازدواج رسول اکرم صـلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام می دانند.

بدین ترتیب سن خدیجه علیها السلام هنگام تولد حضـرت زهرا علیها السـلام باید حدود شصت سال باشد که طبیعی است در این حدود سن

بارداری از نظر علمی و پزشکی و تجربه و واقعیت مردود است.(۱)

از این رو بـا توجه به فرزنـدانی که حضـرت خـدیجه علیها السـلام بعـد از این ازدواج به دنیا آورد، چهل ساله بودن نمی تواند چنـدان موافقتی با واقع داشـته باشـد. به خصوص که دو تن از فرزندانش، یعنی عبد الله و فاطمه علیها السـلام را بعد از بعثت به دنیا آورده است.

به نظر می رسد ذکر عدد چهل بدان جهت است که عدد کاملی بوده و از بانویی برخوردار از کمالات والا حکایت می کند.

افزون بر این وجود خواسـتگاران زیاد و اسـتنکاف از پـذیرش آنان خود مطلبی است که معمولاً وضـعیت سـنی مناسبی را برای یک زن آشکار می کند؛ چون یکی از جاذبه های طبیعی زن برای خواستگاران، جوانی و طراوت است.(۲)

۱- . دانشنامه حضرت خدیجه، ج ۲، ص ۱۳۲.

۲- . دانشنامه حضرت خدیجه، ج ۳، ص۳۶.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یگانه همسر خدیجه علیها السلام

عده ای بر آن اند که حضرت خدیجه علیها السلام هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بانویی صاحب فرزند بوده است و پیش از این با دو مرد دیگر به نام های عتیق بن عائذ بن عبد الله مخزومی و ابوهاله تمیمی

ازدواج کرده است.

این در حالی است که علی رغم شهرت این خبر، در باره ازدواج های قبلی حضرت خدیجه علیها السلام تردیدهایی جدی وجود دارد. این تردید زمانی جدی تر می شود که بدانیم طرفداران عایشه کوشیده اند تا یکی از فضائل منحصر به فرد عایشه را در قیاس با دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله دوشیزه و باکره بودن او بیان کنند و در کتاب های خود پی درپی بنویسند: پیامبر صلی الله علیه و آله با هیچ زن باکره ای غیر عایشه ازداوج نکرد و خدیجه پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله با دو مرد دیگر به نام های عتیق بن عائذ و ابوهاله ازدواج کرده بود.(۱)

اما در باره حضرت خدیجه علیها السلام شواهد بسیاری در دست است که نشان می دهد ایشان نیز از زنان باکره بوده و پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله با هیچ مرد دیگری ازدواج نکرده است. برخی از مهم ترین شواهد تاریخی در این باره چنین است:

۱. ابن شهرآشوب از قول بلاذری و ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی و شیخ طوسی می نویسد: «أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله تَزَوَّجَ بِهَا وَ كَانَتْ عَذْرَاءَ؛ حضرت خدیجه علیها السلام

۱- . صحیح بخاری، ج ۶،ص ۸۴.

به هنگام ازدواج با پیامبر اکرم صلی

الله علیه و آله دوشیزه بود.»(۱)

واقدی می گوید: «حضرت خدیجه به هنگام ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله باکره بوده است.»(۲)

۲. این مطلب مورد اتفاق همه ارباب تاریخ و حدیث است که کسی از بزرگان و اشراف و شخصیت های قریش باقی نمانده بود که از حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاری نکرده و ایشان به آن ها پاسخ منفی نداده باشد.

و آن گاه که وی از میان انبوه خواستگاران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای همسری برگزید، زنان قریش خشمگین شدند و او را از خود راندند و بر او شوریدند که چرا به بزرگان و اشراف قریش پاسخ منفی دادی و اکنون با یتیم ابوطالب که فقیر وتهی دست است ازدواج می کنی؟!

با وجود این چگونه می توان باور کرد که حضرت خدیجه با یک اعرابی از قبیله «تمیم» ازدواج کرده و مورد ملامت هیچ یک از اشراف قریش قرار نگرفته باشد؟!(۳)

عمادالدین طبری نیز در «کامل بهائی» به این نکته اشاره کرده و می نویسد: «در کتب تاریخ آمده است که حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه بود که به

عقد رسول خدا صلی الله علیه و آله در آمد و رؤسای عرب و اشراف، از حضرت خدیجه

۱- . بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۹.

۲- . تذکره الخواص، ص ۲۷۱.

۳- . الاستقاثه، ج ۱، ص ۷۰.

خواستگاری نمودند و او هیچ کدام را اجابت نکرد. حال چگونه او به ابی هند که از لئام و مردان پَست بنی تمیم بوده پاسخ مثبت داده است!»

۳. اما این که ادعا می شود حضرت خدیجه علیها السلام پیش از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرزندانی داشته است وآن را به عنوان دلیلی بر ازدواج های سابقش در نظر گرفته اند، شواهد و قراینی وجود دارد که نشان می دهد آن ها فرزندان حضرت خدیجه نبوده، بلکه فرزندان خواهر حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند که در خانه ایشان و تحت سرپرستی مالی و عاطفی ایشان قرار داشتند که ان شاء الله در بحث فرزندان حضرت خدیجه علیها السلام به آن خواهیم پرداخت.

خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله

آنچه مسلم است و همه تاریخ نگاران بر آن اتفاق نظر دارند این است که تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله همسر دیگری نگرفت. خدیجه علیها السلام بنابر مشهور سال دهم بعثت، یعنی بیست و پنج سال پس از این ازدواج فرخنده و میمون از دنیا رفت و زن های متعدد دیگری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به ازدواج و همسری خود درآورد، همگی پس از وفات خدیجه علیها السلام بود.

شاید این مطلب تا حدی سؤال برانگیز باشد که چرا در دورانی که چند

همسری امری متداول به شمار می آمد، تا زمانی که حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود پیامبر صلی الله علیه و آله همسر دیگری اختیار نکرد.

ص: ۷۱

اگر چه در منابع مهم تاریخی به صراحت در این باره بحثی نشده است، ولی به طور مسلم باید آن را در شایستگی ها و ویژگی های خدیجه علیها السلام جست وجو کرد. شاید بتوان پاسخ آن را در کلام ابن اسحاق یافت که گفته است:

وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَسْكُنُ إِلَيْهَا؛(۱) حضرت خدیجه علیها السلام وزیر و معاونی راستین برای پیامبر اسلام بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهر و ملاطفت او آرامش می یافت.

کفایت و درایت خدیجه علیها السلام در سطحی بود که عظمت بیکران رسول خدا صلی الله علیه و آله را درک می کرد. وی در مشکلات یار و یاور آن حضرت بود. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در امور زیادی با وی مشورت می کرد.(۲)

این نکته بسیار حائز اهمیت است که دوران تجرد پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۵ سال و دوران پس از ازدواج آن حضرت ۳۸ سال است. آن حضرت

۲۵ سالِ آن را با خدیجه علیها السلام سپری کرد و سیزده سال دیگر را با سیزده زن دیگر. یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله دقیقاً دو سوم دوران پس از ازدواج خود را تنها با حضرت خدیجه علیها السلام به سر برده است.

خدیجه علیها السلام همسر و هم سرّ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و با وجود چنین همسری هیچ کمبودی در زندگی خویش احساس نمی شد.

در مقابل، در دوران سیزده سال پس از آن، با وجود سیزده همسر - که

۱- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۱۱؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۵.

۲- . تذکره الخواص، ج ۲، ص ۳۰۶.

برخی از آنـان همسـران شایسـته ای بودنـد - همواره جای خـدیجه علیها السـلام را خالی می دیـد و احساس خلأ می کرد و به قدری از او یاد می کرد که باعث حسد برخی همسران می شد.(۱)

محبت دوسویه

حضرت خدیجه علیها السلام مورد علاقه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و بسیار به او محبت می ورزید و او را دوست می داشت. پس از مراسم ازدواج، در سپاس خود از خداوند متعال گفت:

الحَمَدُ لِله ... وَ زَوَّجَنی خَدیجَهَ وَ کُنتُ لَها عاشِقاً؛(۲) سپاس خداوند را که خدیجه به همسری من درآورد و من همواره به او عشق می روزیدم.

همچنین در احوالات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عشق و علاقه آن

حضرت به خدیجه علیها السلام آمده است:

وَ کَانَ لَهَا مُحِبّاً وَ بِهَا وَامِقاً؛(۳) خدیجه را بسیار دوست می داشت و به وی دلبستگی فراوان داشت.

حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام هم در فرصت هـای مناسب به همسـر گرامی خویش ابراز علاقه و محبت می کرد. او در قالب اشعاری زیبا در باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مکنونات قلبی خویش را این گونه ابراز می دارد:

۱- . همان.

۲- . المستدرك على الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۲.

۳- . العدد القویه، ص ۲۲۰؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

وَ

دامَتْ لِیَ الدُّنیا وَ مُلْکُ الأکاسِرَهِ***

اذا لَمْ یَکُنْ عَینی لِعَینِکَ ناظِرَهً***

فَلَوْ اَنَّنی اَمْشَیتُ فی

کُلِّ نِعَمَهٍ

فَما سُوِّیَت عِندی جَناحَ بَعوضَهٍ(۱)

اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن ها همیشه از آنِ من باشد،

به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد، زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد!

۱- . مستدرک سفینه البحار، ج ۵، ص۴۴.

فصل سوم: در دوران رسالت

اشاره

ص: ۷۵

در آستانه بعثت

یاور پیامبر صلی الله علیه و آله

رسالت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله کار عظیمی بود که فشار روحی و روانی و جسمی فراوانی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد می ساخت و منبعی از محبت و عاطفه، با همـدمی عاقل و فهمیـده را می طلبیـد، تا این که مسائل را به خوبی درک کنـد، در کنارش بایستد، و او را یاری کند. و او کسی جز خدیجه علیها السلام نبود.

و حضـرت خدیجه علیها السـلام پیامبر گرامی اسـلام صلی الله علیه و آله را از زمان ظهور اسلام در امر مهم بعثت یاری رساند. هرچند حضـرت ابوطالب علیه السـلام و مهم تر از آن فرزند گرامش حضـرت علی علیه السـلام نیز بودند، ولی هیچ کس مانند همسر نمی تواند در مواقع سخت و بحرانی، تکیه گاه روحی و روانی آرام بخشی برای مرد باشد.

آن زمان که مکه در فساد ناشی از فکر و اندیشه شرک آلود غرق بود و خرافه ها و زشتی ها در میان مردم به امری ساده، رایج و مرسوم مبدل شده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله بیشتر وقتش را در غار حرا به عبادت می گذراند و از مشرکان و بت پرستان کناره می گرفت.

در آن شـرایط حضـرت خدیجه علیها السـلام همراه و همدل واقعی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. زمینه را برای پیامبر صلی الله علیه و آله آماده می کرد

تا آن حضرت فارغ از مسائل جانبی، خود را برای رسالتی بزرگ مهیا سازد.

البته این فداکاری ها در اعتقاد دینی حضرت خدیجه علیها السلام ریشه داشت و آن

را از طریق کتب دینی و نیاکان پاک خود دریافته بود.

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا به سر می برد، خدیجه علیها السلام غذا و نوشیدنی برای آن حضرت فراهم می کرد و سختی رساندن طعام را با وجود ارتفاع کوه تحمل می کرد و اوقاتی را هم در حرا با پیامبر علیه السلام هم نشین می شد.

به خاطر همین زحمت ها بود که مستحق سلامی از جانب خدا شد. در روایت آمده است: جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد:

یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِیجَهُ قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِیهِ إِدَامٌ وَ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِیَ أَتَتْکَ فَاقْرَأْ عَلَیْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ بَشِّرْهَا بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّهِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب؛(۱) یا رسول الله، این خدیجه است که برای تو طعام و نوشیدنی می آورد؛ پس زمانی که آمد سلام ما را به او برسان و او را به خانه ای در بهشت از لؤلؤ که در آن فریاد و اضطراب و سختی وجود ندارد بشارت بده!

عبادتگاه پیامبر صلی الله علیه و آله

کوه نور در شمال مکه قرار دارد. در نقطه شمالی این کوه غاری است که

حرا نامیده می شود و پس از عبور از سنگ های سخت می توان به آن رسید. ارتفاع این غار به اندازه قامت یک انسان است. این غار عبادتگاه حضرت محمد صلی الله علیه و آله برترین برگزیده خدا بود.

ص: ۷۸

۱- . صحیح بخاری، ح ۱۰۳۴؛ عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ص ۳۹۵.

او این مکان خلوت و دور از هیاهو را برای عبادت و پرستش پروردگار انتخاب کرده بود و شب ها و روزهایی را در آن سپری می کرد.

محمد صلی الله علیه و آله ماه رمضان را در آنجا می گذراند و در ماه های دیگر نیز گاه و بیگاه به آنجا می رفت و به راز و نیاز با خدای خویش می پرداخت.

خدیجه علیها السلام گاهی در پی همسرش به حرا می رفت و او را در آنجا سرگرم عبادت می دید. مدت ها بود که خدیجه علیها السلام ساعت ها در کوه نور به تماشای این راز و نیاز پرشور و انس و ارتباط با خدا می نشست و از حلاوت عبادت با پروردگار و عرفان پاک محمد صلی الله علیه و آله بهره می برد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به خلوت و تفکر علاقه ای خاص داشت، قبل از بعثت در حرا به تفکر و عبادت می پرداخت و در ماه رمضان به مدت یک ماه در آنجا معتکف می شد.(۱)

امام هادی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از سفر تجاری به شام، آنچه به دست آورده بود به تهیدستان داد، و هر روز بامداد بر فراز کوه حرا می رفت و آثار رحمت خدا و شگفتی های آفرینش او را تماشا می کرد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته اوست عبادت می کرد.(۲)

پس از ازدواج با خدیجه علیها السلام به خاطر آرامش و آسایشی که یافته بود، بیشتر به خلوت و تفکر می پرداخت و در سال های نزدیک به بعثت این

۱- . السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۵۴ - ۲۵۲.

۲- . التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری۷، ص ۱۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

اعتکاف بیشتر شده بود.

نکته مهم برخورد آگاهانه و عالمانه حضرت خدیجه علیها السلام با این اعتکاف و همراهی وهمسویی او در مدت اعتکاف بود که نشان دهنده مقام والای اوست.

هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی غار رهسپار می شد، خدیجه علیها السلام او را بدرقه می کرد و آن قدر می ایستاد تا محمد از نظرش ناپدید شود.

گاه که دوری او را تاب نمی آورد، خود برای رساندن آب و غذا به نزد آن حضرت می رفت و گاه علی علیه السلام یا زید بن حارثه را می فرستاد تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با کمال آرامش به عبادت خدا بپردازد.

همچنین اگر احساس خطر می کرد، افرادی را برای نگهبانی از جان محمد

امین صلی الله علیه و آله می گمارد؛ بی آن که مزاحم خلوت و راز و نیاز وی شوند.

گاهی نیز به حرا می رفت و بدون آن که خلوت همسرش را بر هم زند، خود نیز به عبادت می پرداخت.(۱)

آری، هنگامی که محمد صلی الله علیه و آله هنوز به رسالت برگزیده نشده بود، خدیجه علیها السلام در کنار او، با ایمان و اعتماد به محمد صلی الله علیه و آله و باوری استوار به یکتایی پرودگار عالم و در فضایی عرفانی و ملکوتی زندگی می کرد.

سرآغاز وحی

سرانجام زمان موعود فرا رسید و جبرئیل از جانب خدای متعال برای محمد امین صلی الله علیه و آله پیام آورد که بخوان! پرسید: چه بخوانم؟ گفت:

۱- . نهایه الارب فی فنون الادب، ج ۱۸، ص ۲۱۸.

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَق ...؛(۱) بخوان به نام پروردگارت که آفرید! ...

مأموریت جبرئیل پایان یافت و محمد صلی الله علیه و آله پس ازآن که به پیامبری رسید، از کوه حرا رهسپار خانه خدیجه شد و هر آنچه را که در حرا اتفاق افتاده بود برای خدیجه علیها السلام تعریف کرد.

خدیجه علیها السلام به بزرگی، راستگویی و درستکاری محمد صلی الله

علیه و آله سخت ایمان داشت و پیش تر نیز شنیده بود که مردی بزرگ از مکه، آخرین پیامبر الهی خواهد شد. بر این اساس، با شنیدن سخنان محمد صلی الله علیه و آله به او ایمان آورد و او را دعا کرد و دلگرمی داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله که احساس خستگی می کرد، به خدیجه علیها السلام فرمود: «دَثِّرینی؛ مرا بپوشان!» خدیجه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را پوشاند و آن حضرت برای استراحت به بستر رفت. خدیجه علیها السلام نیز با خود پیمان بست که با تمام توان از شوهرش که دیگر پیام آور حق و حقیقت شده بود، حمایت کند.

از این رو، خدیجه علیها السلام نخستین بانویی بود که به رسالت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد. و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا آواخر دوران رسالتش این ویژگی مهم خدیجه علیها السلام را یادآور می شد و به رخ دیگران می کشید.

عایشه روایت می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله هرگاه از خدیجه یاد می کرد در ستایش و طلب مغفرت برای او کم نمی گذاشت. یک روز او را یاد کرد و کار به جایی رسید که صبر خویش را از دست دادم و با کمال جرئت گفتم: وی

ص: ۸۱

۱- . سوره علق، آیه ۱.

زن بزرگسالی بیش نبود و خدا بهتر از او را نصیب شما کرده است!

این گفتار من چنان رسول خدا را متأثر ساخت که آثار خشم و غضب در چهره او ظاهر شد. رو به من کرد و فرمود:

کَیْفَ قُلْتِ وَ اللهِ لَقَدْ آمَنَتْ بِی إِذْ کَفَرَ النَّاسُ وَ آوَتْنِی إِذْ رَفَضَنِی

النَّاسُ وَ صَدَّقَتْنِی إِذْ کَذَّبَنِی النَّاسُ وَ رُزِقَتْ مِنِّی الْوَلَدَ حَیْثُ حُرِمْتُمُوهُ؛ چه گفتی؟ به خدا سوگند که او به من ایمان آورد، هنگامی که مردم کافر بودند، و مرا جای داد، آن گاه که مردم مرا واگذاشتند، و مرا تصدیق کرد، آن گاه که مردم مرا تکذیب کردند و دروغگو پنداشتند، و از من فرزندانی روزی او شد، آنجا که دیگران از فرزند محروم بودند.

عایشه می گوید: پیامبر خدا تا یک ماه صبح و شب همین را می فرمود.(۱)

پس از بعثت

قریش در این دوران در برابر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله کمر همت بست تا از بت ها و آداب و رسوم منافع خویش دفاع کند. از این رو همه نیروهای خود را بسیج نمود تا پیامبر صلی الله علیه و آله را از دعوتش باز دارد و او را از ادای رسالتش منصرف سازد.

برای این منظور از وسائل و شیوه های گوناگون استفاده کرد و در آزار رساندن به پیامبر صلی الله علیه و آله از کوچک ترین وسیله ای هم که تصور می شد بهره

۱- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۱۲.

گرفت. تا جایی که آن حضرت فرمود: «مَا أَوذِیَ نَبِیٌّ مِثْلَ مَا أَوذِیت؛(۱) هیچ پیامبری آنچنان که من آزار و اذیت شدم آزار و اذیت نشده

است.»

جای شگفت است؛ محمدی که تا دیروز صادق امین خوانده می شد، امروز او را جادوگر و کذّاب می خوانند!

در همان زمانی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از آزار و اذیت دشمنان خود رنج می برد، کسی همانند خدیجه علیها السلام بود که خاطرش را تسلا دهد و بار اندوه را از او بکاهد.

وجود حضرت خدیجه علیها السلام عامل مهمی در زندگی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و پیشرفت اسلام به شمار می آید. اگر برای این وجود گرامی در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله این تأثیر عظیم نمی بود، فقدان او بر پیامبر صلی الله علیه و آله آن قدر گران و دشوار نمی آمد.

هرکس دوران رسالت پیامبر عظیم الشأن اسلام صلی الله علیه و آله را بنگرد، تأثیر این بانوی بزرگ را در گسترش اسلام و برافراشته شدن کلمه توحید به خوبی احساس می کند. زیرا تاریخ موضع گیری های شجاعانه و فداکاری های عظیم او و اموال هنگفتی را که در یاری دین خدا ایثار کرد فراموش نکرده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله به یاری و حمایت های بی دریغ و شجاعانه او بر انبوه مشکلات و موانع چیره می شد و با مهر و محبت وصف ناپذیرش آرامش خاطر می یافت.

۱- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۳، ص ۲۴۷.

اسلام خدیجه علیها السلام

نخستین بانوی مسلمان

شیخ طوسی در روایتی نقل می کند که ابن عباس گفته است:

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنَ الرِّجَالِ عَلِيٌّ، وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَه؛(۱) نخستین کس از مردان که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، علی بود، و نخستین نفر از زنان خدیجه.

سبقت حضرت خدیجه علیها السلام از میان زنان به اسلام، بیانگر اوج مقام این بانو در ایمان و اعتقاد به رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و این که در کسب کمالات معنوی و باورهای الهی فرقی بین زن و مرد نیست.

علی علیه السلام هم که در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و با مراقبت حضرت خدیجه علیها السلام زندگی می کرد و مورد عنایت خاص آن دو بزرگوار قرار گرفته بود، به حسب ظاهر در سن نوجوانی بود که نبوت را تصدیق کرد، و در حقیقت با ایمان به خدا و رسول خدا و آشنایی با قرآن

محمد صلی الله علیه و آله به دنیا آمد.

بنابراین، بنای اولیه اسلام در خانه خدیجه گذاشته شد و در هیچ خانه ای غیر از این خانه اسلام وارد نشده بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در باره این واقعه عظیم

۱- . الأمالی (للطوسی)، ص ۲۵۹.

تاریخی می فرماید:

وَ لَمْ یَجْمَعْ بَیْتٌ وَاحِدٌ یَوْمَئِذٍ فِی الْإِسْلَامِ غَیْرَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَدِیجَهَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا أَرَی نُورَ الْوَحْیِ وَ الرِّسَالَهِ وَ أَشُمُّ رِیحَ النُّبُوَّه؛(۱) آن زمان در خانه ای جز خانه ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و خدیجه در آن بودند اسلام وارد نشده بود و من سومی آنان بودم. نور وحی و رسالت را می دیدم، و بوی نبوّت را استشمام می کردم.

در این که حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانویی است که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورده است، تردید و اختلافی نیست.(۲) اما در این که آیا او اولین شخصی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورده است، یا علی بن ابی طالب علیه السلام بحث شده است.

روایات متعددی در کتب تاریخی وجود دارد که سعی دارند نخستین شخص مسلمان را به طور مطلق حضرت خدیجه علیها السلام معرفی کنند و بگویند که ایمان علی علیه السلام بعد از او بوده است.

این روایات در کتاب های اهل سنت به وفور به چشم می خورد؛ در حالی که با توجه به روایات فراوانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و صحابه و تابعین وجود دارد، علی علیه السلام نخستین ایمان آورنده است. در روایتی در باره امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

۱- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲- . اسدالغابه، ج ۵، ص ۴۳۴؛ الاصابه، ج ۸، ص۹۹؛ الاستیعاب، ج ۲، ص۴۵۷.

هُوَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ صَدَّقَهُ وَ اتَّبَعَه؛(۱) او نخستین کسی است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و او را تصدیق نمود و از او پیروی کرد.

در آن هنگام که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بستر رحلت قرار گرفت، حضرت زهرا علیها السلام بسیار پریشان و گریان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام را به وجود پر برکت علی علیه السلام که دارای ویژگی های برجسته است دلداری داد. در فرازی از مادرش خدیجه علیها السلام نیز یاد کرد و فرمود: دل خوش دار که:

إِنَّ عَلِيّاً أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ هُوَ وَ خَدِيجَهُ أُمُّكِ؛(۲) همانا علی نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آمورد. او و خدیجه، مادر تو، اولین افرادی هستند که به اسلام پیوستند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «نخستین کسی از شما که در روز

رستاخیز با من در کنار حوض ملاقات می کند، پیش قدم ترین شما در اسلام، علی بن ابی طالب است».(۳)

همچنین در باره علی علیه السلام فرمودند:

أَفْضَلُكُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقْدَمُكُمْ إِسْلَاماً وَ أَوْفَرُكُمْ إِيمَاناً؛(۴) با فضیلت ترین شما علی بن ابی طالب است؛ پیش قدم ترین شما در اسلام

۱- . الأمالی (للطوسی)، ص ۵۵۹.

۲- . الأمالی (للطوسی)، ص ۶۰۷؛ بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۰۲.

۳- . الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۸.

۴- . تفسیر فرات الکوفی، ص ۴۹۶.

آوردن، و مؤمن ترین شما به خداوند.

در روایتی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ لَمْ یَسْبِقْنِی إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالصَّلَاه؛(۱) بار خدایا، من اولین کسی هستم که به تو دل داده، و امرت را شنیده و پاسخ گفته ام، احدی در نماز جز پیامبر صلی الله علیه و آله بر من پیشی نگرفت.

امام حسن مجتبی علیه السلام نیز در خطبه ای فرمودند:

فَکَانَ أَبِی علیه السلام أَوَّلَ مَنِ اسْتَجَابَ لِلَّهِ تَعَالَی وَ لِرَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ وَ صَدَّقَ اللَّهَ وَ رَسُولَه؛(۲) نخستین کسی که دعوت خدای تعالی و پیامبرش صلی الله علیه و آله را پذیرفت، پدرم علی علیه السلام بود. او اولین کسی است که ایمان

آورد و رسالت پیامبر خدا را تصدیق کرد.

سید بن طاووس هم نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روز دوشنبه مبعوث شد وعلی علیه السلام روز سه شنبه اسلام آورد، سپس خدیجه بنت خویلد علیها السلام و پس از آن جعفر و زید».(۳) البته این زمانبندی به حسب ظاهر است، و در حقیقت علی علیه السلام مؤمن بالفطره و مولود کعبه است.

با توجه به این روایات و روایات مشابه، به خوبی می توان دریافت که امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین کسی است که اسلام آورده است.

۱- . نهج البلاغه، جطبه ۱۳۱.
۲- . الأمالی (للطوسی)، ص ۵۶۲.
۳- . سعد السعود، ص ۸۶.

بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام

عیسی بن مستفاد می گوید: به امام موسی بن جعفر علیهما السلام عرض کردم: چگونگی ابتدای اسلام علی علیه السلام وخدیجه علیها السلام را برایم بیان کن. فرمود: از پدرم امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدم. فرمود:

هنگامی که علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام مسلمان شدند، پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به حضور طلبید و فرمود: « شما برای خدا مسلمان شده اید و برای خدا تسلیم فرمان خداوند هستید. اکنون جبرئیل نزد من است و شما را به بیعت با اسلام فرا می خواند. پس با اسلام بیعت کنید تا سلامت یابید. و از اسلام اطاعت کنید تا هدایت شوید.

علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام گفتند: بیعت و اطاعت کردیم، ای رسول خدا!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل می گوید: اسلام دارای شرط ها و پیمان هاست. نخست آنچه را خدا برای خودش و رسولش بر شما شرط کرده است اقرار کنید و به یکتایی خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی دهید.

حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام گفتند: گواهی می دهیم که معبودی جز خدای یکتا و بی همتا نیست؛ خداوندی که برای خود فرزند و همسری نگرفته است. خالصانه به یکتایی او اعتراف می کنیم.

و گواهی می دهیم که محمد صلی الله علیه و آله عبد و رسول اوست و خداوند او را به سوی همه مردم جهان تا بر پا شدن قیامت فرستاده است.

و گواهی می دهیم که خداوند می میراند و زنده می کند، و درجات افراد را بالا می برد و پایین می آورد، نیازمند و بی نیاز می کند، و آنچه را بخواهد طبق

ص: ۸۸

مشیتش انجام می دهد، و روز قیامت انسان ها را از قبر خارج و زنده می سازد.

علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به حقانیت سایر اصول و ارکان اسلام طبق تعلیم پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی دادند. از جمله به امامت امامان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله اعتراف نمودند و از دشمنان آن ها بیزاری جستند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فرمود: آیا شروطی

را که خداوند برای اسلام خواهی تو بیان نموده است دریافتی؟ خدیجه علیها السلام عرض کرد:

نَعَمْ وَ آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِیتُ وَ سَلَّمْت؛ آری، و ایمان آوردم و تصدیق کردم و راضی شدم و تسلیم گشتم.

علی علیه السلام نیز چنین ابراز داشت.

پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: آیا در این شرطی که خداوند برای انجامش از شما پیمان گرفته با من بیعت می کنی؟ علی علیه السلام عرض کرد: آری!

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله دستش را گشود و دست علی علیه السلام را بر دست خود نهاد و فرمود: « ای علی، در آنچه با تو شرط کردم با من بیعت کن، و همان گونه که از خود دفاع می کنی، از من دفاع کن.»

علی علیه السلام تحت تأثیر سخن پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و اشک از چشمانش جاری شد و گفت: « پدر و مادرم به فدایت! با تکیه بر حول و قوت الهی که مخصوص ذات پاک اوست بیعت کردم.»

آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فرمود: دستت را بالای دست من قرار بده و با من بیعت کن. خدیجه علیها السلام همانند علی علیه السلام بیعت کرد؛ با این تفاوت که جهاد برای زنان نیست.

پیامبر صلی الله علیه و آله در این هنگام به خدیجه علیها السلام فرمود:

یَا خَدِیجَهُ هَذَا عَلِیٌّ مَوْلَاکِ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِی؛ ای خدیجه، این علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آن ها بعد از من

است.

خدیجه علیها السلام عرض کرد:

صَدَقْتَ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَایَعْتُهُ عَلَی مَا قُلْتَ أُشْهِدُ اللَّهَ وَ أُشْهِدُکَ وَ کَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً عَلِیماً؛(۱) راست می فرمایی ای رسول خدا! من هم بر آنچه فرمودی با او بیعت کردم، و خدا و تو را بر این عقیده گواه می گیرم، و تنها گواهی خدا بس است؛ چه او گواهی داناست!

به این ترتیب حضرت خدیجه علیها السلام در ردیف علی علیه السلام و هماهنگ با او به درجات کمال ایمان اعتراف کرده و گواهی داده و بیعت و پیمان استوار خود را تجدید نموده است.(۲)

لازم به ذکر است که اولین زنی که پس از خدیجه علیها السلام با پیامبر علیه السلام بیعت کرد، فاطمه بنت اسد، همسر ابوطالب و مادر امیر مؤمنان علیه السلام بود.(۳)

افتخار امام حسین علیه السلام به خدیجه علیها السلام

اسلام آوردن خدیجه علیها السلام در نخستین روزهای بعثت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و پیش از همه زنان دیگر، آن قدر مهم است که امام حسین علیه السلام در صحنه

۱- . الطرف، ج ۴، ص ۶؛ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲ و ۲۳۳.

۲- . حضرت خدیجه۳ همسر پیامبر صلی الله علیه و آله،۱۵۱.

۳- . مقاتل الطالبیین، ص ۲۸ و ۲۹

کربلا، آن هم دقایقی پیش از شهادت، با

افتخار خود را به حضرت خدیجه علیها السلام منتسب می کند و نخستین زن مسلمان بودن او را یادآور می شود و به لشکر ابن زیاد خطاب می کند و می فرماید:

أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَ جَدَّتِی خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّهِ إِسْلَاماً؛ شما را به خدا سوگند می دهم، آیا می دانید که جده من خدیجه بنت خویلد، نخستین زن از این امت بود که اسلام آورد؟

و همه تأیید کردند و گفتند: «اللَّهُمَّ نَعَم؛ آری به خدا!»(۱)

نخستین نماز

در برخی از روایات آمده است که نخستین نمازی که رسول خدا صلی الله علیه و آله اقامه کردند، نماز وسطی، یعنی نماز ظهر در روز جمعه بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله چگونگی اقامه نماز و گرفتن وضو را به حضرت علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام آموختند. آن دو وضو گرفتند و با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز گزاردند.(۲)

اقامه نماز حضرت خدیجه علیها السلام از یک سو نشانه اطمینان قلبی او به رسالت الهی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، و از سوی دیگر به معنای

تعبد و بندگی در مقابل خداوند بود.

۱- . الأمالی(للصدوق)، ص ۱۵۸.

۲- . تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۷۸.

طبرسی نیز در «اعلام الوری» گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از اعلام اسلام، بارها فرشته وحی را دید و مژده رسالت را دریافت کرد و نماز را آموخت و همواره در اوقات نماز به اقامه نماز می پرداخت. و نماز در آن دوران دو رکعت دو رکعت بود.

علی علیه السلام که با پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار مأنوس و همراه بود، بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و او را در حال نماز دید و از آن عبادت ویژه پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «الصَّلَاةُ الَّتِی أَمَرَنِی اللَّهُ بِهَا؛ این نمازی است که خداوند مرا به آن فرمان داده است.»

در این هنگام علی علیه السلام را رسماً به اسلام فرا خواند، و او اسلام آورد و با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز گزارد و خدیجه علیها السلام نیز اسلام آورد. و از آن پس هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام با او به نماز می ایستادند.(۱)

اقامه نماز در مسجد الحرام

عفیف نقل می کند: در زمان جاهلیت در مکه به منزل عباس بن عبدالمطلب رفتم. زمانی که خورشید در آسمان نمایان شد و من در حال نگاه کردن به کعبه بودم، جوانی را دیدم که وارد مسجد شد و به آسمان نگاه کرد و

سپس رو به کعبه ایستاد.

زمانی نگذشت که نوجوانی آمد و سمت راست وی ایستاد. پس از اندکی زنی آمد و پشت سر آن دو ایستاد. آن مرد به رکوع و سجده رفت و به پیروی

ص: ۹۲

۱- . إعلام الوری، ص ۳۷.

از او آن نوجوان و زن نیز به رکوع و سجده رفتند.

من به عباس گفتم: این مسأله مهمی است! او گفت: بله، مهم است. می دانی آن جوان کیست؟ گفتم: نه، نمی دانم. گفت: او محمد بن عبد الله بن عبد المطلب، پسر برادر من است.

سپس گفت: آیا می دانی آن نوجوان کیست؟ گفتم نه، نمی دانم. گفت: او علی بن ابی طالب بن عبد المطلب، برادر زاده من است.

آن گاه گفت: آیا می دانی آن زن کیست که پشت سر آن دو ایستاده است؟ گفتم: نه، نمی دانم. گفت: او خدیجه بنت خویلد، همسر پسر برادر من (محمد) است.

او به من گفته است: خدای تو، خدای آسمان و زمین او را به دینی امر کرده است که او به آن معتقد است، و به خدا قسم، بر روی زمین کسی جز این سه نفر به این دین معتقد نیست.(۱)

حضور حضرت خدیجه صلی الله علیه و آله در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام سبب می شد که زنان مکه نیز نسبت به این دین

حساسیت پیدا کنند، تا این دین را که زنان نیز در آن سهیم اند و دارای احترام می باشند و می توانند در کنار مردان به اعمال مذهبی خود بپردازند، بشناسند؛ آن هم در زمانی که زنان از کمترین امتیازات و جایگاه حقوقی برخوردار بودند.

حضور خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله نوید همسانی با مردان در کسب

۱- . المعیار و الموازنه، ص ۷۸ - ۶۶؛ الارشاد، ج ۱، ص ۲۹.

کمالات را می داد. و این عمل، نقش بسیار مؤثری در گرایش بعدی جامعه بانوان و آشنا شدنشان با اسلام داشت. به طوری که اولین شهید راه اسلام، «سمیه» مادر عمار و همسر یاسر بود.

اسلام زید بن حارثه

زید بن حارثه سومین فردی است که به اسلام گروید.(۱) زید از اهالی یمن بود. در عصر جاهلیت او را به مکه آوردند و در بازار عکاظ به عنوان برده در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام، برادر زاده خدیجه علیها السلام، مدتی قبل از بعثت او را برای خدیجه علیها السلام خرید. سپس خدیجه علیها السلام او را به رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشید.

هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مقام نبوت رسید، زید را به اسلام دعوت کرد. زید بی درنگ دعوت را پذیرفت و مسلمان شد.

محبت های خدیجه علیها السلام به زید نقش به سزایی در گرایش او به اسلام داشت. بر اساس برخی از روایات هنگام آغاز بعثت در غار حرا، حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و زید بن حارثه در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند.(۲)

زید بن حارثه از مسلمانان بسیار ممتاز گردید، به گونه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد او را زید بن محمد بخوانند.(۳)

۱- . بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۲۹.

۲- . الغدیر، ج ۳، ص ۲۳۸.

۳- . بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۱۷۲.

او در جنگ های اسلامی، در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله با دشمنان جنگید و فداکاری های بسیاری کرد. سرانجام در جنگ موته که در سال هشتم هجرت در سرزمین شام روی داد، به عنوان دومین پرچمدار لشکر اسلام پس از جعفر طیار به شهادت رسید.

ص: ۹۵

علی و خدیجه علیهما السلام

علی علیه السلام در خانه خدیجه علیها السلام

پنج سال از ازدواج محمد امین صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام می گذشت که علی بن ابی طالب علیه السلام به دنیا آمد. از نعمت های الهی بر علی علیه السلام این بود که پیش از اسلام در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله پرورش یافت.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله از آغاز تولد امیر مؤمنان علیه السلام علاقه و توجه بسیاری به او داشت و خود عهده دار پرورش علی علیه السلام شد. او را به سینه و دوش خود حمل می کرد و به اطراف مکه می برد و می فرمود: « این علی، برادر، یاور، صفی، وصی، ذخیره، مورد اعتماد، داماد، شوهر دخترم، و امین بر وصیت من است.»(۲)

چند سال پیش از بعثت، خشکسالی و قحطی سراسر سرزمین حجاز را فرا گرفت. پیامبر علیه السلام به عمویش عباس پیشنهاد کرد که چون عمویش ابوطالب عیالمند است، سزاوار است نزد او رفته و سرپرستی

فرزندانش را بر دوش گیرند. عباس این پیشنهاد را پذیرفت و به اتفاق نزد ابوطالب آمدند و تصمیم خود را با او در میان گذاردند.

۱- . المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۰.

۲- . اثبات الوصیه، ص ۱۴۴.

پس از گفت و گو، پیامبر علیه السلام سرپرستی علی علیه السلام را و عباس سرپرستی جعفر را بر دوش گرفت. حمزه نیز سرپرستی طالب را عهده دار شد. بنابر برخی از روایات، حمزه سرپرستی جعفر و عباس سرپرستی طالب را به دوش گرفتند. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من همان را برگزیدم که خدا او را برای من برگزیده است.(۱)

اگر چه در ظاهر جریان این بود که محمد صلی الله علیه و آله در سال قحطی به زندگی ابوطالب کمک کند، ولی هدف نهایی چیز دیگری بود و آن این که علی علیه السلام در دامان پیامبر صلی الله علیه و آله تربیت و پرورش یابد و از اخلاق کریمه او پیروی کند.(۲)

موقعیت علی علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: « همه شما از موقعیت و نزدیکی من با رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاهید. او مرا در آغوش خود بزرگ کرد و من خردسالی بودم که مرا به سینه خود می چسباند و رختخواب مرا کنار خود پهن می کرد. من بوی خوش آن حضرت را استشمام می کردم. من همواره با پیامبر صلی الله علیه و آله بودم؛ چونان

فرزند که همواره با مادر است. پیامبر صلی الله علیه و آله هر روز نشانه تازه ای از اخلاق نیکو را برایم آشکار می فرمود و به من فرمان می داد که به او اقتدا کنم.»(۳)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله این کودک را بسیار دوست می داشت و همواره هنگام

۱- . مقاتل الطالبیین،ص۲۶.

۲- . شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵.

۳- . نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲(قاصعه).

خواب و بیداری او را مراقبت و نوازش می کرد. گاه او را نوازش می کرد و گاه بر دوشش می نهاد. گاه نیز با هدایایی علاقه خود را به او نشان می داد و زمینه شادی و آسایش او را فراهم می کرد.

بارها اطرافیان از محمد امین صلی الله علیه و آله شنیده بودند که این کودک، برادر، برگزیده، و یاور و وصی اوست.(۱)

نور چشم خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام با همه ویژگی های محمد امین صلی الله علیه و آله آشنا بود و می دانست که او هیچ کاری را بدون حکمت و مصلحت انجام نمی دهد. از این رو، اطمینان داشت که مهرورزی پیامبر صلی الله علیه و آله به این کودک نیز حکمت الهی دارد و بی تردید این کودک که محمد صلی الله علیه و آله بی اندازه به او عشق می ورزد، در آینده شخصیتی برجسته و اثرگذار خواهد بود.

او وقتی علاقه رسول خدا صلی الله علیه و آله را به علی علیه السلام می دید، خود نیز به وی محبت می کرد؛ او را پاکیزه می ساخت، لباس هایش را عوض می نمود، پیراهن آراسته و زیبا به تن او می پوشاند. به کنیزان و غلامانش می گفت علی را بر دوش گیرند و به تفریح ببرند و او را نوازش کنند.

بدین ترتیب خدیجه علیها السلام همواره به خانه ابوطالب رفت و آمد داشت و ابوطالب و همسرش، فاطمه بنت اسد را کانون الطاف خود قرار می داد.

۱- . مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۷۹ و ۱۸۰.

خلاصه آن که محبت پیامبر صلی الله علیه و آله وخدیجه علیها السلام به علی علیه السلام که روزهای کودکی خود را می گذراند به گونه ای بود که مردم در باره او می گفتند:

هوَ اَخو مُحَمَّدٍ وَ اَحَبُّ الخَلقِ اِلَیْهِ وَ قُرَهُ عَینِ خَدیجه وَ مَنْ یَنزلُ السَّکینَهَ عَلیه؛ او برادر محمد و محبوب ترین انسان ها نزد او و نور چشم خدیجه است و کسی است که آرامش را بر پیامبر نازل می کند.(۱)

و این نشان دهنده اوج مهر و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام به علی علیه السلام است.

ابن ابی الحدید می گوید: علی علیه السلام از شش سالگی در دامان پیامبر

صلی الله علیه و آله بزرگ شد. علی علیه السلام آنچنان با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بود که هر وقت پیامبر صلی الله علیه و آله از شهر خارج می شد و به غار حرا می رفت، او را نیز با خود می برد.(۲)

حضرت علی علیه السلام در این دوره برای تهیه غذا به منزل بر می گشت و از خدیجه علیها السلام غذای لازم را برای پیامبر علیه السلام می گرفت و به حضرت می رساند. همچنین اگر لازم بود، خبری به خدیجه علیها السلام یا پیامبر صلی الله علیه و آله رسانده شود، علی علیه السلام این کار را می کرد.

دست تقدیر

از شگفتی های روزگار در زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که در آغازین مراحل زندگی، از سایه آرامش بخش پدر و مادر محروم گردید و دست حکیمانه تقدیر او را به خانه ابوطالب و همسرش فاطمه بنت اسد برد و این زن و مرد مراقبت از ایشان را به عهده گرفتند و در این راه پر فراز و نشیب از هیچ گونه

۱- . بحارالانوار، ج ۳۵، ص ۴۳.

۲- . شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۰۸.

فداکاری دریغ نکردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه ابوطالب و فاطمه بنت اسد به بهاران زندگی رسید و با خدیجه علیهما السلام پیمان زندگی بسته بود که از حضرت ابوطالب علیه السلام کودکی تاریخ ساز به نام علی علیه السلام دیده به جهان گشود.

ولادت او با پنجمین بهار زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام همزمان گردید، و گویی خدا این بار چنین خواسته بود که این کودک در کنار والاترین مرد و زن روزگار، راه رشد و شکوفایی را آغاز کند.

حدیث نگاران گفته اند: پس از رحلت جانسوز پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و آله در کودکی، و پس از جدش حضرت عبدالمطلب، حضرت ابوطالب علیه السلام و همسرش فاطمه بنت اسد، مراقبت و خدمتگزاری او را به عهده گرفتند.

آن گاه پس از گذشت دو دهه، دست حکیمانه تقدیر تربیت و آموزش فرزند آن پدر و مادر شایسته را به پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر کمال جوی او خدیجه علیها السلام سپرد و علی علیه السلام در دامان آنان شکوفا گردید. «ثُمَّ انَّهُ کانَ ابوطالبٍ وَ فاطمهُ بِنتُ اَسَدٍ رَبَّیا النَّبی وَ رَبَّی النَّبیُّ وَ خَدیجَهُ لِعَلیٍّ».(۱)

علی علیه السلام داماد حضرت خدیجه علیها السلام

یکی از افتخارات منحصر به فرد امیرالمؤمنین علیه السلام این است که مادر زنی همچون خدیجه علیها السلام دارد. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شمار افتخارت علی علیه السلام به

۱- . الانوار الساطعه، ص۳۳۵.

آن حضرت فرمودند:

لَکَ مِثْلُ خَدِیجَهَ أُمٌّ أَهْلِکَ وَ لَیْسَ لِی مِثْلُهَا حُمَاهً؛(۱) تو مادر زنی همچون خدیجه داری، و من چنین مادر زنی ندارم!

خدیجه علیها السلام سه سال قبل از هجرت وفات یافت، اما تقدیر چنین بود که فاطمه علیها السلام، پاره تن خدیجه علیها السلام مأموریت همراهی با علی علیه السلام در مسیر پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر عهده بگیرد.

امری که بعدها موجب فخر و مباهات ائمه علیهم السلام بود و آنان به این که فرزند خدیجه علیها السلام نامیده شوند افتخار می کردند.

۱- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۲، ص ۱۷۰؛ بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۶۸.

خانه خدیجه علیها السلام

پیامبر در خانه خدیجه علیها السلام

خانه خدیجه علیها السلام پیش از آن که با محمد صلی الله علیه و آله ازدواج کند، کعبه آمال و خانه امید مردم بینوا بود و پس از آن که با جوان قریش ازدواج کرد، کوچک ترین تغییری در وضع خانه و بذل و بخشش به وجود نیامد.

خدیجه علیها السلام صاحب خانه اسلام بود و آن گاه که او ایمان آورد، خانه اسلام بر روی زمین جز خانه او نبود.(۱)

منزل حضرت خدیجه علیها السلام همان خانه ای است که همه فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله در آن به دنیا آمدند. همچنین پس از رحلت آن بانوی بزرگوار تا پیش از هجرت به مدینه، در آن خانه اقامت کرد، تا این که با هجرت به مدینه این منزل به عقیل بن ابی طالب سپرده شد.

گفته شده است: بعد از فتح مکه پیامبر صلی الله علیه و آله در حجون خیمه زد و اطراق کرد. از آن حضرت پرسیدند: چرا به خانه خود نمی روی؟!

در پاسخ فرمود: «هَلْ تَرَکَ لَنا عَقیل مَنْزِلاً؛ مگر عقیل برای ما منزلی بر جای گذاشته است؟»

عقیل در وقت هجرت از مکه در صلح حدیبیه، در سال ششم هجری،

ص: ۱۰۲

۱- . الروض الانف، ج ۲، ص ۴۲۶.

خانه خود و خانه های برادران خود و خانه های افرادی از بنی هاشم که هجرت کرده بودنـد، حتی خانه خـدیجه و پیامبر صـلی الله علیه و آله را فروخته بود.(۱)

فضیلت های پر شمار

این خانه از اماکن مقـدس شـهر مکه است. خانه خدیجه علیها السـلام محل عروج پیامبر علیها السـلام به معراج و مهبط جبرئیل امین و ملائکه مقرب خدای تعالی و استراحتگاه خاتم الانبیا و پرورشـگاه دو شخصیت بی نظیر تاریخ اسلام، یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام بوده است.

چنان که گذشت علی بن ابی طالب علیه السـلام از دوران کودکی در خانه رسول خدا صـلی الله علیه و آله و در پرتو توجهات مـادرانه حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام پرورش یـافت و بی شـک، محیط خانه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در شـکوفایی شخصیت الهی این ابر مرد تاریخ تأثیرگذار بوده است؛ چنان که خود آن حضرت از این دوران به نیکی یاد

می کند.

این خـانه رخـدادهای دیگری نیز به خود دیـد که درگـذشت خـدیجه علیها السـلام و حادثه «لیله المبیت»، یعنی همان شبی که پیامبر صـلی الله علیه و آله پنهانی از مکه به مـدینه هجرت کرد و علی علیه السـلام در جای آن حضـرت خوابیـد، در شـمار آن هاست.

این خـانه را پس از کعبه، با فضـیلت ترین مکان مکه دانسـته انـد. به گفته حلبی علت این فضـیلت، تولـد حضـرت فاطمه علیها السلام در آن مکان بود و این

۱- . السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۶۲.

مطلب نزد مردم شهرت داشت.(۱)

می توان گفت: حوادث متعددی در فضیلت این مکان مؤثر بوده است که مهم ترین آن ها نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله، تولد حضرت فاطمه علیها السلام و حادثه «لیله المبیت» و ایثار علی علیه السلام به شمار می آیند.

پیامبر صلی الله علیه و آله این خانه را به چهار قسمت تقسیم کرده بود: قسمتی برای تجارت خدیجه علیها السلام، اتاقی برای خود و همسرش، اتاقی برای دختران و اتاقی برای عبادت.

سرنوشت خانه خدیجه علیها السلام

این خانه در طول تاریخ به صورت های گوناگون مورد توجه مسلمانان بود و به گفته حلبی در قرن یازدهم به صورت مسجدی بود که سابقه آن به قرن

یکم یا دوم هجری باز می گشت.(۲)

دریغا که این خانه در دوران حاکمت آل سعود بر حجاز، تخریب شد و با توجه به نفوذ اندیشه وهابی گری در این حاکمیت می توان انگیزه این تخریب را نابودی آثار مورد تبرک مسلمانان و از جمله آثار منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله دانست؛ هرچند این تخریب ها با بهانه و عنوان توسعه حرمین شریفین انجام گرفت.

هم اکنون مکان تقریبی این خانه، حدود ۱۵۰ متری میدان صفا و مروه در

۱- . السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۶۲.

۲- . همان.

نزدیکی زادگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است. یعنی جایی که هم اینک میدان ترمینال اتوبوسرانی داخل شهری (خیابان غزه) در آن جای دارد.(۱) کوچه ای که این خانه در آن جای داشت کوچه عطارین نامیده می شد و در دوره های اخیر به کوچه «حجر» شهرت یافته بود.(۲)

ص: ۱۰۵

۱- . تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۴۸.

۲- . بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام ، ص ۱۵۶ - ۱۵۴.

حمایت های همه جانبه

اشاره

حضرت خدیجه علیها السلام در طول بیست و پنج سال زندگی مشترک با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خدمات بسیاری برای آن حضرت و دین خدا انجام داد. حمایت های روحی و عاطفی از پیامبر صلی الله علیه و آله، تصدیق و تأیید آن حضرت در روزگار غربت و تنهایی، و یاری ایشان در برابر مشرکان، گوشه ای از این خدمات ارزشمند است که آثار آن در دو دوره مهم زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به خوبی آشکار است.

مشرکان با سخنان توهین آمیز و اعمال وقیحانه ای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ناراحت می کردند و از این ناحیه مشکلات فراوانی پیش روی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، اما همه این گرفتاری ها به وسیله خدیجه علیها السلام جبران می شد.

این بانوی بزرگ موقعیت پیامبر صلی الله علیه و آله و مشکلات آن حضرت را به خوبی درک می کرد و در پیشبرد اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله تلاش می نمود. سخنانش را تصدیق می کرد و او را از همه غم ها و غصه ها می رهانید.

او بدون آن که همسر دیگری در زندگی اش شریک شود، بیست و پنج سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد و اگر حیات او ادامه پیدا

می کرد، باز هم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زن دیگری را به همسری نمی گرفت.

او در تمام سال های زندگی شریک درد و رنج پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و با مال خویش به او مدد می رساند، و با گفتار و کردار خود از او دفاع می کرد، و در

برابر آزار و اذیت کافران تسلای خاطرش بود.

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله همواره حضرت خدیجه علیها السلام را می ستود و حمایت های همه جانبه او را یاد آور می شد و می فرمود:

وَ أَیْنَ مِثْلُ خَدِیجَهَ صَدَّقَتْنِی حِینَ کَذَّبَنِی النَّاسُ وَ وَازَرَتْنِی عَلَی دِینِ اللَّهِ وَ أَعَانَتْنِی عَلَیْهِ بِمَا لِهَا؛(۱) و کجاست همانند خدیجه؟! آن گاه که همه مردم مرا تکذیب کردند، او به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد و در پیشبرد دین خدا مرا یاری داد و با مال و ثروتش در این راه به من کمک نمود.

خدیجه علیها السلام آنچنان در روح و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله تأثیر گذاشته بود که حتی بعد از رحلتش همواره از او یاد می کرد و گاه به یادش می گریست.(۲)

حمایت های مالی

خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه دارایی خود را به ایشان بخشید تا آن گونه که می خواهد به مصرف برساند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

مَا نَفَعَنِی مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِی مَالُ خَدِیجَهَ؛(۳) هیچ ثروتی به اندازه ثروت خدیجه برای من سودمند نبود.

ابن ابی رافع از پدرش نقل می کند که می گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد، به تهیدستان کمک

۱- . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۱.

۲- . کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۳۱.

۳- . الأمالی (للطوسی)، ص ۴۶۸؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

می نمود، به بینوایان و یتیمان رسیدگی می کرد. مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می کرند، مشرکان اموال آن ها را مصادره و غارت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام به آن ها کمک می کرد تا خود را به مدینه برسانند.

خلاصه آن که پیامبر صلی الله علیه و آله هرگونه که صلاح می دانست از اموال خدیجه علیها السلام استفاده می نمود. (۱)

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله پانزده سال پیش از بعثت با خدیجه ازدواج کرد، حلیمه سعدیه، مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و آله روزی به مکه آمد و از قحطی و خشکسالی شکایت کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان

گذاشت و خدیجه علیها السلام چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید. و حلیمه با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت. پس از طلوع اسلام حلیمه و شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند.(۲)

ثویبه کنیز ابولهب که نخستین بار به پیامبر شیر داده بود، از جمله کسانی بود که با آنان در ارتباط بود. خدیجه علیها السلام برای جبران خدمت وی و کسب رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله بارها تلاش کرد تا او را از ابولهب بخرد و آزاد کند، ولی موفق نشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تمام مدتی که در مکه بود از او خبر می گرفت و خدیجه او را گرامی می داشت.(۳)

۱- . الأمالی (للطوسی)، ص ۴۶۸؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

۲- . بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

۳- . انساب الاشراف، ج۱، ص ۱۰۸.

بخشش اموال به پیامبر صلی الله علیه و آله

حمایت اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام در یاری پیامبر صلی الله علیه و آله مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت و منجر به آرامش روحی ایشان گردید.

خدیجه علیها السلام در آغاز زندگی برای جلوگیری از بهانه تراشی های مخالفان در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مهریه و صداق را خود بر

عهده گرفت.(۱)

پس از ازدواج برای جلوگیری از سیل اتهاماتی که به حضرت محمد صلی الله علیه و آله می زدند و از سر کینه و حسد آن حضرت را تحقیر می کردند و یتیم و تهیدستش می خواندند، پسر عمویش ورقه را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد و دستور داد که همه را به محمد صلی الله علیه و آله هدیه نماید و یادآور شد که این همه اموال و دارایی از این پس ملک محمد صلی الله علیه و آله است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می تواند در آن تصرف کند.

در ضمن فرمود: «از قول من به محمد صلی الله علیه و آله بگو که همه ثروت و سرمایه ام و تمام کارگزارانی که امر تجارت را سامان می دانند و تمام چیزهایی که به نام من ثبت شده است و در دست من قرار دارد و یا زیر نظر من اداره می شود، همه و همه را به او بخشیدم. از این پس، من و هرآنچه از آن من بود به محمد صلی الله علیه و آله تعلق دارد!»(۲)

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.
۲- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام تمـام مهر و محبت و ثروت خود را به پیامبر صـلی الله علیه و آله بخشـید، در حالی که احساس بخشش نمی کرد، بلکه

احساس دریافت سعادت و خوشبختی می نمود.

اهمیت این گـذشت مالی و حمایت های اجتماعی و کرامت های حضـرت خـدیجه علیها السـلام به حـدی قابل توجه است که برخی از شـرق شـناسان در تحلیـل پیروزی و موفقیت پیـامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله ثروت خـدیجه علیها السـلام را دخیل و بسیار تأثیرگذار دانسته اند.

حمایت های معنوی

آن گاه که محمد صـلی الله علیه و آله از غار حراء بر گشت و خدیجه را از رسالتش آگاه کرد، وی بی درنگ آن حضـرت را تأیید کرد و به درستی گفتارش ایمان آورد و نخستین زنی بود که به آن حضرت ایمان آورد و در حق او دعا کرد.

این بانوی بزرگ نه تنها از عمق جان به رسالت پیامبر صـلی الله علیه و آله ایمان آورد، بلکه او را در برابر سـختی ها و تکذیب مشرکان و بدخواهان یاری داد. تا زنده بود اجازه نداد آزار و شکنجه مشرکان بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخت آید.

هنگامی که رسول خدا صـلی الله علیه و آله با باری از مصیبت و سختی به خانه می آمد، خدیجه علیها السلام او را دلداری می داد و نگرانی را از ذهن و خاطرش می زدود و مایه آرامشش بود.(۱)

۱- . السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۹.

خدیجه هیچ گاه در آسایش نبود؛ چون کافران همواره در صدد بر هم زدن آرامش خانه رسول الله صلی الله علیه و آله و آزار رساندن به ایشان بودند.

ابولهب، حکم بن عاص بن امیه، عقبه بن ابی معیط، عدی بن حمد اثقفی، ابن الاصداء هذلی، و ولید بن مغیره از جمله مشرکانی بودند که همواره خانه خدیجه علیها السلام را آشفته می خواستند و آسایش وی را بر هم می زدند.

با این حال، بانوی پارسای پیامبر صلی الله علیه و آله با درایت و صبر، محیط خانه را آرام می ساخت و از تجاوز کینه توزان به حریم امن پیامبر صلی الله علیه و آله جلوگیری می کرد.(۱)

حضرت خدیجه علیها السلام با فداکاری های شجاعانه و قهرمانانه اش مانند یاری مخلص و توانا با ایثاری کامل، از پیامبر صلی الله علیه و آله حمایت می کرد و مایه آرامش و شادی قلب پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او همراه و همپای پیامبر صلی الله علیه و آله در گذر زمان پیش می رفت. دردها و رنج ها را با شهامت مثال زدنی اش به جان می خرید و شجاعانه در برابر ناملایمات و دشمنی ها ایستادگی می کرد.

از روز آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله و تا بعثت و از بعثت تا گرایش به اسلام، و از آغاز مخالفت زورمداران با پیامبر صلی الله علیه و آله و پیام او، و تا اوج فشار و ددمنشی دشمن و تا محاصره همه جانبه و تبعید، همیشه و همه

جا از مال و جان و اعتبارش مایه گذاشت و از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و لحظه ای از برق شمشیرها نهراسید و با همه وجود نشان داد در راه عدالت است.

۱- . فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۳۴.

حضـرت خدیجه علیها السـلام خالصانه و شـهامت مندانه در برابر بیداد می ایسـتد و از سـرزنش هیچ سـرزنش کننده فریبکار و ستم پیشه ای نمی هراسد.

مایه آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله

حمایت های حضـرت خدیجه علیها السـلام از نبی مکرم اسـلام صلی الله علیه و آله مورد اتفاق همه تاریخ نگاران اسلام است. هرجا سـخن از خدیجه علیها السـلام است سخن از حمایت های همه جانبه آن بانوی بزرگوار از پیامبر گرامی اسلام است. ابن هشام از شخصیت بانوی بزرگ اسلام این گونه روایت می کند:

«حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به رسول خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد و همواره او را تأیید و تصدیق کرد و مایه آرامش خاطر و تسکین قلب پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

هر گاه پیامبر صـلی الله علیه و آله از طعنه های تلخ و آزار دهنده مشـرکان آزرده خاطر می شد و مورد بی مهری های روحی و جسمی قرار می گرفت، خدیجه علیها السلام بود که به آن حضرت دلداری می داد و مایه آرامش ایشان در

برابر سختی ها و ناملایمات بود.»(۱)

نقش حضـرت خدیجه علیها السـلام در حمایت از نبی مکرم و حمایت های روحی و عاطفی و همچنین پشتیبانی مالی از پیامبر صلی الله علیه و آله در انجـام تبلیغ و رسـالتش ظهور یافت. در روایتی، رسول خـدا صـلی الله علیه و آله حضـرت خـدیجه علیها السلام را «صدیقه امت اسلامی» نامیده و فرمودند: «هذِهِ صدّیقَهُ اُمَّتی.»(۲)

۱- . سیره النبی، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲- . البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۶۲.

این نشان می د هد که تأییدها و تصدیق های حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان یک زن برجسته و شخصیت سرشناس قریش، تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف پیامبر صلی الله علیه و آله داشته است.

اهمیت این تأییدها زمانی روشن می شود که بدانیم او وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله را تأیید کرد و به رسالتش ایمان آورد که بسیاری از بزرگان قریش که بعدها از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله شدند، آن حضرت را تکذیب می کردند و به او تهمت جنون و سحر و جادو می زدند. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله در توصیف حضرت خدیجه علیها السلام می فرمایند:

آمَنَتْ بی إذا کَفَرَ النّاسُ وَ صَدَّقَتْنِی إِذْ کَذَّبَنِیَ النَّاسُ وَ وَاسَتْنِی بِمَا لِهَا إِذْ حَرَمَنِی النَّاسُ؛(۱) او زمانی به من ایمان آورد که مردم مرا تکذیب

می کردند و زمانی با اموالش مرا یاری داد که مردم مرا از اموال خویش محروم ساختند.

اسلام؛ سه سال در پنهانی

شرایط محیطی مکه و اطراف آن به گونه ای بود که اگر کسی اظهار اسلام می کرد، با خطر مرگ مواجه می شد. بر همین اساس پیامبر صلی الله علیه و آله همراه علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و بعضی دیگر، سه سال تمام اسلام خود را پنهان نمودند و در شرایط سخت تقیه به سر می بردند تا آن گاه که آیه نازل شد:

فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِکین؛(۲) پس آنچه را بدان مأموری

۱- . اسدالغابه، ج ۷، ص ۸۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۴.

۲- . سوره حجر، آیه ۹۴.

آشکار کن و از مشرکان روی برتاب!

و فرمان آمد که اسلام را آشکار کن.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمودند:

إِکْتَتَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِمَکَّهَ مُخْتَفِیاً خَائِفاً ثلاث سِنِینَ لَیْسَ یُظْهِرُ أَمْرَهُ وَ عَلِیٌّ علیه السلام إِکْتَتَمَ مَعَهُ وَ خَدِیجَهُ علیها السلام ثُمَّ أَمَرَهُ اللَّهُ أَنْ یَصْدَعَ بِمَا أُمِرَ بِهِ فَظَهَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَظْهَرَ أَمْرَه؛(۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه سال در مکّه مخفی و خائف و نهان بود و

امرش را اظهار نمی کرد و تنها علی و خدیجه به طور پنهانی همراه او بودند. سپس خدای تعالی فرمان داد که رسالتش را آشکار کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله ظهور کرد و امرش را آشکار فرمود.

برخی از روایات دوران اختفا را پنج سال ذکر کرده است.(۲)

دعوت از خویشان

سه سال از آغاز بعثت گذشت و آیه «وَ أَنْذِرْ عَشیرَتَکَ الْأَقْرَبین؛(۳) نازل شد. بر اساس این فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله می بایست خویشان خود را که همه از بنی هاشم بودند، به دلیل پایبندی بیشتر به سنت ابراهیم علیه السلام و پاکی از رذائل جاهلیت و گناهان، به اسلام دعوت می کرد.

۱- . کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۴؛ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۷۷.

۲- . همان.

۳- . «و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده!» سوره شعراء، آیه ۲۱۴.

حدود چهل نفر از بستگانش مانند عموها و عموزادگان و سایر بنی هاشم را به خانه ابوطالب برای ناهار دعوت کرد. به علی علیه السلام که در آن هنگام سیزده سال داشت، دستور داد غذائی از گوشت و شیر فراهم کند.

دعوت شدگان وارد شدند و پس از صرف غذا، همین که پیامبر صلی الله علیه و آله خواست دعوتش را آشکار کند، ابولهب برخاست و با گفتار بیهوده و سبک مجلس را به هم زد.

آن روز گذشت. پیامبر صلی الله علیه و آله فردای آن روز نیز توسط علی علیه السلام بستگانش را به ناهار دعوت کرد. دعوت شدگان حاضر شدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله پیش دستی کرد و دعوت خود را آغاز نمود و در ضمن گفتار فرمود:

وَ اللَّهِ مَا أَعْلَمُ شَابّاً فِی الْعَرَبِ جَاءَ قَوْمَهُ بِأَفْضَلَ مِمَّا جِئْتُکُمْ بِهِ إِنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِخَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ قَدْ أَمَرَنِیَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَنْ أَدْعُوَکُمْ فَأَیُّکُمْ یُؤَازِرُنِی عَلَی أَمْرِی عَلَی أَنْ یَکُونَ أَخِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِیکُم؛ به خدا سوگند، جوانی را در عرب نمی شناسم که برای بستگانش چیزی بهتر از آنچه را که من آورده ام آورده باشد. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام. خدای تبارک و تعالی به من فرمان داده است تا شما را به پذیرش یکتایی خدا و رسالت خویش دعوت کنم. چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد؟»

سکوت مجلس را فرا گرفت. ناگاه علی علیه السلام برخاست و سکوت را شکست و گفت: «ای پیامبر، من تو را یاری می کنم.» سپس دستش را به سوی پیامبر علیه السلام دراز کرد تا بیعت کند. پیامبر به علی علیه السلام فرمود بنشین. علی نشست.

ص: ۱۱۵

پیامبر صلی الله علیه و آله برای بار دوم سؤال خود را تکرار کرد. باز علی علیه السلام برخاست و همان سخنان را بازگو کرد. این بار هم پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود بنشین. بار سوم هم کسی جز علی علیه السلام اعلام آمادگی نکرد.

در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله دست خود را بر گردن علی علیه

السلام افکند و در شأن علی علیه السلام فرمود:

هَذَا أَخِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِیکُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِیعُوا؛(۱) این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست. سخن او را بشنوید و فرمانش را اطاعت کنید.

قابل توجه این که غذای این میهمانی را حضرت خدیجه علیها السلام پخت و آماده کرد. علی علیه السلام طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه آمد و گفت: «برای میهمانان غذا فراهم کن.» و خدیجه علیها السلام آن غذا را فراهم کرد. غذایی که معمولاً برای سه یا چهار نفر آماده می کنند، چهل نفر از آن خوردند و باز زیاد آمد.

ابوجهل که این را مشاهده کرد، گفت: « محمد شما را سحر کرده است. غذایی که برای سه یا چهار نفر است، چهل نفر از آن سیر خوردند، اضافه هم آمد. سوگند به خدا این سحر است.»(۲)

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین گروهی بودند که به وی ایمان آوردند و آنچه را از خدا آورده بود تصدیق کردند. پس چند سال کامل بر ما گذشت و عربی جز ما نبودکه خدا را بپرستد؛ «إِنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله لَمَّا دَعَا إِلَی

۱- . تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۱۷؛ بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۲۲۳.

۲- . بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۲۳۱.

الْإِیمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّوْحِیدِ کُنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ صَدَّقَ بِمَا جَاءَ بِهِ فَلَبِثْنَا أَحْوَالًا

مُجَرَّمَهً وَ مَا یَعْبُدُ اللَّهَ فِی رَبْعٍ سَاکِنٍ مِنَ الْعَرَبِ غَیْرُنَا.» (۱)

اعلام عمومی رسالت

مرحله اعلام عمومی رسالت یکی از دشوارترین مراحل رسالت برای پیامبر صلی الله علیه و آله و خانواده اوست. در این دوره خصوصاً سال های آغازین آن، خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام به شدت تحت فشار روحی قرار داشتند و گاه خطر کشته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله را نیز مشاهده می کردند.

یکی از حوادث این دوره که نشانگر حمایت شدید خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله است، جریانی است که مسلم و بخاری نیز در «صحیح» خود نقل کرده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در ایام حج روزی بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند به مردم خطاب کرد: ای مردم، من فرستاده پروردگار هستم. آن گاه به کوه مروه رفت و باز سه بار مطلب خود را به گوش مردم رساند.

اما جاهلان عرب هر یک سنگی برداشتند و در پی پیامبر صلی الله علیه و آله روان شدند. ابوجهل نیز سنگی برداشت و آنچنان به سوی آن حضرت پرتاب کرد که به پیشانی حضرت خورد و خون بر صورت مبارکش جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی کوه ابوقبیس رفت. مشرکان نیز در پی

او روان شدند.

۱- . وقعه صفین، ص ۸۹.

در این بین شخصـی خود را به علی علیه السلام رساند و گفت: پیامبر را کشتند! حضرت گریست و با شتاب خود را به خدیجه علیها السـلام رساند و او را از این خبر وحشـتناک آگاه کرد. خدیجه علیها السلام نیز به شدت غمگین و منقلب شد و اشک بر گونه هایش جاری گشت.(۱)

به این ترتیب هر دو برای رسانـدن خود به پیـامبر صـلی الله علیه و آله همه جـا را جست وجو کردنـد. در این هنگـام جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و فرمود: «از گریه خدیجه ملائکه به گریه در آمدند. او را بخواه و به او سلام برسان و بگو: خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای در بهشت که به نور زینت داده شده است بشارت ده!»

علی علیه السـلام و خدیجه علیها السـلام که همچنان در پی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، سرانجام آن حضرت را با صورت خونین یافتنـد و به خانه آوردند. اما مشـرکان قریش که مطلع شدند، در پی آن ها روانه گشـتند و خود را به خانه خدیجه علیها السلام رساندند و شروع به سنگ پرانی به خانه کردند.

خدیجه به ناچار از خانه بیرون آمد و فرمود: «آیا شـرم نمی کنید که خانه زنی را که نجیب ترین قوم شـماست سنگ باران می کنید؟! آیا از خدا نمی ترسید؟» به دنبال این سخنان بود که مردم پراکنده شدند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله هم در این هنگام پیام جبرئیل را به خدیجه

علیها السلام رساند و خدیجه در پاسخ گفت:

۱- . تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۸.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ وَ عَلَیکَ یا رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ وَ عَلی مَنْ سَمِعَ السَّلَامَ الاَّ الشَّیطان؛(1) همانا خداوند حقیقت سلام است، و سلام از اوست، و بر جبرئیل سلام ، و بر تو سلام و رحمت و برکات خداوند ای رسول خدا، و بر هر کس که سلام را می شنود، جز شیطان!

ناپدید شدن علی علیه السلام

سال های آغاز بعثت بود. خدیجه علیها السلام می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله از غار حرا به خانه برگشت، ولی بسیار ناراحت بود. پرسیدم:

یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِی أَرَی بِکَ مِنَ الْکَآبَهِ وَ الْحُزْنِ مَا لَمْ أَرَهُ فِیکَ مُنْذُ صَحِبْتَنِی؛ ای پیامبر خدا، نشانه هایی از اندوه را در چهره ات می بینم که هرگز از ابتدای زندگی مشترکمان تا به حال ندیده بودم. علت چیست؟»

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «یَحْزُنُنِی غَیْبَهُ عَلِیٍّ؛ ناپدید شدن علی مرا نگران کرده است.» علی از من جدا شد و معلوم نیست کجاست؟!

در تاریخ آمده است که ماجرا از این قرار بود که عده ای از مسلمانان به خاطر دوری از گزند و یورش مشرکین پراکنده شده بودند. در این میان بین

علی علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز جدایی افتاده بود.

خدیجه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «بر شتر سوار می شوم و به

ص: ۱۱۹

۱- . الاستیعاب، ج ۱۴، ص ۱۱۱.

جست وجوی علی می پردازم تا به او برسم؛ مگر این که مرگ بین من و او فاصله بیندازد.»

خدیجه علیها السلام با شجاعت تمام بر شتر خود سوار شده و در کنار کوه های مکه به جست وجو می پردازد. ناگهان در تاریکی شخصی را می بیند. به او سلام می کند تا از صدای جواب سلام بفهمد که آیا او علی است، یا شخص دیگری است.

او علی علیه السلام بود. گفت: «وَ عَلَیْکِ السَّلَام! آیا تو خدیجه ای؟» خدیجه علیها السلام گفت: آری. آن گاه شترش را خواباند و به علی علیه السلام گفت: «بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی ارْکَب؛ پدر و مادرم فدای تو باد، سوار شو!» علی علیه السلام فرمود: «تو از من سزاوارتری که بر شتر سوار شوی. پیش پیامبر برو و به او خبر بده تا من بیایم.»

خدیجه به خانه رسید. دید پیامبر صلی الله علیه و آله در کناری ایستاده است. در همان حال دست به سینه اش می کشید و می گوید:

اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّی وَ بَرِّدْ کَبِدِی بِخَلِیلِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ؛ خداوندا، اندوهم را بر طرف گردان و دلم را به دیدار خلیل و دوستم علی بن ابی طالب خنک گردان!

و سه مرتبه این دعا را تکرار کرد. خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «خداوند دعایت را مستجاب کرد.» پیامبر صلی الله علیه

و آله با شنیدن این مژده بلند شد و دست هایش را به سوی آسمان بلند کرد و یازده مرتبه گفت: «شُکْراً لِلْمُجِیب؛ خدای اجابت کننده دعا را سپاسگزارم!»(۱)

۱- . تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۴۷؛ بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۶۵.

ثروت خدیجه علیها السلام و ساده زیستی پیامبر صلی الله علیه و آله

همچنان که گفتیم، بخشی از حمایت های حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حمایت های مالی ایشان از آن حضرت بود.

دین نوپای اسلام در مرحله نخستین خود، در مواجهه با کفار و مشرکان ثروت پرست مکه، نیاز فراوانی به حمایت های مالی داشت. و این مهم به خواست خداوند از طریق اموال فراوان حضرت خدیجه علیها السلام تحقق یافت.

اموال حضرت خدیجه علیها السلام در دوران بحرانی سه ساله شعب ابو طالب و در حمایت از مسلمانان نیازمند و همچنین برای جذب برخی کفار به اسلام (به عنوان مؤلفه قلوبهم) هزینه شد.

تاریخ از تحول اقتصادی در زندگی شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام سخنی نگفته است، بلکه آنچه

در تاریخ منعکس شده است، ساده زیستی و زهد فوق العاده پیامبر صلی الله علیه و آله است.

زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار بی آلایش و به دور از زرق و برق دنیای مادی بود. پیامبر صلی الله علیه و آله مانند افراد معمولی جامعه زندگی می کرد و وضع خوراک و پوشاک آن حضرت بسیار زاهدانه بود.

لباس وصله دار می پوشید و می فرمود: من بنده ام و لباس بندگان می پوشم. آن حضرت روی حصیر بدون فرش می خوابید.(1) به ابوذر می فرمود: «ای

۱- . مکارم الاخلاق، ص ۳۸.

ابوذر، من لباس خشن به تن می کنم، روی زمین می نشینم، و انگشتان خود را پس از غذا می لیسم، و الاغ بی پالان سوار می شوم و ردیف خودکس دیگری را سوار می کنم؛ هرکس از سنت من روگردان شود از من نیست.»(۱)

پس این ادعا که پیامبر صلی الله علیه و آله به دلیل چشم داشت به اموال حضرت خدیجه علیها السلام با او ازدواج کرد از اساس باطل است؛ زیرا حضرت خدیجه علیها السلام با میل و رغبت خود به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد ازدواج داد. حتی به نوعی مهریه خود را نیز بخشید.

بر این اساس، شیوه زندگانی شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ازدواج با خدیجه ثروتمند، با پیش از آن تفاوتی نداشت. پیامبر صلی الله

علیه و آله با این که می توانست از اموال حضرت خدیجه علیها السلام در جهت رفاه و آسایش خود بهره ببرد و مانند پادشاهان و حاکمان بزرگ جهان برای خود کاخی بر پا کند و خدم وحشم و سپاهی تجهیز نماید، مانند یک فرد معمولی جامعه زندگی کرد و همواره هم سطح فقیران جامعه زیست.

محاصره اقتصادی و اجتماعی

سران قریش که از پیشرفت حیرت انگیز آیین یکتاپرستی سخت نگران و ناراحت بودند، به فکر چاره افتادند. آن ها تصمیم گرفتند با محاصره اقتصادی و اجتماعی و قطع کردن شریان های حیاتی مسلمانان، از نفوذ و گسترش اسلام بکاهند و پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش را در حصار فقر و تبعید نابود کنند، و یا

۱- . سنن النبی، ص ۱۳۰ - ۱۲۰.

به سازش و تسلیم وادارند.

از این رو در سال ششم بعثت، مشرکان هم سوگند شده و پیمانی را مهر کردند که بنی هاشم را در تنگنای شدید اقتصادی و اجتماعی قرار دهند و آنان را وادار کنند پیامبر صلی الله علیه و آله را به مشرکان واگذارند، تا او را بکشند.(۱)

بنابراین، عهدنامه ای به خط منصور بن عکرمه و امضای هیئت عالی قریش نوشتند و آن را داخل کعبه آویختند. آنان سوگند یاد کردند که تا دم مرگ بر

مفاد این پیمان پایدار بمانند. مفاد عهد نامه به این شرح بود:

۱. هرگونه خرید و فروش با هواداران محمد تحریم شود؛ نه چیزی به آنان بفروشند و نه چیزی از آنان بخرند.

۲. ارتباط و معاشرت با آنان ممنوع باشد؛ نه با آنان رفت و آمد داشته باشند و نه با آنان سخن بگویند.

۳. کسی حق ندارد با مسلمانان ارتباط زناشویی برقرار کند؛ نه از بنی هاشم زن بگیرند و نه به آنان زن بدهند.

۴. در تمام پیشامدها باید از مخالفان محمد طرفداری شود.

در شعب ابوطالب

پس از این عهدنامه، تحریم ها اول ماه محرم سال هفتم بعثت آغاز شد.(۲) در مقابل، حضرت ابوطالب علیه السلام که عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و حامی او بود، از تمام

۱- . تاریخ یعقوبی، ج ۲،ص ۳۱.

۲- . الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۳.

خویشان و اقوامش دعوت کرد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را یاری کنند.

سپس دستور داد تا برای حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و حفظ جان آن حضرت همه به درّه ای بروند که میان کوه های مکه قرار داشت و به شعب

ابو طالب معروف بود. شعب ابو طالب منطقه ای در نزدیکی مسجدالحرام و متعلق به عبدالمطلب بود و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز همانجا به دنیا آمد.

به دنبال این تصمیم، فرزندان عبدالمطلب درون شعب محصور شده و در تحریم اقتصادی و اجتماعی قرار گرفتند.

منابع تاریخی، چندان به وضعیت مسلمانان قبایل دیگر در این دوره نپرداخته اند. البته گزارش شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله همزمان با این محاصره شدید، به تعدادی از مسلمانان دستور داد به حبشه هجرت کنند. این احتمال نیز طبیعی است که بسیاری از مسلمانان مکه نه در شعب حضور داشته و نه به حبشه هجرت کرده باشند.

ذکر این نکته نیز مفید است که در شعب ابی طالب تنها مسلمانان بنی هاشم حضور نداشتند، بلکه تمام فرزندان عبدالمطلب غیر از ابولهب به دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله برخاستند. مسلمانان به انگیزه دفاع از دین و کفار به انگیزه های ناشی از پیوست قبیله ای![1]

برابر اسناد معتبر تاریخی شعب ابو طالب که محل سکونت بنی هاشم و تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، در برابر کعبه و ما بین مسجد الحرام و مسعی بوده

۱- . تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۲۲۱ .

است. این شعب خانه های محقر و سایبان های مختصری داشت که مسلمانان می توانستند در آنجا از گزند مشرکان دور باشند.

این محله با توسعه مسجد الحرام، به ویژه در زمان مهدی عباسی داخل مسجد الحرام قرار گرفته و از میان رفته است.(۱)

سه سال در محاصره

این محاصره سه سال طول کشید. در این مدت جوانان و مردان با خوردن یک دانه خرما در شبانه روز زندگی می کردند و گاهی به دلیل کمبود شدید غذا، حتی همان یک دانه را نصف می کردند.

آنان از شدت گرسنگی در انتظار مرگ بودند، و برخی از آنان به خصوص کودکانشان از گرسنگی مردند.(۲) بر اساس برخی از شواهد، بعضی از پسران پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمان درگذشتند.(۳) ناله کودکان بنی هاشم که فاطمه خردسال نیز در میان آنان حضور داشت، مردم مکه را اندوهگین کرده بود.(۴)

بنی هاشم تنها در ایام عمره و حج اجازه خرید و فروش داشتند. مشرکان از بازرگانان می خواستد که بهای آذوقه و پوشاک را به اندازه ای افزایش دهند

که امکان خرید را از آنان بگیرد.

۱- . المغازی، ج ۲، ص ۸۲۹.
۲- . الذریعه، ج ۲، ص ۷۱.
۳- . اخبار مکه، ج ۳، ص ۶۸.
۴- . سیره النبی، ص ۱۶۰.

از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله و ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام اموال بسیاری در این راه هزینه کردند.(۱) چون کاروان هایی که وارد مکه می شدند، از ترس مشرکان با بنی هاشم داد و ستد نمی کردند. گاهی علی علیه السلام پنهانی برای تهیه آذوقه اقدام می کرد.(۲)

از آنجا که بنی هاشم تنها در موسم عمره و حج مجاز به ارتباط با مردم بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله در این فرصت با قبایل عرب گفت وگو می کرد و هر شخص سرشناسی را که به مکه وارد می شد، به اسلام دعوت می کرد.(۳)

حضرت خدیجه علیها السلام در این سه سال هیچ گاه همسرش را تنها نگذاشت و مانند همیشه با مال خود به یاری او شتافت. وی تمام ثروت خود را در جریان شعب خرج کرد تا جایی که گفته می شود بعد از محاصره اقتصادی دیگر ثروت چندانی برایش باقی نماند..

او علاوه بر این که ثروت خود را در این راه صرف کرد، از خویشان خود نیز خواست تا در فرصت پیش آمده به مسلمانان کمک کنند و با تدبیر او به شعب نشینان نیز کمک هایی می رسید.

پایان حضور در شعب

با گذشت سه سال از محاصره و فشارهای طاقت فرسا بر پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهانش، آتش دل قریشیان کمی فروکش کرد. همچنین دیدن سختی های فرزندان عبدالمطلب

۱- . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۱.

۲- . المعیار و الموازنه،

۳- . اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۵۵ و ۵۶.

که بـا برخی از قریشـیان رابطه خویشاونـدی نیز داشـتند، فضـای عمـومی را علیه پیمـان نـامه شـکل داد و حـتی برخی خواهـان شکستن عهد خود بودند.(۱)

در این زمـان، جبرئیل مسـلط شـدن موریانه بر عهـدنامه را به اطلاع پیامبر صـلی الله علیه و آله و آن حضـرت به اطلاع ابوطالب رساند. ابوطالب علیه السلام به همراه برادرانش به مسجدالحرام آمد و خطاب به قریشیان گفت: برادرزاده ام که هیچ گاه دروغ نمی گوید، به من خبر داد که خداوند بر پیمان نامه شما موریانه را مسلط فرمود و هر مطلبی را که مربوط به ظلم و جور و قطع رحم بود، خورده و در آن تنها نام خدا باقی مانده است.

اگر برادرزاده ام راست گفته باشد، شـما از این همه بداندیشی و بد رفتاری دست بردارید و اگر دروغ گفته باشد، او را به شما می سپارم تا بکشیدش و اگر هم خواستید او را زنده نگه دارید!

گفتنـد: حرف منصـفانه ای زدی! پیمان نامه را آوردند. زمانی که آن را گشودند، همان گونه دیدند که پیامبر صـلی الله علیه و آله گفته بود، و خرده های پیمان نامه بر روی دست ها و سر آنان فرو ریخت.

ابوطـالب به شـعب بـاز گشت. گروهی از سـران قریش از جمله مطعم بن عـدی، عـدیّ بن قیس، زمعه بن اسود، ابوالبخـتری بن هاشم، زهیر بن ابی امیه، این رفتار با بنی هاشم را نکوهش کردند و لباس و سلاح جنگی پوشیدند و پیش بنی هاشم و

۱- . تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۱۴.

بنی مطلب رفتند و خواستند آن ها بیرون آیند و به خانه های خود بروند.

چون قریش چنین دیدند، درمانده شده و دانستند که آنان نمی توانند بنی هاشم را تسلیم خود کنند و بدین ترتیب بود که این محاصره ظالمانه در سال دهم بعثت پایان یافت.(۱) و مسلمانان، به ویژه حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابو طالب علیه السلام در این امتحان پیروز و سربلند شدند.

فشارهای ناشی از تحمل گرسنگی و سختی های این دوره را می توان در رحلت حضرت خدیجه علیها السلام مؤثر دانست.

ایثار آخرین اموال

چنان که گذشت، اموال حضرت خدیجه صلی الله علیه و آله به عنوان ابزاری مناسب از همان ابتدا در خدمت اسلام و پیشرفت آن قرار گرفت. نکته قابل توجه این که آخرین بخش از دارایی خدیجه علیها السلام توسط امیرالمؤمنین علیه السلام در سفر هجرت به مدینه صرف شد.

در جریان هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، پس از آن که آن حضرت از دست مشرکان مکه گریخت و در غار ثور پنهان شد، سه شبانه روز

در غار ثور ماند. امیر مؤمنان علیه السلام نیز شبانه خود را به غار رساند و آذوقه و لوازم سفر را آورد. پیامبر علیه السلام در آنجا به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«امانت های زیادی نزد من است. به بالای ابطح(۲) برو و صبح و شب با صدای بلند بگو: هر کس نزد محمد امانت و یا ودیعه ای دارد، بیاید تحویل بگیرد.

۱- . الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲- . تپه ای در مکه.

یا علی، بعد از این با هیچ حادثه ناگواری مواجه نخواهی شد تا این که به من برسی. امانت های مردم را آشکارا تحویل بده. یا علی، تو را سرپرست دخترم فاطمه قرار دادم و خدا را مراقب شما!

از آخرین باقیمانده اموال خدیجه برای خود و فاطمه و هرکس از بنی هاشم که قصد همراهی با شما را دارد، شتر و زاد و توشه بخر و بعد از رد امانت ها، دیگر درنگ نکن!»

ابوعبیده، نوه عمار یاسر می گوید: فرزند ابورافع این مطلب را از پدرش نقل کرد. پرسیدم: مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله مال و ثروت قابل توجهی داشت که دو شتر برای سفر خودش خرید و به امیر مؤمنان علیه السلام هم سفارش کرد زاد و توشه دیگر مهاجران را تهیه کند؟!

ابورافع پاسخ داد: پدرم گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ مال و ثروتی برای من سودمندتر از اموال خدیجه نبود.»

ابورافع افزود: پدرم گفت: از آخرین موارد مصرف اموال خدیجه علیها السلام خرید زاد و توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند. سفر اکثر مسلمانان با اموال خدیجه علیها السلام میسر شد. آخرین گروه آن ها هم قافله ای بود که امیرالمؤمنین علیه السلام آن را سرپرستی می کرد.(۱)

۱- . بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۶۳.

ولادت فاطمه علیها السلام

اشاره

یکی از ماجراهای شگفت انگیز در زندگی درخشان حضرت خدیجه علیها السلام ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. یکی از فضائل بزرگ خدیجه علیها السلام این است که مادر ائمه اطهار علیهم السلام است و برترین بانوی عالم از او متولد شده و در دامان او تربیت یافته است؛ بانویی که از آغاز آفرینش تا پایان آن هیچ بانویی به مقام و منزلت او نمی رسد.

مشهور در تاریخ و روایات آن است که حضرت فاطمه علیها السلام در سال پنجم بعثت چشم به جهان گشود. اما در باره انعقاد نور فاطمه علیها

السلام در رحم خدیجه علیها السلام و ولادت آن حضرت روایات متعدد و متفاوتی نقل شده است که هرکدام در صدد بیان عظمت زهرای مرضیه علیها السلام است. ما در اینجا به بیان یکی از آن ها می پردازیم.

چهل روز کناره گیری از خدیجه علیها السلام

در سال چهارم بعثت روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سرزمین ابطح(۱) نشسته بود. علی علیه السلام و برخی از بنی هاشم و یاران در محضرش بودند. ناگاه جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و صدا زد: «ای محمد، خداوند بزرگ بر تو سلام رساند

ص: ۱۳۰

۱- . محلی است بین مکه و منی.

و امر فرمود که چهل روز از خدیجه کنارگیری کنی!»

این فرمان برای پیامبر صلی الله علیه و آله سخت و گران آمد؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه را دوست می داشت و بسیار به او علاقه منـد بود. آن حضـرت با وجود عشق و علاقه به خـدیجه کبری علیها السـلام فرمان خدا را به جان خرید و در این مدت، شب ها به عبادت و نیایش و روزها را به روزه داری کمر بست.

برای خدیجه علیها السـلام نیز به وسـیله عمار یاسـر پیام فرستاد: «ای خدیجه! مبادا گمان کنی که کناره گیری من از تو به سبب بی مهری و بی اعتنایی است، بلکه پرودگارم چنین فرمان داد تا امر خود را اجرا کند و

من تنها به انجام فرمان می اندیشم.

از این رو دوری گزیدن مرا جز به نیکی و خیر گمان مبر؛ چرا که خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته تو بر فرشتگان گرانمایه اش مباهات می کند.

از این روی، هنگامی که شب فرا می رسـد، در را ببند و برای استرحت به بستر خویش درآی و آگاه باش که من در خانه بنت اسدم.»

پس از چهل روز

هنگامی که چهلمین روز فرا رسـید، فرشـته وحی بر پیامبر صـلی الله علیه و آله فرود آمـد و گفت: «هان ای محمـد! خدای بلند مرتبه بر تو درود می فرستد و فرمان می دهد که خویشتن را برای دریافت تحیت و ارمغان او آماده سازی.»

پیامبر صلی الله علیه و آله از فرشته وحی پرسید: «ارمغان و هدیه خداوند چیست؟»

جبرئیل گفت: «من نمی دانم»

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آماده شد، میکائیل فرود آمد و طبقی را که بر روی آن روپوشی از دیبا بود، در برابر او به زمین نهاد.

فرشته وحی پیش آمد و گفت: «ای محمد! پروردگارت به تو فرمان می دهد که امشب با این غذا افطار کنی.»

امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «روش همیشگی پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هرگاه میِ خواست افطار کند، به من دستور می داد که در خانه را باز بگذارم تا هر کس از راه می رسد وارد شود و اگر میل

به غذا دارد، بتواند از آن بخورد.

اما آن شب مرا بر در خانه نشاند تا از ورود مردم جلوگیری کنم و فرمود: «علی جان! این غذایی است که برای غیر من حرام است.»

امیر مؤمنان علیه السلام می افزاید: من به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله کنار در خانه نشستم و پیامبر صلی الله علیه و آله تنها وارد خانه شد. هنگامی که سرپوش را از روی طبق برداشت، یک خوشه خرما و یک خوشه انگور در آن دید. از آن ها میل فرمود تا سیر شد و آبی هم آشامید.

آن گاه دست مبارک را برای شست و شو دراز کرد. جبرائیل آب بر دست مبارکشان ریخت، میکائیل شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی دست آن حضرت را خشک کرد. سپس باقیمانده غذا با ظرف آن به سوی آسمان بالا رفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست تا نماز نافله آغاز کند که جبرئیل پیش آمد و گفت: «اینک نماز بر تو ممنوع است تا به سرای خدیجه بروی؛ چرا که خداوند به ذات پاکش سوگند یاد کرده است که امشب از شما فرزندی پاک و پاکیزه و نسلی سرفراز را پدید آورد.»

ص: ۱۳۲

در این هنگـام پیـامبر صـلی الله علیه و آله پس از چهـل روز کناره گیری از خـدیجه علیها السـلام برخاست و شـتابان به سـرای خدیجه علیها السلام رهسپار شد.

شب ملاقات

خدیجه علیها السلام می گوید: من در این مدت به تنهایی خو گرفته بودم.

هنگامی که شب فرا می رسـید، سـرم را می پوشاندم، پرده را می آویختم، و پس از نماز و بستن در خانه، چراغ را خاموش می کردم و در بستر می آرمیدم.

در آن شب بین خواب و بیـدار بودم که ناگهان دیدم در را می کوبند. گفتم: کوبنده در خانه کیست که جز محمد آن را نمی کوبـد. رسول خدا صـلی الله علیه و آله با بیانی شـیرین و دلنشـین فرمود: «ای خدیجه، باز کن من محمد هسـتم!» با خشـنودی و شادی برخاستم و در را گشودم و آن حضرت وارد خانه شد.

بنای حضرت بر این بود که هرگاه وارد خانه می شد، ظرف آب می طلبید و وضو می گرفت و دو رکعت نماز به طور اختصار می خواند و سپس به بستر خواب می رفت. اما آن شب آب نطلبید و آماده نماز نشد و بازوی مرا گرفت و به بستر خود برد.

آن گاه خـدیجه علیها السـلام سوگنـد یاد می کنـد: «به خدایی که آسـمان بلند را برافراشت وآب را از زمین جوشاند و جاری ساخت، آن شب هنوز پیامبر از من دور نشده بود که نور فاطمه را در وجود خود یافتم و سنگینی حمل را احساس کردم.»(۱)

ص: ۱۳۳

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۹.

مرحوم محدث قمی می گوید: کناره گیری چهل روز پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام برای آن بود که آمادگی معنوی برای دریافت

تحفه و هدیه الهی که همان وجود مقدس فاطمه زهرا علیها السلام بود حاصل شود.

مونس تنهایی مادر

شیخ صدوق; در کتاب «امالی» از مفضل بن عمر نقل می کند که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «ولادت فاطمه علیها السلام چگونه انجام شد؟» حضرت در پاسخ فرمود:

«هنگامی که خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان مکه (از روی عناد با اسلام) از خدیجه دوری می کردند؛ به خانه او نمی رفتند، به او سلام نمی کردند، و نمی گذاشتند زنی با او دیدار کند.

از این رو وحشت و هراس بر خدیجه روی آورد. و از این که مبادا به رسول خدا صلی الله علیه و آله آسیبی برسانند، سخت غمگین و بی تاب شد.

هنگامی که خدیجه به فاطمه بار دار شد، فاطمه در رحم مادر با او سخن می گفت و در فراز و نشیب ها او را به پایداری و شکیبایی فرا می خواند.

مادر این رویداد شگرف را از پیامبر پنهان می داشت. تا این که روزی رسول خدا به خانه وارد شد. دید خدیجه باکسی سخن می گوید. از او پرسید: با چه کسی گفت وگو می کنی؟! خدیجه پاسخ داد: فرزندی که در رحم دارم با من سخن می گوید و هنگام تنهایی مونس من است.

پیامبر فرمود: این فرشته وحی است. برای من خبر آورده است که آن کودک پرشکوه دختر است و مادر فرزندانی مبارک! خداوند نسل مرا از او

قرار خواهد داد و پس از انقضای وحی، از نسل او پیشوایانی را برخواهد گزید که برگزیدگان خدا در زمین اند.»(۱)

در آن سال های سخت و مشقت بار آغاز رسالت که از هر طرف فشارهای اقتصادی و اجتماعی و روانی به خانواده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تحمیل می شد و دروغگویان بی پروا و بت پرستان بی ایمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را تکذیب می کردند، حضرت خدیجه علیها السلام نگران آینده و تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله و مصیبت ها و چگونگی مقابله با انواع تهاجمات قریش، دلتنگ و مضطرب نشسته بود که صدای دلنوازی او را آرامش بخشید. آن صدا صدای فاطمه علیها السلام از شکم مادر بود که به مادر دلداری داد و گفت:

یا أُمّاه، لاـ تَحْزَنی وَ لا تَرهَبی، فَإِنَّ اللّهَ مَعَ أَبی؛(۲) مادر جان، اندوهگین و مضطرب نباش؛ زیرا خداوند یار و یاور پدرم می باشد.

هنگامه ولادت

حضرت خدیجه علیها السلام به همین ترتیب ایام بارداری را سپری کرد تا آ ن که ولادت فاطمه زهرا علیها السلام نزدیک شد. از این رو برای زنان قریش پیام فرستاد که بیایید و مرا در وضع حمل یاری کنید؛ چنان که بانوان یکدیگر

را در چنین هنگامی به کمک می ِخوانند.

ولی زنان قریش برایش پیام دادند که تو حرف ما را نشنیدی و سخن ما را

۱- . الأمالي(للصدوق)، ص ۵۹۳.

۲- . موسوعه الكلمه، ج ۶، ص ۸۳.

رد کردی و با محمد، که تنگدست بود ازدواج کردی. از این رو نزد تو نمی آییم و به هیچ روی تو را یاری نخواهیم کرد!

خدیجه علیها السلام از این برخورد ناراحت و غمگین شد. اما در همان هنگام ناگهان چهار زن بزرگوار که زیبایی و درخشندگی چهرهاشان وصف ناپذیر بود بر خدیجه علیها السلام وارد شدند.

او از دیدن آن ها هراسناک شد، ولی یکی از آن ها گفت: «ای خدیجه، محزون نباش! ما از سوی خداوند نزد تو آمده ایم. ما خواهران تو هستیم. من ساره، (همسر ابراهیم خلیل علیه السلام) هستم. و این آسیه، دختر مُزاحِم است که در بهشت هم نشین توست. آن دیگری مریم، دختر عمران است. وآن یکی کلثم، خواهر موسی است. خداوند ما را نزد تو فرستاده است تا تو را یاری کنیم.»

آن گاه یکی از ایشان در جانب راست خدیجه علیها السلام نشست و دیگری در سمت چپ، و سومی رو به رو، و چهارمی پشت سر قرار گرفت. و بدین ترتیب فاطمه زهرا علیها السلام هنگام طلوع خورشید، پاک و پاکیزه به دنیا آمد و وجودش پرتوی افکند که همه خانه های مکه را نور باران کرد.

آن گاه شماری از حوریان بهشتی که هر یک طشت و ظرفی لبریز از آب کوثر با خود داشتند، وارد خانه شدند و آن دخت بهشتی را که پاک و پاکیزه

بود، با آب کوثر شست و شو دادند.

سپس دو پوشش سپیدو عطرآگین بر او پوشاندند و از وی خواستند تا سخن بگوید. آن نوزاد به خواست خداوند لب به سخن گشود و گفت:

أشهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

ص: ۱۳۶

سَیِّدُ الْأَنْبِیَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِی سَیِّدُ الْأَوْصِیَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِی سَیِّدُ الْأَسْبَاط؛ گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، و پدرم رسول خدا و سرور پیامبران است، و شوهرم سرور اوصیاست، و فرزندانم سروران نوادگان هستند.

سپس به زنان و حوریان روی کرد و به هریک با نام نشان سلام گفت. آنان هم با روی شاد و خندان به فاطمه علیها السلام توجه کردند وحوریان و اهل آسمان، ولادت فاطمه علیها السلام را به یکدیگر مژده می دادند. ناگهان در آسمان نوری آشکار شد که فرشتگان پیش از این، چنین نوری را ندیده بودند.

زنان برگزیده بهشت، نوزاد را به مادرش دادند و گفتند: «فرزند خود را که پاک و پاکیزه و پر میمنت و مبارک است و نسلی پر برکت دارد بگیر!» خدیجه علیها السلام با خوشحالی فاطمه علیها السلام را به آغوش گرفت و پستان در دهان او گذاشت و به شیر دادنش سرگرم شد.(۱)

ابن عساکر در کتاب «تاریخ دمشق» می نویسد: «بانوی بزرگ حجاز، خدیجه کبری علیها السلام این گونه بود که هرگاه خداوند به او فرزندی

می داد، او را به دایه ای شایسته می سپرد تا شیرش دهد.

اما هنگامی که دخت ارجمندش، فاطمه زهرا علیها السلام ولادت یافت، وقتی پستان در دهانش گذارد شیرجاری شد. بنابراین، خودش فاطمه علیها السلام را شیر داد و پرستاری از او را خود بر عهده گرفت.»(۲)

۱- . بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۴۷ و ج ۱۶، ص ۸۰ و ۸۱ و ج ۴۳، ص ۲.

۲- . تاریخ مدینه دمشق، ج ۲، ص ۱۵۲.

فرزندان خدیجه علیها السلام

اشاره

در باره فرزندان خدیجه علیها السلام اختلاف فراوانی است. برخی فرزندان ایشان پیش از بعثت و در پانزده سال نخست زندگی مشترکشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دنیا آمدند.

نخستین فرزنداشان قاسم نام داشت که در دوسالگی یا چهار سالگی درگذشت و کنیه ابوالقاسم برای پیامبر صلی الله علیه و آله در انتساب به اوست.(۱) فرزندان دیگری که برای آن دو بزرگوار ذکر کرده اند به ترتیب زینب، رقیه، ام کلثوم، فاطمه و عبدالله، ملقب به طیب و طاهر بودند.(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هر فرزند پسر که به دنیا می آمد دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند عقیقه می کرد. فاصله میان فرزندانش یک سال بود و پیش از زایمان فرزندانش برای آنان دایه برمی گزید.(۳) اما شرحی در باره فرزندان خدیجه از پیامبر صلی الله علیه و آله :

۱. قاسم

چنان که گفتیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله کنیه خودش را از این

فرزند گرفته است. قاسم در سن چهار سالگی درگذشت. برخی گفته اند که او در سن

ص: ۱۳۸

۱- . الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۷۹.

۲- . الاستیعاب، ج ۴، ص ۳۸۰.

۳- . الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۰۷.

دو سالگی در مکه و پیش از آن که به رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی شود، درگذشت و آن حضرت بسیار اندوهگین شد و به کوهی از کوه های مکه روی کرد و فرمود: «لَوْ أَنَّ مَا بِی بِکَ یَا جَبَلُ لَهَدَّکَ؛ اگر آنچه بر سر من رفته است بر سر تو رفته بود، ویرانت می کرد.»(۱)

درگذشت قاسم سوز و گدازی در جان خدیجه علیها السلام بر جای نهاد و او را به گریه و زاری وا داشت. امام باقر علیه السلام فرمودند: هنگامی که قاسم از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالی که خدیجه علیها السلام غرق اشک و اندوه بود، بر او وارد شد و دلداری اش داد و فرمود:

یَا خَدِیجَهُ أَ مَا تَرْضَیْنَ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ أَنْ تَجِی ءَ إِلَی بَابِ الْجَنَّهِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَیَأْخُذَ بِیَدِکِ فَیُدْخِلَکِ الْجَنَّهَ وَ یُنْزِلَکِ أَفْضَلَهَا وَ ذَلِکَ لِکُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحْکَمُ وَ أَکْرَمُ أَنْ یَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَهَ فُؤَادِهِ ثُمَّ یُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَداً؛(۲) ای خدیجه، آیا راضی نمی شوی که چون روز قیامت فرا رسد، او به در بهشت آید و آنجا بایستد و دست تو را بگیرد و به بهشت وارد کند و تو را در برترین جای آن بنشاند. این برای همه مؤمنان است؛ مسلماً خداوند عز و جل حکیم تر و گرامی تر از

آن است که میوه دل مؤمن را بگیرد و سپس او را بعد از آن تا ابد عذاب کند.

یعنی هرگز او را عذاب نخواهد کرد.

ص: ۱۳۹

۱- . مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۸۶.

۲- . الکافی، ج ۳، ص ۲۱۸.

۲. عبد الله

عبـد الله پس از بعثت پیامبر صـلی الله علیه و آله در مکه به دنیا آمـد و پیش از آن که او را از شـیر بگیرنـد درگذشت. خدیجه علیها السـلام از درگذشت عبد الله نیز سخت اندوهگین شد و فرمود: «ای کاش زنده می ماند تا او را از شیر می گرفتم.» رسول خـدا صـلی الله علیه و آله او را تسـلیت گفت و دلـداری داد و فرمود: « فَإِنَّ فِطامَهُ فِی الْجَنَّهِ؛ از شـیر گرفتن او در بهشت خواهد بود.» (۱)

امـام باقر علیه السـلام فرمود: زمانی که طاهر (عبـد الله) فرزنـد رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فوت کرد، ایشان خـدیجه علیها السـلام را از گریه کردن منع فرمود. خـدیجه علیهـا السـلام گفت: «بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَکِنْ دَرَّتْ عَلَیْهِ الـدُّرَیْرَهُ فَبَکَیْتُ؛ بلی ای رسول خدا! و لکن شیر در سینه ام جاری شد و من گریه کردم.» حضرت فرمودند:

أَ مَا تَرْضَـیْنَ أَنْ تَجِـدِیهِ قَائِماً لَکِ عَلَی بَابِ الْجَنَّهِ فَإِذَا رَآکِ أَخَذَ بِیَدِکِ فَأَدْخَلَکِ الْجَنَّهَ أَطْهَرَهَا مَکَاناً وَ أَطْیَبَهَا؛ آیا نمی خواهی که او را

جلوی درب بهشت ایستاده ببینی، و هرگاه تو را دید دستت را بگیرد و به پاک ترین و پاکیزه ترین مکان بهشت ببرد؟

گفت: آری این چنین است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یَسْلُبَ عَبْداً ثَمَرَهَ فُؤَادِهِ فَیَصْبِرُ وَ یَحْتَسِبُ وَ یَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ یُعَذِّبَهُ؛(۲)خداوند عزیزترین و با کرامت تر از آن است که میوه دل

ص: ۱۴۰

۱- . تارخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۲- . الکافی، ج ۳، ص ۲۱۹؛ مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۳.

بنده ای را از او بگیرد و او صبر کند، و به حساب خدا بگذارد و حمد خدا را بگوید، آن گاه خداوند او را عذاب کند.

منافقان قریش از مرگ عبدالله شادمان شدند. عاص بن وائل گفت: « نسل محمد بریده شد و او بی تبار خواهد بود.»

در پی این سخن سوره کوثر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد. « إِنَّا أَعْطَيْناكَ الْكَوْثَر...» بر اساس آنچه برخی از مفسران گفته اند، کوثر همان نسل فراوان و طاهر است که از دختر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سرور زنان عالم، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام خواهد بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلان کردند که فرزندان فاطمه علیها السلام ذریه و فرزندان اویند.

كُلُّ بَنِي أُمٍّ يَنْتَمُونَ إِلَى عَصَبَتِهِمْ إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَةَ فَإِنِّي أَنَا أَبُوهُمْ وَ

عَصَبَتُهُم؛(۱) فرزندان هر مادری به خویشاوندان پدری خود منسوب می شوند، غیر از فرزندان فاطمه که من پدر و خویشاوندان ایشان می باشم.

۳. فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمه علیها السلام سرور زنان عالم است و در میان دختران حوا عفیف تر، پاک تر، و پارساتر، و با فضیلت تر از او آفریده نشده است. او پرتوی از نور خدای تعالی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش را خالصانه دوست می داشت و بزرگش می شمرد و خشنودی و خشم خداوند را قرین خشنودی و خشم دخترش

ص: ۱۴۱

۱- . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۸.

می دانست و می فرمود:

وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ فَإِنَّهَا سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ هِیَ بَضْعَهٌ مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ هِیَ رُوحِیَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیَّ؛(۱) اما فاطمه دختر من؛ برترین زنان، از اوّلین تا آخرین آن هاست. او پاره تن من، و نور دو چشم من، و میوه دل من، و روح و جان من است.

و این بالاترین منزلتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای فاطمه علیها السلام بیان فرمود.

۴. زینب

برخی از محققان از جمله مرحوم علامه سید جعفر مرتضی عاملی، تردید دارند که رسول خدا صلی الله علیه و آله دختری به نام زینب داشته باشد. بلکه بر آن اند که وی در خانه خدیجه علیها السلام و در سایه او پرورش یافته است، اما دختر خدیجه علیها السلام نبوده است.

روایت شده است که حضرت خدیجه علیها السلام خواهری به نام هاله داشت که با مردی از بنی تمیم، به نام ابوهند ازدواج کرد که او از همسر دیگرش صاحب دو فرزند به نام های «رقیه» و «زینب» بود.

پس از مرگ مردِ تمیمی و همسر دیگرش، خدیجه علیها السلام خواهرش هاله را به همراه دو دختر شوهرش (رقیه و زینب) به نزد خود برد و هنگامی که با پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، هاله نیز درگذشت و آن دو دختر همچنان نزد خدیجه علیها السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی ماندند و تحت سرپرستی آن دو بزرگوار زندگی کردند.

۱- . الأمالی(للصدوق)، ص ۱۱۳.

عرب به این گونه افراد ربیبه (دختر خوانـده) می گویـد و اعتقاد دارد که ربیبه دختر انسان است. از این رو با وجود این که آن ها دختران ابوهند، همسر خواهر خدیجه علیها السلام بودند، به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله مشهور شدند.(۱)

همچنان که زیـد بن حارثه، غلام آزاد شـده و فرزنـد خوانـده پیامبر صـلی الله علیه و آله مـدت ها به «زیـد بن محمـد» شـهرت داشت.

از نکاتی که تأیید می کند این دو نفر از دختران پیامبر صـلی الله علیه و آله نبوده اند، حدیثی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. آن حضرت به علی علیه السلام می فرماید:

یَا عَلِیُّ إِنَّکَ أُعْطِیتَ ثَلَاثاً لَمْ یُعْطَهَا أَحَـدٌ مِنْ قَبْلِکَ؛ یا علیّ، به راستی که به تو سه چیز داده شـده است که به احدی پیش از تو داده نشده بود.

علی علیه السلام می گوید: عرض کردم: پدر و مادرم فدایت، چه چیز داده شده ام؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أُعْطِیتَ صِـهْراً مِثْلِی وَ أُعْطِیتَ مِثْـلَ زَوْجَتِکَ وَ أُعْطِیتَ مِثْلَ وَلَـدَیْکَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَـیْنِ؛(۲) پـدر زنی همچو من نصـیب تو شده است، و همسری همچو فاطمه به تو عنایت شده است، و فرزندانی چون حسن و حسین!

از این ویژگی ها فهمیده می شود که پیامبر صلی الله علیه و آله تنها یک داماد داشتند و آن علی علیه السلام بود.

بعضی بر این باوردند که اصرار برخی در مورد ام کلثوم و رقیه به عنوان

۱- . الاستغاثه، ج ۱، ص ۶۴.
۲- . عیون أخبار الرضا۷، ج ۲، ص ۴۸.

دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و همسران عثمان از این روست که فضائل مخصوص علی علیه السلام را با رقیب تراشی کم رنگ کنند.

بر همین اساس عثمان را به عنوان «ذوالنورین» یعنی صاحب و همسر دو نور، یعنی ام کلثوم و رقیه می خوانند، در حالی که علی علیه السلام همسر

حضرت زهرا علیها السلام که به اعتقاد همه برترین زنان دو عالم بود، از سوی آنان چنین لقب یا امثال آن را دریافت نکرد.(۱)

علامه محقق، سید جعفر مرتضی عاملی، در باره دختران منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله تحقیق مبسوطی با عنوان «بنات النبی ام ربائبه»(۲) انجام داده است که علاقه مندان می توانند به آنجا مراجعه کنند.

چرا برای پیامبر صلی الله علیه و آله پسری باقی نماند؟

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «چرا پسری برای رسول خدا صلی الله علیه و آله باقی نماند؟! حضرت در پاسخ فرمودند:

لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله نَبِيّاً وَ عَلِيّاً علیه السلام وَصِيّاً فَلَوْ كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَلَدٌ مِنْ بَعْدِهِ كَانَ أَوْلَى بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَكَانَتْ لَا تَثْبُتُ وَصِيَّةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِين؛(۳) زیرا خداوند عز و جل محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان پیامبر و علی علیه السلام را به عنوان وصی خلق فرمود.

۱- . بنات النبی ام ربائبه؟، ص ۱۱۹ و ۱۲۰.

۲- . دختران یا دخترخوانده های پیامبر صلی الله علیه و آله.

۳- . علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱.

اگر برای پیغمبر پسری باقی می ماند (به نظر مردم) بر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مقدم بود و در آن هنگام (زیر بار حق نمی رفتند و) وصایت علی علیه السلام مختل

می ماند.

مرحوم شیخ صدوق نقل می کند که جمیل بن دراج از حضرت صادق علیه السلام پرسید: اگر ابراهیم(۱) فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده می ماند، آیا پیغمبر می بود؟ آن حضرت فرمود: «لَوْ بَقِیَ کَانَ عَلَی مِنْهَاجِ أَبِیه صلی الله علیه و آله؛ پیغمبر نبود، بلکه مؤمن و موحد و بر منهاج و طریقه و تابع پدر بزرگوارش بود.»(۲)

فرزندآوری خدیجه علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا به خانه خود وارد شد. دید عایشه به روی فاطمه زهرا فریاد می کشد و می گوید: به خدا قسم ای دختر خدیجه، تو چنین می پنداری که مادرت را بر ما برتر بود؟ چه برتری بر ما داشت جز این که او هم مانند یکی از ما بود؟!

فاطمه علیها السلام که این سخنان را می شنید، چون چشمش به رسول خدا افتاد گریه کرد. رسول خدا به فاطمه فرمود: ای دختر محمد، چرا گریه می کنی؟

عرض کرد: عایشه نام مادرم را برد و او را نکوهش کرد، از این رو گریه می کنم. رسول خدا خشمناک شد و فرمود:

۱- . مادر ابراهیم کنیزی به نام «ماریه قبطیه» بوده است.

۲- . من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۹۰.

ای حمیرا، خاموش باش که خدای تبارک و تعالی زن فرزندآور و مهربان را مبارک گردانیده است. خدیجه که خدایش رحمت کند از من فرزندانی آورد... ولی تو از زن هایی هستی که خداوند او را نازا قرار داده و فرزندی نیاورده ای.(۱)

پیامبر صلی الله علیه و آله در مصیبت فرزندانش

پیامبر صلی الله علیه و آله در باره همه حوادث، از جمله مرگ فرزندانش خویشتن داری کرد. با این حال، در مرگ فرزندانش گاهی قطره های اشکی بر روی گونه هایش می غلطید.

مراتب تأثر آن حضرت در مرگ ابراهیم که مادرش کنیزی به نام «ماریه» بود، بیشتر نمود داشت. اما در حالی که دلش می سوخت، با زبان خدای متعال را سپاس می گفت.

عربی از سر نادانی به مبانی اسلام، به گریه کردن پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق فرزندش اعتراض کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

تَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ يَحْزَنُ الْقَلْبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يُسْخِطُ الرَّبَّ؛ چشم گریان است و قلب محزون، ولی چیزی که موجب خشم پروردگار گردد نمی گوییم.

سپس خطاب به فرزندش فرمود:

لَوْ لَا أَنَّهُ وَعْدٌ حَقٌّ وَ مَوْعُودٌ جَامِعٌ وَ أَنَّ الْآخِرَ تَابِعٌ لِلْأَوَّلِ

لَوَجَدْنَا

ص: ۱۴۶

۱- . الخصال، ج ۲، ص ۴۰۵.

عَلَیْکَ یَا إِبْرَاهِیمُ أَفْضَلَ مِمَّا وَجِدْنَاهُ إِنَّا بِکَ لَمَحْزُونُونَ؛(۱) اگر نه این بود که مرگ وعده حق و موعود همگانی است و این که آخر تابع اول است، (یعنی همه یکی پس از دیگری می میرند) هر آینه مصیبت تو ای ابراهیم، بر ما بسیار بزرگ بود، ولی چون ما هم نیز به زودی به آن جهان ملحق خواهیم شد، مصیبت تو را تحمل می کنیم و ما برای تو محزونیم.

فاطمه علیها السلام رمز جاودانگی اسلام

یکی از شگفتی های زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله این است که پسران پیامبر یکی پس از دیگری بروند و پیامبر صلی الله علیه و آله را در غم مرگ خویش غمگین سازند تا ابتلا و امتحان دیگری رخ دهد و محمد صلی الله علیه و آله سرافرازتر از گذشته بر ایمان و اعتقاد و ابلاغ رسالت خویش پایداری کند؛ آن هم در شرایطی که طبق فرهنگ جاهلی آن دوران، روشنی خانه و خاندان به وجود فرزند پسر بود؛ چرا که تنها پسر صلاحیت داشت جای پدر را بگیرد وگرنه داغ ابتر بودن بر پیشانی او نقش می بست؛ چرا که دختر و زن در آن جامعه بسیار تحقیر شده بود.

از این رو، کوردلان قریش بهانه یافتند و به حضرتش عنوان ابتر دادند؛ چون فرزند پسر نداشت که وارثش گردد و دختر نیز در فرهنگ جاهلی

صلاحیت وراثت و جانشینی نداشت.

۱- . مسکن الفؤاد، ص ۱۰۲.

غافل از این که مشیت الهی جریان زندگی محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام را به گونه ای دیگر رقم زد و بر خلاف میل بداندیشان دل مرده، تقدیر چنین بود که دختری از محمد صلی الله علیه و آله و خدیجه به وجود آید و به اراده خداوندی رمز جاودانگی اسلام قرار گیرد و فرزندانش یکی پس از دیگری در آسمان ولایت و رهبری امت بدرخشند و راه بشریت به سر منزل مقصود را روشن سازند.

ص: ۱۴۸

فصل چهارم: در سوگ خدیجه سلام الله علیها

اشاره

ص: ۱۴۹

غم هجران

کسی که پیش از بعثت یار و غمخوار پیامبر صلی الله علیه و آله بود، و پس از آن با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی او محسوب می شد، و به دلیل موقعیت مقبول و ممتازی که داشت پناهگاهی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله به حساب می آمد و اذیت و آزار و بی ادبی مشرکین را با وجود او به آسانی تحمل می کرد، خدیجه علیها السلام بود.

ولی افسوس که دست تقدیر طرح دیگری درانداخته بود و روزگار آزمون دیگری برای محمد صلی الله علیه و آله پیش بینی کرده بود.

تقدیر الهی چنین بود که این بانوی بزرگ و فداکار در بحرانی ترین سال های حیات پیامبر صلی الله علیه و آله بار سفر آخرت بربندد و همسر بزرگوار خویش را در غم تنهایی و هجران خویش گرفتار سازد.

هرچند که پیامبر صلی الله علیه و آله خود معلم بشریت بود و آیات قرآن بر زبانش جاری و به همگان درس شکیبایی و صبر می داد و زندگی را جلوه لطف خدا و سرانجامش را بازگشت به سوی حضرت او می دانست و فلسفه زندگانی بشری را با «إِنَّا لله وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُون» تفیسر می کرد، ولی فقدان خدیجه علیها السلام غمی بزرگ بر دلش نشاند و زندگانی آن حضرت رنگ عزا به خود گرفت و تمام سال، سیاهی غم بر سرکشید و به عنوان سال اندوه حیات نبوی، «عام الحزن» معروف شد.

ص: ۱۵۰

نقش ماندگار خدیجه علیها السلام

سال رحلت بانوی بزرگ اسلام همان سالی است که حضرت ابوطالب علیه السلام نیز در همان سال وفات کرد و آن دو بزرگوار که دو تکیه گاه توانمند و دو اهرم قدرتمند پیامبر صلی الله علیه و آله در پیشبرد اهداف توحیدی به حساب می آمدند، به مشیت خداوندی رهسپار دیار باقی شدند تا فصل دیگری از کتاب نبوت به روی رسول خدا صلی الله علیه و آله گشوده شود.

نقش ماندگار و تأثیر جاودانه حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اندیشه های توحیدی و حمایت های بی دریغ مالی، اقتصادی، روحی و معنوی، و سیاسی اجتماعی او از پیامبر صلی الله علیه و آله به ابدیت پیوست و نام او همچون نام حضرت ابوطالب علیه السلام بر لوح وجود پیوسته خواهد ماند و تا دنیا دنیاست و دین باوران شعار توحید سر می دهند، در برابر عظمت آنان که بنیان یکتا پرستی را پایه گذاری کردند، فروتنانه عرض ادب خواهند کرد.

در بستر بیماری

پس از آن که حضرت خدیجه علیها السلام بیمار شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به عیادت ایشان رفتند و فرمودند:

بِالْكُرْهِ مِنِّی مَا أَرَی مِنْكِ یَا خَدِیجَهُ وَ قَدْ یَجْعَلُ اللَّهُ فِی الْكُرْهِ خَیْراً كَثِیراً أَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ زَوَّجَنِی مَعَكِ فِی الْجَنَّهِ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ كُلْثُمَ أُخْتَ مُوسَی وَ آسِیَهَ امْرَأَهَ فِرْعَوْن؛ ای خدیجه، برای رنج و اندوهی که برای تو پیش آمده است اندوهگین هستم. ولی

خداوند در این رنج و

اندوه خیر فراوانی قرار داده است. آیا می دانی خداوند در بهشت تو را به همراه مریم، دختر عمران، و کلثوم، خواهر موسی، و آسیه، همسر فرعون، همسر بهشتی من قرار داده است.

خدیجه علیها السلام پرسید: «وَ قَدْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ؛ ای رسول خدا، آیا خداوند این چنین کرده است؟» فرمود: بله. خدیجه علیها السلام گفت: «بِالرِّفَاءِ یَا رَسُولَ اللَّه؛ به میمنت و مبارکی، ای رسول خدا!»(۱)

در آستانه ارتحال

حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت و بعد از پایان محاصره در شعب ابوطالب، بر اثر رنج ها و سختی های حاصل از آن، در بستر بیماری افتاد. پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن احوال او بسیار ناراحت و متأثر شد و از حضرت خدیجه علیها السلام بسیار دلجویی کرد.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر خدیجه علیها السلام وار شد، در حالی که در سکرات مرگ بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فرمود:

بِالرَّغْمِ مِنَّا مَا نَرَی بِکِ یَا خَدِیجَهُ فَإِذَا قَدِمْتِ عَلَی ضَرَائِرِکِ فَأَقْرِئِیهِنَّ السَّلَامَ؛ برای ما سخت است ای خدیجه این حالت که از تو می بینیم! زمانی که (در بهشت) بر هم نشینانت (همسران همسرت) وارد شدی، سلام مرا به آنان برسان!

خدیجه علیها السلام پرسید: «یا رسول الله، آنان چه کسانی هستند؟» فرمود:

۱- . بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۰ و ص ۲۴.

مَرْيَمُ ابْنَهُ عِمْرَانَ وَ كُلْثُمُ أَخْتُ مُوسَى وَ آسِيَهُ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ؛(۱) مریم، دختر عمران، کلثوم، خواهر موسی، و آسیه، همسر فرعون.»

خوارزمی نیز گفته است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله بر همسرش، خدیجه بنت خویلد علیها السلام وارد شد، در حالی که او در حال مرگ بود. او از سختی مرگ ناله کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله برای او دعا کرد. سپس فرمود: « به سوی خوبی و پاکی بشتاب! تو بهترین مادران اهل ایمان و برترین زنان عالم هستی!»(۲)

وصیت های خدیجه علیها السلام

هنگامی که بیماری ام المؤمنین، حضرت خدیجه علیها السلام شدت یافت، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درخواست کرد که وصیت هایش را بشنود. نخستین وصیت خدیجه علیها السلام این بود:

فَإنّی قاصِرَهٌ فی حَقِّکَ فَاعْفُنی یا رَسُولَ اللهِ؛ ای رسول خدا، مرا ببخشید که نتوانستم حق شما را ادا کنم!

این سخن کسی است که همه چیز خود را فدای پیامبر صلی الله علیه و آله کرده است. باز می گوید: مرا عفو کن که نتواستم حق شما را ادا کنم! و

رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ خدیجه علیها السلام فرمودند:

حاشا وَ کلّا ما رَأَیْتُ مِنْکِ تَقصیراً فَقَدْ بَلَغْتِ جُهْدَکِ وَ تَعِبْتِ فی

۱- . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص۱۳۹.

۲- . مقتل الحسین، ص ۲۸.

داری غایَهَ التَّعَبِ وَ لَقَدْ بَذَلْتِ أَمْوالَكِ وَ صَرَفْتِ فی سَبیلِ اللهِ جمَیعَ مالِكِ؛ هرگز چنین نیست؛ من از تو هیچ کوتاهی ندیده ام. تو آخرین توان و تلاشت را (برای ادای حقوق رسالت) انجام دادی و بیشترین سختی ها را در زندگی با من متحمل شدی و اموالت را بذل نمودی و همه را در راه خدا صرف کردی!

آن گاه خدیجه علیها السلام در حالی که به دخترش فاطمه علیها السلام اشاره می کرد گفت: «وصیت می کنم شما را به او، که پس از من یتیم و غریب می شود. پس کسی از زنان قریش او را اذیت نکند، به صورتش لطمه وارد نسازند و او را سیلی نزنند، و بر سر او فریاد نکشند و با او به سختی و درشتی رفتار نکنند.»

سپس از شدت حیا نتوانست با پیامبر صلی الله علیه و آله سخن بگوید. پس از قدری سکوت گفت: «اما وصیت سومم؛ پس به دخترم فاطمه می گویم تا به شما منتقل کند؛ زیرا از شما خجالت می کشم یا رسول الله!»

آن گاه به زهرا علیها السلام گفت: «ای حبیبه من و ای نور چشمانم! به پدر بگو: مادرم می گوید: « من از وحشت قبر در هراسم. از شما می خواهم که آن ردائی که هنگام نزول وحی می پوشید کفن من قرار دهید.»

حضرت زهرا علیها السلام وصیت مادر را به پدر رساند. و پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و ردائی را که هنگام نزول وحی بر شانه مبارک

می انداخت، به صدیقه طاهره علیها السلام داد تا برای مادرش حضرت خدیجه علیها السلام ببرد.

هنگامی که فاطمه علیها السلام آن را برای مادرش حضرت خدیجه علیها السلام آورد، از

دیدن آن به قدری خوشحال شد که از آن خوشحالی به سرور عظیم تعبیر شده است؛ «فَسَرَّتْ بِهِ سُروراً عظیماً.» (۱)

نگران فاطمه علیها السلام

اسماء (یا سلمی) بنت عمیس می گوید: زمانی که خدیجه علیها السلام در بستر بیماری بود گریه می کرد. عرض کردم شما که بانوی زنان جهان و همسر پیامبر صلی الله علیه و آله هستید و آن حضرت شما را به بهشت بشارت داده است، چرا گریه می کنید؟

فرمود: برای مردن نمی گریم. بلکه هر زنی در شب عروسی اش نیازمند مادر است که سرّش را با او در میان بگذارد و نیازها و خواسته هایش را به او بگوید. من از آن ناراحتم که شب زفاف فاطمه کسی نیست که او را یاری دهد و برایش مادری کند.

گفتم: بانوی من، به شما قول می دهم که اگر تا آن روز زنده ماندم، به جای شما برای فاطمه مادری کنم.

شب زفاف فاطمه علیها السلام رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد

که زنان همگی از خانه فاطمه علیها السلام خارج شوند، ولی من نرفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خروج متوجه من شد. فرمود: تو کیستی؟ چرا نرفتی؟

عرض کردم: پدر و مادرم فدای شما! قصد سرپیچی نداشتم، ولی به

۱- . شجره طوبی، ص ۲۲۳.

خدیجه وعده ای داده ام که می خواهم به آ ن وفا کنم. آن گاه جریان را به طور کامل تعریف کردم. پیامبر گریست و مرا دعا کرد.(۱)

غروب غمبار

پس از آن که مسلمانان از شعب خارج شدند، مدتی نگذشت که ابوطالب علیه السلام، عموی مهربان و وفادار پیامبر صلی الله علیه و آله درگذشت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در حزن و اندوه فرو برد.

پس از ابوطالب علیه السلام، خدیجه علیها السلام پشتیبان و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. او نیز اندکی بعد بیمار شد و در دهم رمضان سال دهم بعثت، یعنی حدود سه سال قبل از هجرت درگذشت و

پیامبر صلی الله علیه و آله را در داغی جانکاه فرو برد. پیامبر صلی الله علیه و آله از شدت اندوه فرمود: «در این روزها بر این امت دو مصیبت وارد شد که نمی دانم به سبب کدام یک بی تاب ترم!»(۲)

گفته اند: وفات خدیجه علیها السلام تنها سه روز پس از درگذشت ابوطالب علیه السلام رخ داد. و برخی معتقدند که وفات حضرت خدیجه علیها السلام سی و پنج روز پس از

۱- کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۳۶۶. اربلی در «کشف الغمه» می گوید: اسماء بنت عمیس همراه شوهرش جعفر بن ابی طالب۷ به حبشه هجرت کرده بود و تا سال ششم هجرت باز نگشت. حال آن که ازدواج فاطمه۳ در سال دوم هجری بوده است. وی معتقد است خواهرش سلمی دختر عمیس، همسر حمزه بن عبد المطلب در مراسم ازدواج فاطمه۳ حضور داشته است و شاید روایت از زبان او نقل شده است و اسماء نزد راویان مشهورتر از خواهرش هست، بنابراین، از او روایت کرده اند، و یا این که یکی از راویان از روی سهو به جای سلمی، اسماء را ذکر کرده است و بقیه از او پیروی نموده اند.

۲- . تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵.

فوت ابوطالب علیه السلام بوده است.

آنچه مسلم است، این است که ارتحال خدیجه علیها السلام با فاصله اندکی از رحلت جانگداز بزرگ حامی پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت ابوطالب علیه السلام اتفاق افتاد. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شدت اندوهگین شدند و آن سال را «عام الحزن» یعنی سال غم و اندوه نامیدند.

بعد از این رویداد اسفبار پیامبر صلی الله علیه و آله تا مدتی خانه نشین شد و کمتر از خانه بیرون می آمد.(۱)

پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال با حضرت خدیجه علیها السلام انس داشت. او تنها ستاره فروزان خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. نگاه های جاذب و غم زدایش تنها مایه تسلای خاطر رسول الله صلی الله علیه و آله در محیط خانه بود. از این رو، غم ارتحالش به همین مقدار بر

فرستاده خدا صلی الله علیه و آله که دریای عواطف بود، سخت جانگداز بود.

نوشته اند که آن حضرت در غم ارتحال همسرش به قدری اندوهگین شد که بر سلامتی اش نگران شدند.(۲)

عبد الرحمن بن حاطب می گوید: خوله بن حکیم بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و عرض کرد: یا رسول الله، می بینم که برای فقدان خدیجه حزن و اندوه فراوان داری. حضرت فرمود: «درست است؛ زیرا او مادر فرزندان

۱- . بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۱.

۲- . مجمع الزوائد، ج ۹ ، ص ۲۲۵.

و بانوی خانه ام بود.»(۱) می فرمود: «خداوند محبت او را در دلم قرار داده بود.»(۲)

دفن خدیجه علیها السلام

هنگامی که روح بلند و ملکوتی خدیجه علیها السلام به بهشت برین صعود کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدن ایشان را غسل داد، حنوط کرد و هنگامی که خواست در ردای مخصوص خود کفن کند، جبرئیل نازل شد و عرض کرد:

«ای رسول خدا، خدای تعالی بر تو سلام و درود می فرستد و تو را با بهترین و گرامی ترین احترام ها مخصوص می گرداند و می گوید: ای حبیب ما، خدیجه ای

که تمام دارایی اش را در راه ما بذل کرد، کفن او را ما عنایت می کنیم.»

سپس جبرئیل کفنی تقدیم حضرت نمود و عرض کرد: «ای رسول خدا، این کفن از بهشت است و خداوند آن را به خدیجه هدیه نموده است.»

پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا خدیجه علیها السلام را با ردای خویش کفن کرد و سپس کفنی را که جبرئیل آورده بود روی آن قرار داد. و حضرت خدیجه علیها السلام با دو کفن دفن شد.

برخی گفته اند: ام ایمن، خادم رسول الله صلی الله علیه و آله و ام فضل، همسر عباس بدن مبارکش را غسل دادند.(۳) سپس پیکر مطهر خدیجه علیها السلام را از خانه تشییع کردند و او را در منطقه حُجون به خاک سپردند.

۱- . الاصابه، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲- . سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳- . امتاع الاسماء، ج ۶، ص ۳۰.

پیـامبر صـلی الله علیه و آله خود وارد قبر شـد و برای او دعـا کرد و او را به خـاک سـپارد. علامـه مجلسـی در «بحارالانوار» می نویسـد: در آن زمـان هنـوز نمـاز برای میت واجب نشـده بـود. از این رو نمـاز میت بر حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام خوانـده نشد.»(۱)

اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله در فراق خدیجه علیها السلام

به راسـتی پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله پس از آن که از قبرسـتان به سوی خـانه بـازگشت و زهرای خردسـالش را دیـد چه حالتی داشت؟! چگونه می توانست جای

خالی حضرت خدیجه علیها السلام را پس از بیست و پنج سال ایثار و مقاومت و عشق و محبت بنگرد؟!

عظمت این مصـیبت را کسـی جز خدای تعالی نمی داند. شاید بتوان گفت که در زندگی پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله هیچ مصـیبت و حـادثه تلخی برا ی آن حضـرتماننـد رحلت جـانسوز حضـرت خـدیجه علیهـا السـلام نبـود که به حـق جگرسوز و کمرشـکن بود. چرا که وجود حضـرت خدیجه علیها السلام عامل مهمی در ساختار زندگی درخشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و حیات و پیشرفت اسلام در سال های آغازین بعثت بود.

اگر وجود حضرت خدیجه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله دارای این تأثیر عظیم نبود، فقدان او موجب آن همه تأثر و اندوه وصف ناپذیر پیامبر صلی الله علیه و آله نمی گردید و مرگ او باعث بی تابی پیامبر صلی الله علیه و آله نمی شد و سال مرگش را «سال حزن» اعلام نمی نمود!

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۱۳.

کنار مزار خدیجه علیها السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کانون عواطف بود. آن حضرت لحظه ای خدمات، ایثارها، فداکاری ها، شایستگی ها، محبت ها، و فضائل و بزرگواری های خدیجه علیها السلام را فراموش نکرد.

هنگامی که با ده هزار سرباز جنگی وارد مکه شد و کعبه را از لوث بت ها پاک کرد، اَشراف مکه با اصرار و الحاح خواستند تا به خانه آن ها قدم بگذارد،

ولی آن حضرت به رسم وفا کنار قبر خدیجه آمد، آنجا خیمه زد و ایام اقامتش در مکه را در کنار قبر همسرش سپری کرد.(۱)

این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله گذشته از درس حق شناسی به امت، پیام دلنشین و دلنواز به حضرت خدیجه علیها السلام داشت:

«هان، ای سنگ صبور من! ای همسر با وفای من! اگر در همه روزهای سخت زندگی، در دوران محاصره اقتصادی و در آن روزگار خفقان و اختناق جانکاه در کنار من بودی و آن همه رنج و مشقت را به جان خریدی، اکنون من پس از فتح قلعه های شرک و نفاق، به کنار تربت پاک تو آمدم تا شادی ام را با تو تقسیم کنم.»(۲)

۱- . مصباح المتهجد، ص ۸۱۲.

۲- . تاریخ طبری ج ۳، ص ۵۷.

اشعار امیرالمؤمنین علیه السلام در سوگ خدیجه علیها السلام

امیر بیان علیه السلام به پاس خدمات حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت ابوطالب علیه السلام پدر خود، به جهان اسلام اشعاری در سوگ آن دو بزرگوار سرودند و در بخشی از آن حزن و ماتم قلبی خویش را بیان داشتند و از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «بانوی بانوان» یاد کردند. در این سروده آمده است:

أَعَيْنَى جُودَا بَارَکَ اللَّهُ فِيکُمَا***

عَلَى هَالِکَيْنِ لَا تَرَى

لَهُمَا مِثْلًا

عَلَى سَيِّدِ الْبَطْحَاءِ وَ

ابْنِ رَئِيسِهَا***

وَ سَيِّدَه النِّسْوَانِ

أَوَّلِ مَنْ صَلَّى

مُهَذَّبَه قَدْ طَيَّبَ اللَّهُ

خِيمَهَا***

مُصَابُهُمَا أَدْجَى إِلَى

الْجَوِّ وَ الْهَوَا***

مُبَارَکَه وَ اللَّهُ سَاقَ

لَهَا الْفَضْلَا

فَبِتُّ أُقَاسِى مِنْهُمَا

الْهَمَّ وَ الثَّکْلَا(۱)

ای چشمان من، خداوند به شما برکت بدهد! در فراق آن دو بزرگواری که از میان رفته اند اشک بریزید! که نظیر آن ها دیده نمی شود.

بر سرور سرزمین بطحاء و فرزند رئیس آن، و بر «بانوی بانوان» که نخستین نمازگزار بود.

آن بانوی پاکدامنی که خداوند خصلت های او را پاکیزه کرده است. بانوی مبارکی که خداوند برتری را به سوی او سوق داده است.

مصیبت این دو عزیز فضا را بر من تیره و تار ساخته و از این پس شب ها را در اندوه و حزن این دو به سر می برم.

۱- . دیوان أمیرالمؤمنین۷، ص ۳۵۹؛ بحارالأنوار، ج ۳۵، ص ۱۴۳.

فاطمه علیها السلام پس از ارتحال مادر

امام صادق علیه السلام فرمود: روزی که حضرت خدیجه از دنیا رفت، حضرت زهرا علیها السلام خودش را به پیامبر می چسباند و پیرامون او می چرخید و می گفت: «یا أبَتاهُ أَیْنَ أُمِّی؛ پدر جان، مادرم

کجاست؟» ناگهان جبرئیل فرود آمد و گفت:

رَبُّکَ یَأْمُرُکَ أَنْ تُقْرِئَ فاطِمَهَ السَّلَامَ، وَ تَقُولَ لَهَا إِنَّ أُمَّکِ فِی بَیْتٍ مِنْ قَصَبٍ، کِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عُمُدُهُ یَاقُوتٌ أَحْمَرُ، بَیْنَ آسِیَهَ وَ مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ؛ پروردگارت تو را فرمان می دهد که به فاطمه سلام برسانی و بگویی که مادرت (در بهشت) در خانه ای است که دیوارهایش از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ می باشد، و در کنار آسیه (همسر فرعون) و مریم، دختر عمران قرار دارد.

وقتی حضرت فاطمه علیها السلام این بشارت را شنید، گفت:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ؛(۱) خدا سلام و سلامتی است، و سلام و سلامتی از او و به سوی اوست.

جای خالی خدیجه علیها السلام

قریشیان پس از درگذشت ابوطالب علیه السلام و خدیجه علیها السلام گستاخ تر شدند و بر آزار و اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله افزودند. برخی از ایشان بر چهره مبارک آن حضرت

۱- . الأمالی (للطوسی)، ص ۱۷۵.

خاک می پاشیدند و کارهایی می کردند که پیش از آن جرئتش را نداشتند.(۱) و حتی تصمیم به قتل پیامبر صلی الله علیه و آله گرفتند.(۲)

پس از ارتحال حضرت ابوطالب علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام روزی رسول خدا علیها السلام از یکی از کوچه های مکه می گذشت. ناگاه یکی از مزدوران قریش ظرفی پر از خاکروبه را بر سر و روی آن حضرت ریخت.

هرگاه چنین حوادثی برای پیامبر صلی الله علیه و آله رخ می داد، به خانه باز می گشت و حضرت خدیجه علیها السلام با کمال مهر و محبت سر و روی آن حضرت را می شست. خدمات پر ازعاطفه حضرت خدیجه علیها السلام مرهمی بر زخم های پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

اینک پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه بازگشت و جای خالی حضرت خدیجه علیها السلام را دید و بسیار آزرده خاطر شد. فاطمه علیها السلام در آن دوران که کودکی بیش نبود، در حالی که می گریست، به جای مادرش حضرت خدیجه علیها السلام آب آورد تا سر و روی پیامبر صلی الله علیه و آله را بشوید. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: دخترم، گریه مکن، خداوند گزند دشمن را از پدرت دفع خواهد کرد.(۳)

مزار حضرت خدیجه علیها السلام

مزار حضرت خدیجه علیه السلام در شهر مکه در قبرستان «حُجون» قرار دارد که امروزه به مزار «مُعلّی» معروف است. قبرهای حضرت عبدالمطلب و

ابوطالب

۱- . السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۸۲ و ۲۸۳.

۲- . همان، ص ۳۳۲.

۳- . السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۸.

نیز در همان قبرستان و در کنار قبر خدیجه علیها السلام با فاصله یکی دو متر قرار دارند.

در سال ۷۲۷ ق مسلمانان بر این مرقد مطهر بارگاهی بنا کردند، مردم مکه و سایر زائران، کنار قبر او می آمدند و در آنجا متوسل می شدند و اظهار ادب و خضوع می کردند و قصیده های فصیح و پرمحتوایی را که در شأن حضرت خدیجه علیها السلام سروده بودند، در لوح هایی نوشته و در آن بارگاه نصب می نمودند، و در سالروز ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان به سوی مرقد منور آن حضرت می رفتند و اظهار شادمانی می کردند.

ماجرا به همین منوال ادامه داشت تا این که در سال ۱۳۳۴ق با تسلط وهابیان بی رحم و سبک مغز همه بارگاه های مقدس را به بهانه ای واهی مبنی بر این که توسل به آن ها یک نوع شرک است ویران کردند.(۱)

ص: ۱۶۴

۱- . حضرت خدیجه۳، اسطوری ایثار و مقاومت، ص ۲۶۷.

فصل پنجم:فضائل حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

ص: ۱۶۵

حسن رفتار با پیامبر صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام در رعایت آیین شوهرداری و حقوق همسر نهایت تلاش را از خود نشان داد. خدیجه علیها السلام در طول بیست و پنج سال زندگی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوسته همدم، همفکر، و همراه با آن حضرت بود.

با وجود ثروت و شکوه و جمال و کمال، راه فروتنی و اطاعت از همسر بزرگوارش را در پیش گرفت و در همان برخوردهای اولیه، از فرط ادب و تواضع، خود را کنیز و خدمتگزار او خواند و اظهار داشت: «به خانه خودت خوش آمدی، خانه خانه توست، من نیز کنیز تو هستم.»(۱)

همچنین در سراسر زندگیِ آکنده از مهر و محبت خود، نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله همواره بهترین یار و مهربان ترین مونس و وزیر و مشاور کارآمد بود، به طوری که نوشته اند:

وَ کَانَتْ خَدِیجَهُ وَزِیرَهَ صِدْقٍ عَلَی الْإِسْلَامِ وَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ

صلی الله علیه و آله یَسْکُنُ إِلَیْهَا؛(۲) حضرت خدیجه علیها السلام

وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله با مهر و ملاطفت او آرامش می یافت.

خدیجه علیها السلام آنچنان از هوش و عقل و تدبیر سرشار بود که مورد مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می گرفت و آن حضرت در کار ها با او مشورت می کردند.

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۴.

۲- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۱۱؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۵.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قبل از بعثت هر ماه چند روز و هر سال ماه رمضان را برای عبادت و نیایش با خدا به غار حرا می رفت. حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی شد که خود نیز مشوق آن حضرت بود و هر بامداد و شامگاه او را بدرقه می کرد و هنگام بازگشت به استقبالش می رفت.

گاه برایش آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت همسرش با پروردگار را به هم نزنند، و گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله می گماشت و خود در انتظار بازگشتن محبوبش به سر می برد.(۱)

به خاطر حسن رفتاری که حضرت خدیجه علیها السلام در طول زندگی خود با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت، خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

بَشِّرْ خَدِیجَهَ بِبَیْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب؛(۲) خدیجه را بشارت ده به خانه ای در بهشت از مروارید که در آن سر و صدا و رنج و دردی وجود ندارد.

به دلیل همین حسن رفتار خدیجه علیها السلام بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله همواره به خدیجه علیها السلام عشق می ورزید؛ حتی پس از ارتحال جانسوزش هیچ گاه او را از یاد نبرد و پیوسته او را می ستود. چنان که روایت شده است: «کانَ لَها مُحِبّاً

۱- . ر. ک: الغدیر، ج ۲۳۸.
۲- . عمده عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، ص۳۹۲.

وَ بها وامِقاً؛(۱) پیامبر صلی الله علیه و آله همواره خدیجه علیها السلام را دوست می داشت و به او علاقه مند بود.»

محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه علیها السلام در خانه با صفای محمد صلی الله علیه و آله نه تنها به عنوان همسری باوفا و مادری مهربان، بلکه محبوبه همسر خویش است.

اگر چه در زندگی زناشویی پیامبر صلی الله علیه و آله همسران دیگری نیز پا نهادند، ولی هیچ یک حتی عایشه که جوان ترین آنان بود و به عنوان حمیرا جایگاهی برای خود نزد پیامبر می پنداشت، نتوانسته اند جای خدیجه علیها السلام را پر کنند و همچون او از هر نظر محبوب حضرتش واقع شوند.

عایشه در مقایسه با اقران خود از صغر سن و جمال نسبی برخوردار و

پیوسته در فکر تصاحب همه زوایای قلب شوهر خویش است و از هر دری که می تواند وارد می شود تا این ارزش و پذیرش را به دست بیاورد.

یقیناً اگر او در زندگی دیگری غیر از پیامبر صلی الله علیه و آله بود، شاید می توانست موقعیت دل خواه خویش را کسب کند. ولی نه در اینجا که خدیجه علیها السلام سکان دار کشتی دل پیامبر صلی الله علیه و آله است.

حتی بعد از ارتحال وی هر وقت که ذکری از خدیجه به میان می آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله با تمام وجود به او اظهار محبت و علاقه می کرد و لحظه ای از

ص: ۱۶۸

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

یـاد آوری ارزش هـای وجودی اش غافل نمی شـد و حق شـناسانه خـدمات و زحمت های او را یاد می کرد و در سـتایش او و ذکر فضائـل اخلاقی و کمالات نفسانی اش خسـتگی به خود راه نمی داد و آمرزش و مغفرت و سـعادت اخروی محبوبه اش را پیوسته خواهان بود.(۱)

نبی مکرم اسـلام را بایـد وفادارترین مرد نسـبت به همسـر در پیونـد با خدیجه علیها السـلام ارزیابی کرد. نمونه های فراوانی از عشق ورزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه کبری علیها السلام در متون اسلام تاریخی گزارش شده است.

آن حضـرت سـعی می کرد تمام خاطرات خدیجه علیها السـلام را زنده بدارد، تا آنجا که گفته اند: حتی وقتی گوسفندی ذبح می شد، می فرمود: «از

گوشت آن گوسفند برای دوستان خدیجه نیز بفرستید.»

همین عشق و علاقه شدید پیامبر صـلی الله علیه و آله به حضـرت خدیجه علیها السـلام بود که حسادت زنانه عایشه را نسـبت به حضرت خدیجه علیها السلام بر می انگیخت.

در گزارشـی که بخاری از عایشه نقل کرده است، شدت محبت پیامبر علیه السـلام به خدیجه علیها السلام آشکارتر می گردد؛ چنان که گفته است:

مَا غِرْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِيِّ صـلى الله عليه و آله مَا غِرْتُ عَلَى خَدِيجَهَ وَ مَا رَأَيْتُهَا قَطُّ وَ لَكِنْ كَانَ يُكْثِرُ ذِكْرَهَا فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ كَأَنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِي الـدُّنْيَا امْرَأَهُ إِلَّا خَدِيجَه؛ به غیرت نیامـدم بر احدی از زنان پیامبر به اندازه ای که بر خدیجه به غیرت آمدم، با وجود این که او را هرگز ندیدم، و لیکن پیامبر

۱- . دانشنامه حضرت خدیجه۳، ج ۳، ص ۳۷.

او را بسیار یاد می کرد. چه بسا به پیامبر می گفتم: گویی در دنیا کسی به جز خدیجه نبوده است!

و پیامبر در پاسخ می فرمود:

إِنَّهَا کَانَتْ وَ کَانَتْ لِی مِنْهَا وَلَدٌ؛(۱) خدیجه چنین و چنان بود و برای من از او فرزند نصیب شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله گاه به یاد خدیجه علیها السلام می گریست و می فرمود:

خَدِیجَهُ وَ أَیْنَ مِثْلُ خَدِیجَه؛(۲) خدیجه! کجاست مثل خدیجه؟!

علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام سبب شده بود که بستگان و دوستان وی نیز همواره مورد تفقد پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گیرند. چنان که نقل شده است سال ها بعد از وفات خدیجه علیها السلام زمانی که هاله، خواهر خدیجه علیها السلام درب منزل رسول الله صلی الله علیه و آله رفت، حضرت بسیار مسرور شد و با احترام او را به منزل خود دعوت کرد.(۳)

همچنین نفیسه، دختر منیه که در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام نقش داشت، در فتح مکه مسلمان شد و ماجرای وساطتش را به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآور گردید و مورد احترام قرار گرفت.(۴)

از دیگر اقدامات رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نکوداشت یاد خدیجه علیها السلام این بود که هرگاه گوسفندی ذبح می کرد، از گوشت آن به منزل دوستان خدیجه علیها السلام

۱- . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱؛ الطرائف، ص ۲۹۱.
۲- . کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۰.
۳- . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱.
۴- . انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۰۷.

می فرستاد(۱) و در مقابل اعتراض برخی از همسرانش می فرمود:

إِنِّی قَدْ رُزِقْتُ حُبَّهَا؛(۲) خداوند محبت او را روزی من کرده است.

الگوی زن مسلمان

خدیجه علیها السلام به عنوان نخستین زن مسلمان در ترویج فرهنگ اسلامی و الگوهای یک زن مسلمان و با کمال، نقش والای خود را ایفا کرده است و بانوان بسیاری از تربیت عملی وی الگو گرفته اند.

اهمیت فضائل اخلاقی و کمالات انسانی در وجود این بانوی با فضیلت آن گاه به اوج خود می رسد که نگاهی به وضع زن در ایام جاهلیت و قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله بیندازیم.

زن در آن روز نه تنها از حقوق خود محروم بود و با رقت آورترین وضع زندگی می کرد، بلکه به عنوان مایه ننگ و عار و موجودی شوم زنده به گور می شد.

خدیجه در چنین عصری اثبات نمود که یک زن نه تنها حق حیات دارد و باید حقوق مسلّم خود را استیفا نماید، بلکه می تواند با اعمال شایسته و تلاش و کوشش، به مرحله ای برسد که خداوند متعال به او سلام برساند.

امام باقر علیه السلام از پیامبرخدا صلی الله علیه و آله نقل می کند: شبی که در معراج بودم، به هنگام

۱- . صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲- . عمده عیون صحاح الاخبار، ج ۱، ص ۳۹۳.

بازگشت از سفر معراج به جبرئیل گفتم: ای جبرئیل، آیا خواسته ای از من نداری؟ گفت: خواهش من این است که از طرف خداوند و من به خدیجه سلام برسانی.»(۱)

پرورش فرزندان صالح

بدون تردید مادر به عنوان مؤثرترین عامل محیطی و وراثتی در پرورش و رشد شخصیت کودک نقش بسزایی دارد.

حضرت خدیجه علیها السلام علاوه بر آن که به نص قرآن، مادر روحانی همه اهل ایمان است، به عنوان مادری شایسته و باایمان در دامان خویش فرزندان نیک و صالحی برای رسول خدا صلی الله علیه و آله تربیت نمود.

فرزندانی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آورد و در دامان پر مهر خویش پرورش داد که در میان آ ن ها حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از رتبه خاصی برخوردار است. دختری که رهبری اسلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام از نسل او پدید آمد و ادامه یافت.

امامان معصوم علیهم السلام نیز همیشه به وجود چنین مادری افتخار می کردند. چنان که امام مجتبی علیه السلام هنگامی که با معاویه مناظره می کرد، یکی از علت های انحراف معاویه از محور حق و انحطاط اخلاقی وی، و سعادت و خوشبختی خود، به نقش مادر در تربیت افراد اشاره کرده است.

۱- . بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۳۸۵.

وقتی معاویه در مقابل امام حسن و امام حسین علیهما السلام امیرالمؤمنین علیه السلام را در مسجد کوفه بر فراز منبر لعن کرد، امام حسن علیه السلام برخاست و فرمود:

أَیُّهَا الذَّاکِرُ عَلِیّاً أَنَا الْحَسَنُ وَ أَبِی عَلِیٌّ وَ أَنْتَ مُعَاوِیَهُ وَ أَبُوکَ صَخْرٌ وَ أُمِّی فَاطِمَهُ وَ أُمُّکَ هِنْدٌ وَ جَدِّی رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدُّکَ حَرْبٌ وَ جَدَّتِی خَدِیجَهُ وَ جَدَّتُکَ فُتَیْلَهُ فَلَعَنَ اللَّهُ أَخْمَلَنَا ذِکْراً وَ أَلْأَمَنَا

حَسَباً وَ شَرَّنَا قِدَماً وَ أَقْدَمَنَا کُفْراً وَ نِفَاقاً؛(۱) ای کسی که علی را به بدی یاد کردی! من حسنم و پدرم علی است، در حالی که تو معاویه هستی و پدرت صخر است. من مادرم فاطمه و تو مادرت هند است.

جدّ من رسول خداست و جدّ تو حرب است. جدّه من خدیجه است و جدّه تو فُتَیله است.

خدا لعنت کند از ما آن کس را که گمنام تر و نسبش پست تر و شرّش قدیمی تر و کفر و نفاقش بیشتر است.

یعنی ای معاویه، چون مادر تو «هند»، و مادر بزرگت «فتیله» می باشد، و در دامن چنین زن پست و فرومایه ای پرورش یافته ای، این گونه اعمال زشت از تو سر می زند. و سعادت ما خانواده در اثر تربیت در دامان مادرانی پاک و پارسا، همچون خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام می باشد.

امام حسین علیه السلام در ورز عاشورا برای معرفی خویش و اتمام حجت، در برابر دشمن، به مادرش فاطمه علیها السلام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت

ص: ۱۷۳

۱- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۵۴۲؛ مقاتل الطالبیین، ص ۴۴۶.

خدیجه علیها السلام اشاره نمود و فرمود:

أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّی فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ شما را به خدا سوگند می دهم، آیا می دانید مادرم فاطمه دختر رسول خداست؟

گفتند: آری. فرمود:

أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَ جَدَّتِی خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ

هَذِهِ الْأُمَّهِ إِسْلَاماً؛ شما را به خدا سوگند می دهم، آیا می دانید مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد است و نخستین بانویی است که از این امت مسلمان شده است؟

گفتند: آری.(۱)

جایگاه بلند خدیجه علیها السلام در پیشگاه خداوند

بزرگداشت خدیجه علیها السلام از سوی پروردگار، چنان است که از ستایش ستایشگران و توصیف توصیف کنندگان بی نیاز است. مقام این بانوی بزرگوار چنان نزد خدای تعالی رفیع است که پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به وی فرمود:

یَا خَدِیجَهُ ... فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیُبَاهِی بِکِ کِرَامَ مَلَائِکَتِهِ کُلَّ یَوْمٍ مِرَاراً؛(۲) خدیجه! خداوند عزوجل روزی چند بار به سبب تو نزد فرشتگان بزرگش مباهات می کند.

همچنین فرمودند:

۱- . روضه الواعظین، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- . العدد القویه، ص ۲۲۰؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷۸.

قالَ جَبرَئیلُ هذِهِ خَدیجَهُ فَاقْرَأْ عَلَیْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ مِنِّی وَ بَشِّرْهَا بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّه؛(۱) جبرئیل می گوید: این خدیجه است، سلام پروردگارش و سلام مرا به او ابلاغ کن و او را به خانه ای در بهشت

بشارت ده!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در شبی که به آسمان عروج داده شدم به هنگام مراجعت جبرئیل نزد من آمد. به او گفتم: «یَا جَبْرَئِیلُ هَلْ لَکَ مِنْ حَاجَهٍ؛ ای جبرئیل، آیا حاجتی داری؟»

پاسخ داد: «حَاجَتِی أَنْ تَقْرَأَ عَلَی خَدِیجَهَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّی السَّلَامَ؛ حاجت من این است که سلام پروردگار و مرا به خدیجه برسانی.»

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را دید و سلام پروردگار و جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساند، خدیجه علیها السلام پاسخ داد:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ وَ عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ؛(۲) خداوند خود سلام است و سلام از اوست و به سوی اوست و بر جبرئیل سلام باد!

خدای تعالی این نشان ارزنده را بر گردن خدیجه علیها السلام آویخت و بر او تحیت و سلام فرستاد و الطافش را ارزانی او نمود تا به خاطر خدماتش به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و دین خدا و اخلاصی که در دین داشت و ثروت بسیاری که در راه اسلام هزینه کرد، او را تکریم کرده باشد.

۱- . صحیح بخاری ، ج ۵، ص ۱۲.

۲- . تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۷.

روایت شده است که روزی جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و

آله آمد و جویای خدیجه علیها السلام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله او را نیافت. جبرئیل گفت:

إِذَا جَاءَتْ فَأَخْبِرْهَا أَنَّ رَبَّهَا يُقْرِئُهَا السَّلَامَ؛(۱) وقتی که او آمد، به او خبر بده که پروردگارش به او سلام می رساند.

نیایش های خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام اعتقادی قوی و محکم به خداوند داشت و همواره با دعا و نیایش با خدا ارتباط بر قرار می کرد و سرآمد نیاشگران زمان خود بود. آن بانوی با اخلاص همیشه این دعاها را به همراه داشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا اللَّهُ یَا حَافَظُ یَا حَفِیظُ یَا رَقِیبُ؛(۲) به نام خدای مهرگستر مهربان. ای خدای یکتا، ای نگاهبان و ای نگهدارنده هستی، و ای مراقب همگان!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغِیثُ فَأَغِثْنِی وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَهَ عَیْنٍ أَبَداً وَ أَصْلِحْ لِی شَأْنِی کُلَّهُ؛(۳) به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ای خدای زنده و زندگی بخش، ای خدای بر پا دارنده هستی! من به مهر تو پناهنده ام، پس خودت پناهم ده! و هرگز به اندازه چشم برهم زدنی مرا به حال خود وامگذار؛ و حال

و روزم را

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۸.

۲- . مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۵.

۳- . بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۲۱۰.

اصلاح فرما؛ و کران تا کران زندگی ام را آن گونه که خو می پسندی سامان بخش، ای خدای مهربان!

البته برخی دعای دوم را حرز حضرت زهرا علیها السلام دانسته اند.

خدیجه علیها السلام از برترین ها

۱. برترین همسران پیامبر صلی الله علیه و آله.

صدوق از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِخَمْسَ عَشْرَهَ امْرَأَه... وَ أَفْضَلُهُنَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِد؛(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله با پانزده زن ازدواج کرد و خدیجه دختر خویلد برترین ایشان بود.

خدیجه علیها السلام نخستین و برترین همسر گرامی پیامبرخدا صلی الله علیه و آله است و تا زمانی که زنده بود، و به سبب اکرام و تعظیم وی رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنی ازدواج نکرد.

۲. برترین زنان امت

خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله در باره مقام ارجمند حضرت خدیجه علیها السلام فرمودند:

فُضِّلَتْ خَدیجَهُ عَلی نِساءِ اُمَّتی کَما فُضِّلَتْ مَریمُ عَلی نِساءِ

العالَمینَ؛(۲) همان گونه که مریم بر زنان جهان برتری داده شده است، خدیجه نیز بر بانوان امت من برتری داده شده است.

۱- . الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۲- . التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۵۶.

از این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام را در میان امت نظیر جایگاه حضرت مریم علیها السلام دانسته اند، معلوم می شود که مراد از این که حضرت مریم علیها السلام سرور زنان عالَم است، منظور عالَم زمان خویش است. وگرنه، سرور زنان عالم به طور مطلق فاطمه زهرا علیها السلام است.

۳. برترین و با فضیلت ترین مادران مؤمنین

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به خدیجه فرموده اند:

یا خَدیجَهُ أنتِ خَیرُاُمَّهاتِ المؤمِنینَ وَ أَفْضَلِهِنَّ؛(۱) ای خدیجه! همانا تو بهترین مادران مؤمنان و با فضیلت ترین آنان هستی!

۴. از برترین زنان بهشتی

عکرمه از ابن عباس نقل کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط بر روی زمین کشید و فرمود: آیا می دانید این چهار خط اشاره به چیست؟ گفتند خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود:

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ أَرْبَعٌ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ

مُحَمَّدٍ وَ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِیَهُ بِنْتُ مُزَاحِمِ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ؛(۲) یعنی بهترین زنان بهشت چهار زن اند: خدیجه، دختر خویلد؛ و فاطمه، دختر محمد؛ و مریم، دختر عمران؛ و آسیه، دختر مُزاحِم، زن فرعون.

۱- . الانوار الساطعه، ص ۱۷.

۲- . الخصال، ج ۱، ص ۲۰۵.

همچنین فرمودند:

خَيْرُ نِساءِ الْجَنَّهِ خَديجهُ بِنتُ خُوَيْلِد؛(۱) بهترین زنان بهشت، خدیجه، دختر خویلد است.

۵. از بهترین زنان جهان

حضرت علی علیه السلام می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفاكِ وَ طَهَّرَكِ»(۲) را قرائت نمود و به من فرمود:

يَا عَلِيُّ خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَهُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِيَهُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ؛(۳) ای علی! بهترین زنان عالم چهار نفر می باشند: مریم، دختر عمران؛ خدیجه، دختر خویلد؛ فاطمه، دختر محمّد صلی الله علیه و آله؛ و آسیه، دختر مزاحم.

شیعه و سنی نظیر این روایت را با عبارات مشابه و به طرق مختلف روایت کرده اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

أَرْبَعُ نِسوَهٍ سَيِّداتُ عالَمِهُنَّ: مَريمُ بِنتُ عِمران، وَ آسِيَهُ بنتُ مُزاحِم؛ وَ خَديجَهُ بِنتُ خُوَيْلِد، وَ فاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّدٍ، وَ أَفضَلُهُنَّ عالَماً فاطِمَهُ؛(۴) چهار

۱- . الطرائف، ترجمه داود إلهامی، ص ۴۴۱، به نقل از: متقی هندی، ج ۱۲، ص ۳۴۴۰۵.

۲- . «خداوند تو را انتخاب و تطهیر نمود.». سوره آل عمران، آیه ۴۲.

۳- . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۶.

۴- . کنز العمّال، ج ۱۳، ص ۱۲۸، ح ۷۱۶؛ الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۲۳.

زن سرور زنان جهان خویش انـد: مریم، دختر عمران؛ و آسـیه، دختر مزاحم؛ و خدیجه، دختر خویلد؛ و فاطمه، دختر محمد؛ و برترین جهان آن ها فاطمه است.

و نیز فرمودند:

حَسْبُکَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ أَرْبَعٌ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِیَهُ بِنْتِ مُزَاحِمٍ وَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛(۱) در میان بانوان جهان، (در فضیلت و کمال)، مریم بنت عمران، و خدیجه بنت خویلد، و آسیه بنت مزاحم، و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله تو را کافی است.

نزول مائده آسمانی

برای حضـرت خدیجه علیها السـلام مانند حضـرت مریم علیها السـلام مائده آسـمانی نازل می شد. مسـلم در «صـحیح» خود از ابوهریره روایت کرده است که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و ظرفی از بهشت آورد که در آن

طعام و شراب بهشتی بود.

گفت: «ای رسول خدا، این مائده از آنِ خدیجه است. از طرف پروردگارش و من به او سـلام برسان و به او مژده بده به قصری در بهشت که در آن سر و صدا و مشقتی نیست.»(۲)

گریه رسول خدا صلی الله علیه و آله به یاد خدیجه علیها السلام

در اوایل سال دوم هجری در آستانه ازدواج پرمیمنت حضرت زهرا علیها السلام با

۱- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۴۵۰.

۲- . صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۷۰.

حضـرت علی علیه السـلام روزی عقیل نزد برادرش علی علیه السـلام آمـد و عرض کرد: «ای برادر من، در مورد هیـچ چیز آن قـدر شاد نمی شوم که از عروسـی شـما با فاطمه دختر پیامبر شاد می گردم. چرا برای آن اقدامی نمی کنی تا چشـمم به میمنت این ازدواج روشن گردد.»

علی علیه السـلام فرمود: «دوست دارم این کار به زودی انجام شود، ولی شـرم می کنم خودم مسـتقیم موضوع را با رسول خـدا صلی الله علیه و آله مطرح کنم.» عقیل عرض کرد: «تو را سوگند می دهم که برخیز با هم به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله برویم تا در باره آن صحبت کنیم.»

علی علیه السـلام بـا برادرش عقیل به قصـد ملاقات با رسول خـد صـلی الله علیه و آله حرکـت کردنـد. در مسـیر با ام ایمن کنیز آزاد شده پیامبر صلی الله

علیه و آله رو به رو شدنـد و مـاجرا را به او گفتنـد. ام ایمن به آن هـا گفت: «این کار را به ما زنان واگذاریـد تا با رسول خـدا صحبت کنیم؛ زیرا سخن زنان در این بخش اثربخش تر است.»

آن گاه ام ایمن نزد ام سـلمه یکی از همسـران پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و ماجرا را به او گفت و سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را آگـاه کرد. همه آن هـا در یک خانه در محضـر رسول خـدا صـلی الله علیه و آله گرد آمدنـد و به اتفاق چنین عرض کردند:

فَدَيْنَاكَ بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدِ اجْتَمَعْنَا لِأَمْرٍ لَوْ أَنَّ خَدِيجَةَ فِي الْأَحْيَاءِ لَقَرَّتْ بِذَلِكَ عَيْنُهَا؛ پدران و مادران ما به فدایت یا رسول الله! برای صـحبت کردن پیرامون موضوعی جمع شده ایم که اگر خدیجه در میان ما بود چشـمش برای آن روشن می شد.

ام سلمه می گوید: تا این سخن را گفتیم و نام خدیجه علیها السلام را به میان

آوردیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست و آن گاه فرمود:

خَدِیجَهُ وَ أَیْنَ مِثْلُ خَدِیجَهَ صَدَّقَتْنِی حِینَ کَذَّبَنِی النَّاسُ وَ وَازَرَتْنِی عَلَی دِینِ اللَّهِ وَ أَعَانَتْنِی عَلَیْهِ بِمَا لِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِی أَنْ أُبَشِّرَ خَدِیجَهَ بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّهِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرُّدِ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب؛ خدیجه! و کجاست مثل خدیجه؟ در آن هنگام که مردم مرا تکذیب می کردند، او مرا تصدیق می کرد. و او برای دین خدا با من همکاری و همیاری نمود با ثروت خود مرا برای پیشبرد دین کمک کرد.

خداوند عز و جل به من فرمان داد که خدیجه را به داشتن خانه ای از زمرّد در بهشت که رنج و ناآرامی در آن نیست مژده دهم.

ام سلمه می گوید: «عرض کردیم: پدران و مادران ما به فدایت ای رسول خدا! آنچه در مورد خدیجه می فرمایی درست است، ولی او در آغوش رحمت و برکات الهی قرار گرفته است. خداوند نیز ما را در درجات بهشت و رضوانش در کنار او قرار دهد!

اینک برای موضوع عروسی علی و فاطمه در اینجا اجتماع کرده ایم تا دستور بفرمایی به آن اقدام کنیم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله ام ایمن و دیگر زنان را طلبید و به آنان دستورهایی داد و مراسم عروسی را بر قرار نمود و حضرت زهرا علیها السلام را به خانه حضرت علی علیه السلام بردند.(۱)

۱- . بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۰.

خدیجه علیها السلام از زنان کامل

همچنین فرمودند:

کَمُلَ مِنَ الرِّجالِ کَثیرٌ وَ لَمْ یَکْمُلْ مِنَ النِّساءِ الّا اَربَعَهٌ آسیهُ بِنْتُ مُزاحِم امرأهُ فِرعَون وَ مَریَمُ بنتُ عِمرانَ وَ خَدیجَهُ بنتُ خُوَیلِد وَ فاطِمَهُ بنتُ مُحمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلیهِ وَ آلِهِ؛(۱) از مردان، بسیاری به

حد کمال رسیدند و از میان زنان به کمال نایل نیامدند، مگر آسیه، دختر مُزاحِم، همسر فرعون؛ و مریم، دختر عمران؛ و خدیجه، دختر خویلد؛ و فاطمه، دختر محمد صلی الله علیه و آله

در بررسی زندگی درخشان این چهار بانو به یکی از رازهای اصلی و مهم برتر بودن آن ها پی می بریم و آن حمایت از رهبر الهی است.

آن ها در ارتباط با رهبری الهی نهایت سعی و فداکاری و ایثار را نمودند؛ آسیه در رابطه با موسی علیه السلام، مریم در رابطه با عیسی علیه السلام، خدیجه در رابطه با محمد صلی الله علیه و آله، و فاطمه علیها السلام در رابطه با علی علیه السلام.

این حمایت و فداکاری تا آنجا پیش رفت که هر چهار نفر برای استواری رهبر الهی از جان مایه گذاردند. آسیه و فاطمه علیها السلام آشکارا به شهادت رسیدند و شهادت مریم و خدیجه علیهما السلام تدریجی و پس از محنت های بسیار بود.

۱- . تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۹۸.

ستایش خدیجه علیها السلام

مقام خدیجه علیها السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آن قدر ارجمند است که حتی عایشه نمی تواند از بیان آن خودداری کند. می گوید:

كَانَ رَسولُ اللهِ صلی الله علیه و آله لا يَكادُ يَخْرُجُ مِنَ البَيتِ حَتى يَذْكُرَ خَدِيجَةَ فَيُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَيْهَا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون نمی آمد، مگر این که خدیجه را یاد می کرد و او

را می ستود.

عایشه می گوید: بر هیچ یک از زنان پیغمبر به اندازه خدیجه حسد نورزیدم، با این که وی را ندیده بودم؛ زیرا پیامبر او را بسیار یاد می کرد. (۱)

سرور زنان اهل بهشت

رسول خدا صلی الله علیه و آله در معرفی امام حسن و امام حسین علیهما السلام از خدیجه علیها السلام به عنوان برترین مادر بزرگ و سرور زنان اهل بهشت یاد کرد و فرمود:

يَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَ لَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّةً؛ ای مردم! می خواهید شما را به بهترین افراد بشر از نظر جد و جده راهنمائی کنم؟

گفتند: بلی، ای رسول خدا. فرمود:

الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ جَدَّتُهُمَا خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّه؛(۲) همین حسن و حسین اند که جد

۱- . الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۲۳؛ اسدالغابه ، ج ۴، ص ۴۳۸.

۲- . الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۹۲.

آن ها رسول خدا سرور پیامبران و جده آن ها خدیجه، دختر خویلد، سرور زنان اهل بهشت است.

خدیجه علیها السلام از برگزیدگان

پیامبر صلی الله علیه و آله به عایشه که در حال برتری جویی به فاطمه

علیها السلام بود فرمود:

أَ وَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفی آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ وَ عَلِيّاً وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمْزَةَ وَ جَعْفَراً وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعالَمِينَ؛(۱) آیا نمی دانی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه را بر جهانیان برگزید.

همچنین فرمودند:

إن اللَه اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعاً مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ وَ فَاطِمَه؛(۲) خداوند از زن ها چهار زن را برگزید: مریم و آسیه و خدیجه و فاطمه.

از پیشی گیرندگان و مقربان

ابوحمزه از امام باقر علیه السلام از پدرش علی بن حسین علیهما السلام از جابر بن عبد الله انصاری روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در توضیح و تبیین آیه کریمه «وَ مِزاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ»(۳) فرمود:

۱- . تفسیر فرات الکوفی، ص ۸۰؛ بحارالانوار ، ج ۳۷، ص ۶۳.

۲- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲.

۳- . سوره مطففین، آیه ۲۷.

هُوَ أَشْرَفُ شَرَابِ الْجَنَّهِ یَشْرَبُهُ آلُ مُحَمَّدٍ، وَ هُمُ الْمُقَرَّبُونَ السَّابِقُونَ: رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ خدِیجَهُ وَ ذُرِّیَّتُهُمُ الَّذِینَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِیمَانٍ؛(۱) یعنی شرابی گوارا که بهترین نوشیدنی و

شراب در بهشت است، که آل محمد صلی الله علیه و آله از آن می نوشند. و آنان از مقرّبان پیشی گیرنده هستند که شامل رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و ذریّه آنان که در ایمان و عمل به نبی صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام اقتدا کردند می باشند.

اشتیاق بهشت به خدیجه علیها السلام

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند:

اشْتَاقَتِ الْجَنَّهُ إِلَی أَرْبَعٍ مِنَ النِّسَاءِ مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ آسِیَهَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ زَوْجَهِ فِرْعَوْنَ وَ هِیَ زَوْجَهُ النَّبِیِّ فِی الْجَنَّهِ وَ خَدِیجَهَ بِنْتِ خُوَیْلِدٍ زَوْجَهِ النَّبِیِّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ فَاطِمَهَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ؛(۲) بهشت مشتاق چهار کس از زنان است: مریم، بنت عمران؛ و آسیه، بنت مزاحم، زن فرعون؛ و او همسر پیامبر در بهشت خواهد بود؛ و خدیجه، بنت خویلد، همسر پیامبر در دنیا و آخرت؛ و فاطمه، بنت محمد صلی الله علیه و آله.

خدیجه علیها السلام از افتخارات امیرالمؤمنین علیه السلام

رسول خدا صلی الله علیه و آله در شمار افتخارات امیرالمؤمنین علیه السلام یکی را هم این دانستند که علی علیه السلام مادر زنی همچون خدیجه علیها السلام دارد. فرمودند:

۱- . شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲- . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۱، ص ۴۶۶؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

أَعْطَى اللَّهُ عَلِيّاً سِتّاً لَمْ تَكُنْ لِي وَ لَا لِلنَّبِيِّينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ حَمْوُهُ مِثْلِي وَ لَيْسَ لِي حَمْوٌ مِثْلُهُ وَ حَمَاتُهُ مِثْلُ خَدِيجَهُ الْكُبْرَى وَ لَيْسَتْ لِي حَمَاهٌ مِثْلُهَا وَ زَوْجَتُهُ مِثْلُ فَاطِمَهَ وَ لَيْسَتْ لِي زَوْجَهٌ مِثْلُهَا وَ وَلَدَاهُ مِثْلُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ لَيْسَ لِي وَلَدَانِ مِثْلُهُمَا وَ وِلَادَتُهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ أَنَا وُلِدْتُ فِي دَارِ جَدِّي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ؛(۱) خداوند شش ویژگی به علی عطا کرده است که من و هیچ یک از پیامبران گذشته آن ها را نداریم.

۱. پدر زنی مثل من دارد و من چنین پدر زنی ندارم.

۲. مادر زنی مثل خدیجه کبری دارد، و من چنین مادر زنی ندارم.

۳. همسری مثل فاطمه دارد که من همانند او را ندارم.

۴ و ۵. دو فرزند مثل حسن و حسین دارد که من فرزندی همانند آن دو ندارم.

۶. ولادت او در بیت الله الحرام بود و ولادت من در خانه جدم عبدالمطلب.

خدیجه علیها السلام مادر امامت

یکی از ویژگی های پیامبران و امامان، داشتن پدر و مادری مؤمن و مطهر و پاک از شرک و بت پرستی است. آنان همواره در دامان مادرانی پاک و پرهیزگار متولد و تربیت شده اند. روایات ما نیز بر این اصل تأکید کرده است.

از این رو در زیارتنامه هایشان می خوانیم:

۱- . بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، ص ۱۹۰.

أَشْـهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلَابِ الشَّامِخَهِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاهِلِیَّهُ بِأَنْجَاسِهَا؛(۱) گواهی می دهم که تو نوری بودی در پشت های بسیار والا و ارحام پاک که به پلیدی های دوران جاهلیت نیالوده است!

خـدیجه علیها السـلام مادر فاطمه علیها السـلام و فاطمه مادر تمام امامان بعد از امیر مؤمنان علیه السـلام است. بنابراین، خدیجه علیها السلام باید از ایمان و تقوا و پاکی والایی برخوردار باشد تا خداوند شایستگی داشتن فرزندی چون فاطمه علیها السلام را به او عطا کند.

خدیجه علیها السـلام حتی پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به یگانگی خدا ایمان داشت و با داشتن ثروت و موقعیت و حسن ظـاهر هرگز دچـار لغزش و خطا نشـد؛ به گونه ای که در عصـر جاهلیت به ایشان لقب «طاهره» دادنـد؛ لقبی که در آن روزگار نشان از پاکی و پرهیزکاری او دارد.

آن گـاه که عایشه بر حضـرت خـدیجه علیها السـلام فخرفروشـی می کرد و موجب ناراحتی فاطمه علیها السـلام را فراهم کرده بود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رو به فاطمه کردند و فرمودند:

إِنَّ بَطْنَ أُمِّکِ کَانَ لِلْإِمَامَهِ وِعَاءً؛(۲) درون مادر تو این لیاقت و

شایستگی را داشت که فرزندی در خود پرورش دهد که امامان و رهبران این امّت از او به وجود آیند.

ص: ۱۸۸

۱- . مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۷۲۱.

۲- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۳، ص ۳۳۵؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۳.

صدّیقه امت

واژه صدّیقه در قرآن تنها یک بار به کار رفته است و آن هم برای حضرت مریم علیها السلام.

مَا الْمَسِیحُ ابْنُ مَرْیَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّیقَه؛(۱) مسیح فرزند مریم، فقط فرستاده خدا بود؛ پیش از وی نیز فرستادگان دیگری بودند، و مادرش صدیقه و زنی بسیار راستگو بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی حضرت خدیجه علیها السلام خطاب به جبرئیل فرمود: «هذِهِ صِدّیقَهُ اُمَّتی؛ این صدیقه امت من است!»(۲)

همان گونه که امت پیامبر اسلام بر سایر امت ها برتری دارد، صدیقه این امت هم بر سایر امت ها برتری دارد.

ایمان خدیجه علیها السلام

بنابر گفته راویان حدیث و تاریخ نگاران حضرت خدیجه علیها السلام نخستین زنی است که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله شرایط اصولی و ارکان اسلام را بر اساس تعلیم جبرئیل به خدیجه علیها السلام و

علی علیه السلام آموخت و آن ها بر آن شهادت دادند.

پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام فرمود: آیا شروطی را که خداوند برای اسلام خواهی تو نهاده است دریافتی؟ خدیجه علیها السلام گفت:

۱- . سوره مائده، آیه ۸.

۲- . البدایه و النهایه، ج ۲، ص ۶۲.

نَعَمْ وَ آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِیتُ وَ سَلَّمْت؛(۱) آری، و ایمان آوردم و تصدیق کردم و راضی و تسلیم شدم.

شواهد دیگری نیز ایمان خدیجه علیها السلام و کوشش او را برای برپایی دین، تصدیق می کنند؛ چنان که پیش از اعلام دعوت رسمی در ایام حج، و آن گاه که امکان نداشت علناً به عبادت بپردازند، در کنار محمد صلی الله علیه و آله و به همراه علی علیه السلام در کنار کعبه به عبادت بر می خاست.(۲)

گفته اند که غیر از ایام حج، پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام پنهانی خدا را می پرستیدند.(۳)

افتخار به خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام ام الائمه علیهم السلام بودند. از این رو فرزندانشان در طول تارخ به ایشان افتخار می کردند و نام ایشان را با کمال احترام و اکرام و افتخار یاد می نمودند.

این بزرگواران در مواقع مختلف برای معرفی خود، و یا در مقام احتجاج با دشمنان و منکران – چنان که در احتجاج امام حسن علیه السلام با معاویه گذشت – انتساب خود را به حضرت خدیجه کبری علیها السلام اعلام می کردند و به آن افتخار می نمودند.

فاطمه زهرا علیها السلام نیز به مادر خود افتخار می کند و می گوید:

ص: ۱۹۰

۱- . بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳.
۲- . الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۱۷ و ۱۸.
۳- . کمال الدین، ص ۳۴۴.

أَنَا ابْنَهُ خَدِیجَهَ الْکَبْرَی؛(۱)من دختر خدیجه والا مقام هستم!

محمّد بن حنفیه نقل کرده است که حسن بن علی علیهما السلام در باره آیه «فِی أَیِّ صُورَهٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ»(۲) فرمود:

صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی ظَهْرِ أَبِی طَالِبٍ عَلَی صُورَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَکَانَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَانَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَهَ وَ کُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِیجَهَ الْکُبْرَی؛(۳) خداوند علی بن ابی طالب را در نهاد ابو طالب پدرش به صورت حضرت محمّد صلی الله علیه و آله ترکیب نمود؛ به همین جهت آن جناب از همه بیشتر شباهت به پیامبر داشت. و حضرت حسین علیه السلام از همه شبیه تر به فاطمه علیها السلام بود و من از همه شبیه تر به خدیجه کبری هستم.

و امام حسن علیه السلام در زیبایی ظاهری در میان بنی هاشم ضرب المثل بود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای معرفی امام حسین علیه السلام به مردم فرمودند:

أَیُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ خَیْرُ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّهً جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ جَدَّتُهُ خَدِیجَهُ سَابِقَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ إِلَی الْإِیمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِه؛(۴) ای مردم، این حسین بن علی است؛ برترین مردم از نظر جد و جده است؛ جد او رسول خدا سرور فرزندان آدم است و جده اش خدیجه سبقت گیرنده زنان جهانیان به ایمان به خدا و رسول اوست!

۱- . الفضائل (لابن شاذان القمی)، ص ۸۰.

۲- . «به هر صورت که بخواهد تو را ترکیب می کند.» سوره انفطار، آیه ۸.

۳- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۴، ص ۲؛ بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۱۶.

۴- . الطرائف، ج ۱، ص ۱۱۹؛ بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را به عنوان نخستین زنی که به خدا و رسولش ایمان آورده است موجب افتخار برای اهل بیت علیهم السلام می داند.

یاد و نام خدیجه علیها السلام در کربلا

چنان که گذشت امام حسین علیه السلام هنگامی که در صحنه کربلا شدت عطش بر وجود مقدسش غالب شد، بر شمشیر خود تکیه زد و با صدای بلند نیاکان خود را بر شمرد و خود را به حضرت خدیجه علیها

السلام منتسب کرد و فرمود: «آیا نمی دانید که جده من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که مسلمان شد؟!»(۱)

حضرت زینب علیها السلام نیز در کربلا در روز یازدهم محرم هنگامی که در کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمد، از سوز دل نیکانش را صدا زد و سخنان جانسوزی گفت. از جمله فریاد برآورد: «بِاَبی خَدیجَةَ الْکُبری؛ پدرم فدای خدیجه آن بانوی بزرگ باد!»(۲)

امام سجاد علیه السلام نیز همین سیره و سنت را در مجلس شام و مقابل یزید و شامیان پیروی کرد و برای معرفی خود و اهل بیت علیهم السلام به شامیان در خواب خفته، خطبه ای خواند و فرمود:

یَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنِی فَأَنَا أُعَرِّفُهُ

۱- . روضه الواعظین، ص ۱۸۶.
۲- . بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۹.

نَفْسِي؛ ای مردم! هرکس مرا می شناسد که می شناسد، و هرکس مرا نمی شناسد، من خود را معرفی می کنم.

... أَنَا ابْنُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى أَنَا ابْنُ الْمَقْتُولِ ظُلْماً أَنَا ابْنُ الْمَجْزُوزِ الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا؛(۱) من پسر فاطمه زهرایم، من پسر خدیجه کبرایم، من پسر کسی هستم که به ظلم کشته شد و سرش از قفا جدا شد!

درود بر خدیجه علیها السلام

امام سجاد علیه السلام نیز در یکی از دعاهای خویش خدیجه کبری علیها السلام را در ردیف چهارده معصوم علیهم السلام که سرور آفریدگان جهان اند، یاد می کند و بر آن حضرت دورد می فرستد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى وَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ!

آن گاه می گوید:

ص: ۱۹۳

۱- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۴، ص ۱۶۸.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُم؛(۱) خداوندا، دوست بدار هرکه آنان را دوست مي دارد، و دشمن بدار هرکس را که با آنان دشمنی می کند، و یاری کن هرکس را که آنان را یاری می کند، و خوار کن هرکس را که آنان را خوار می کند، و لعنت کن هرکس که به آنان ظلم می کند!

صلوات امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در صلواتی ویژه با ذکر نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و مادرش خدیجه کبری علیها السلام بر آنان درود می فرستد و می گوید:

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَئِمَّهِ الْهُدَى وَ حَلِيلَهَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ الْكَرِيمَهَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا خَدِيجَهَ الْكُبْرَى صَلَاهً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ تُقِرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَهِ أَفْضَلَ التَّحِيَّهِ وَ السَّلَام؛(۲) خداوندا، همچنان که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب لواء(علی علیه السلام)، و بزرگوار در نزد ملأ اعلی(ملائکه الله) مقرر داشتی، پس بر او و برمادرش خدیجه کبری درود فرست؛ درودی که به وسیله آن محمد صلی الله علیه و آله را کرامت و آبروی افزون دهی و درود و صلواتی که چشم های ذریه او را روشن گردانی! و برسان به آنان از طرف من در این وقت بهترین درود و سلام را.»

در این صلوات بر مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام نیز تاکید شده است.

۱- . مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۱۶.

۲- . بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۷۴.

کجاست پسر خدیجه والامقام؟

در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده است،

در فرازی با توجه به حضرت ولی عصر علیه السلام چنین می خوانیم:

أَیْنَ ابْنُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفی، وَ ابْنُ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی، وَ ابْنُ خَدِیجَهَ الْغَرَّاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَهَ الْکُبْرَی؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده، کجاست پسر علی مرتضی، کجاست پسر خدیجه والامقام، کجاست پسر فاطمه کبری!

واژه «غراء» به معنای شامخ و ارجمند است که در اینجا به عنوان صفت برای خدیجه علیها السلام ذکر شده است.

قابل توجه است که در این دعا که یاد آور نسب امام زمان علیه السلام است، حضرت خدیجه علیها السلام در ردیف پیامبر و امیرالمؤمنین و فاطمه زهرا علیهم السلام قرار گرفته است. و این نشان از مقام شامخ آن حضرت دارد.

در بیان حضرت ابوطالب علیه السلام

حضرت ابوطالب علیه السلام بزرگ بطحا و سرزمین حجاز است. با حضرت خدیجه علیها السلام هم عصر بوده و به خصوصیات و ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام کاملاً واقف است. وی در آن دوران که جاهلیت و فساد به اوج خود رسیده است، در توصیف حضرت خدیجه علیها السلام می فرماید:

خَدیجَهُ امْرَأَهٌ کامِلَهٌ مَیمُونَهٌ فاضِلَهٌ تَخشی العارَ وَ تحَذَرُ الشِّنارَ؛(۱) خدیجه

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۵۶.

زنی کامل و مبارک و ارجمند است. از ننگ می هراسد و از بی آبرویی پروا می کند.

او در خواستگاری از خدیجه علیها السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت:

أنَّ ابنَ أَخينا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ خاطَبَ كَريمَتَكُمُ المَوصُوفَهَ بالسَّخاءِ وَ العِفَّهِ وَ هِيَ فَتاتُكُمُ الْمَعرُوفَهُ الْمَذكورُ فَضْلُها الشّامِخُ؛(۱) پسر برادر ما محمد بن عبد الله از من بانوی ارجمند شما که به سخاوتمندی و پاکدامنی موصوف، و به فضائل والا معروف است، خواستگاری می کند.

اولیّات حضرت خدیجه علیها السلام

بنا بر آنچه گذشت حضرت خدیجه علیها السلام در برخی از امور از همه زنان پیشی گر فته است و نامش در نخستین زن در آن امور ثبت شده است که به برخی از آن ها می پردازیم.

۱. خدیجه علیها السلام نخستین بانویی است که افتخار همسری پیامبر صلی الله علیه و آله نصیبش شد.

۲. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانویی است که به رسالت پیامبر

صلی الله علیه و آله ایمان آورد و نام خود را با خطوطی زرین بر تارک صفحات تاریخ ثبت کرد.

۳. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانوی نمازگزاری است که سال ها تنها او و حضرت علی علیه السلام در کنار کعبه با پیامبر صلی الله علیه و آله نماز بر پا داشتند، و بعدها جعفر طیار نیز به آنان پیوست.

۱- . بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۶۹.

۴. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانویی است که به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام ایمان آورد و با آن حضرت بیعت کرد.(۱)

به همراه فاطمه علیها السلام به سوی بهشت

امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمودند: «هنگامی که روز قیامت فرا برسد، برای رسولان و پیامبران منبرهایی از نور نصب می شود. و منبر من در قیامت بلندترین منبرهاست.

همچنین برای اوصیا منبرهایی از نور نصب می شود. در این میان منبر علی از همه ارجمندتر است. همچنین برای فرزندان پیامبران منبرهایی از نور نصب می شود که منبر امام حسن و امام حسین از همه آن ها با شکوه تر است. آن گاه من وعلی و حسن و حسین به فرمان خدا خطبه میِ خوانیم.

سپس منادی خدا، جبرئیل فریاد می زند: کجاست فاطمه، دختر محمد؟ کجاست خدیجه، دختر خویلد، کجاست مریم، دختر عمران، کجاست آسیه،

دختر مُزاحِم، کجاست ام کلثوم، مادر یحیی بن زکریا؟

همه بر می خیزند. آن گاه خدوند خطاب به مردم می فرماید: ای مردم محشر! بزرگی مقام و بزرگواری از آن کیست؟

پیامبر و علی و حسن و حسین می گویند: از آن خدای یکتا و تواناست. خداوند می فرماید: ای مردم محشر! من مقام ارجمندی را برای محمد و علی

۱- . بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۳۳.

و حسن و حسین وفاطمه قرار دادم. سرها را در گریبان کنید و چشم ها را فرو خوابانید که اینک این فاطمه است که سوی بهشت می رود.

در آن حال فاطمه بر شتری سوار است که صد هزار فرشته در جانب راستش و صد هزار فرشته در جانب چپش قرار دارند و صد هزار فرشته پرهای خود را زیر پای آن شتر قرار داده اند تا آن حضرت را به درگاه بهشت برسانند....(۱) در روایت آمده است:

أَنَّ آسِیَه بِنْتَ مُزَاحِمٍ وَ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ خَدِیجَهَ یَمْشِینَ أَمَامَ فَاطِمَهَ کَالْحِجَابِ لَهَا إِلَی الْجَنَّهِ؛(۲)(آن هنگام که فاطمه علیها السلام به سوی بهشت می رود،) آسیه، دختر مزاحِم، و مریم، دختر عمران، و خدیجه، در مقابل او و در کنار یکدیگر همانند پوششی برای او، وی را به سوی بهشت همراهی می کنند.

شأن نزول برخی از آیات در باره خدیجه علیها السلام

آنچه مسلم است این است که خدیجه علیها السلام با سابقه ترین زن مسلمان و در میان همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از بیشترین فضیلت برخوردار بوده است.

از این رو همه آیاتی را که از مؤمنان و جایگاه آنان نزد خدا و فرجام نیکوی آنان سخن می گوید، می توان بر حضرت خدیجه علیها السلام تطبیق کرد و وی را مصداقی از آن ها دانست، چه راویان احادیث شأن نزول آیات قرآن و مفسران نخستین گزارشی در این زمینه ثبت کرده باشند، یا نه.

۱- .بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۴ و ۶۵، با تلخیص.

۲- . مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، ج ۳، ص ۳۲۳؛ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۷.

چنان که «مقربون» را در تفسیر آیات «وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أولئِکَ الْمُقَرَّبُون»(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله ، خدیجه علیها السلام و علی بن ابی طالب علیه السلام و ذریه شان که به ایشان می پیوندند دانسته اند.(۲)

همچنین در تفسیر آیه مکی «وَ ما یَسْتَوِی الْأَحْیاءُ وَ لاَ الْأَمْوات»(۳) نیز خدیجه علیها السلام را از مصادیق «احیاء» دانسته اند.(۴)

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام در باره شأن نزول آیه «وَ الَّذینَ یَقُولُونَ رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّیّاتِنا قُرَّهَ أَعْیُنٍ وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً»(۵) پرسید. آن حضرت فرمود: ما اهل بیت هستیم.

از دیگران نیز روایت کرده اند که مراد از «ازواجنا» حضرت خدیجه علیها السلام است و مراد از «ذریاتنا» حضرت فاطمه علیها السلام است و مراد از «قره اعین» امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند و مراد از «وَ اجْعَلْنا لِلْمُتَّقینَ إِماماً» علی بن ابی طالب است.(۶)

ابوسعید نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است که آن حضرت از جبرئیل در باره مصداق «ازواجنا» پرسید و جبرئیل در جواب از خدیجه علیها السلام نام برد.(۷)

ص: ۱۹۹

۱- . سوره واقعه، آیه ۱۰ و ۱۱

۲- . تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۱۲.

۳- . «و زندگان و مردگان یکسان نیستند.» سوره فاطر، آیه ۲۲.

۴- . شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۵۴.

۵- . «و کسانی اند که می گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنیِ چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.» سوره فرقان، آیه ۷۴.

۶- . تفسیر القمی، ج ۲، ۱۱۷.

۷- . تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۴.

فهرست آیات

ص: ۲۰۰

فهرست روايات

الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وُلْدِی سَیِّدُ الْأَسْبَاط؛ ۱۳۷

أَشْهَدُ أَنَّکَ کُنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلَابِ الشَّامِخَهِ وَ الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَهِ لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاهِلِیَّهُ بِأَنْجَاسِهَا؛ ۱۸۹

أَعْطَی اللَّهُ عَلِیّاً سِتّاً لَمْ تَکُنْ لِی وَ لَا لِلنَّبِیِّینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ حَمْوُهُ مِثْلِی وَ لَیْسَ لِی حَمْوٌ مِثْلُهُ وَ حَمَاتُهُ مِثْلُ خَدِیجَهُ الْکُبْرَی وَ لَیْسَتْ لِی حَمَاهٌ مِثْلُهَا وَ زَوْجَتُهُ مِثْلُ فَاطِمَهَ وَ لَیْسَتْ لِی زَوْجَهٌ مِثْلُهَا وَ وَلَدَاهُ مِثْلُ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ لَیْسَ لِی وَلَدَانِ مِثْلُهُمَا وَ وِلَادَتُهُ فِی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ أَنَا وُلِدْتُ فِی دَارِ جَدِّی عَبْدِ الْمُطَّلِب؛ ۱۸۸

أُعْطِیتَ صِهْراً مِثْلِی وَ أُعْطِیتَ مِثْلَ زَوْجَتِکَ وَ أُعْطِیتَ مِثْلَ وَلَدَیْکَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ؛ ۱۴۳

أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّهِ أَرْبَعٌ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِیَهُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ؛ ۱۷۹

أَفْضَلُکُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَقْدَمُکُمْ إِسْلَاماً وَ أَوْفَرُکُمْ إِیمَاناً؛ ۸۶

إِکْتَتَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِمَکَّهَ مُخْتَفِیاً خَائِفاً ثلاث سِنِینَ لَیْسَ یُظْهِرُ أَمْرَهُ وَ عَلِیٌّ علیه السلام إِکْتَتَمَ مَعَهُ وَ خَدِیجَهُ علیها السلام ثُمَّ أَمَرَهُ اللَّهُ أَنْ یَصْدَعَ بِمَا أُمِرَ بِهِ فَظَهَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَظْهَرَ أَمْرَه؛ ۱۱۴

إِلَی بَیْتِکَ فَبَیْتِی بَیْتُکَ وَ أَنَا جَارِیَتُکَ؛ ۶۰

أَنَّ آسِیَهَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ وَ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ خَدِیجَهَ یَمْشِینَ أَمَامَ فَاطِمَهَ کَالْحِجَابِ لَهَا إِلَی الْجَنَّهِ؛ ۱۹۹

إِنَّ ابْنَ أَخِی مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ لَا یُوزَنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَیْشٍ إِلَّا رَجَحَ وَ لَا یُقَاسُ بِأَحَدٍ مِنْهُمْ إِلَّا عَظُمَ عَنْهُ وَ إِنْ کَانَ فِی الْمَالِ قَلَّ فَإِنَّ الْمَالَ رِزْقٌ حَائِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ؛ ۵۵

أنَّ ابنَ أَخینا مُحَمَّدَ بنَ عَبدِ اللهِ خاطَبَ کَریمَتَکُمُ المَوصُوفَهَ بالسَّخاءِ وَ العِفَّهِ وَ هِیَ فَتاتُکُمُ الْمَعرُوفَهُ الْمَذکورُ فَضْلُها الشّامِخُ؛ ۱۹۷

إن اللَّه اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعاً مَرْیَمَ وَ آسِیَهَ وَ خَدِیجَهَ وَ فَاطِمَه؛ ۱۸۶

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ وَ عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ؛ ۱۷۶

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَی جَبْرَئِیلَ السَّلَامُ وَ عَلَیکَ یا رَسُولَ اللهِ السَّلَامُ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ وَ عَلی مَنْ سَمِعَ السَّلَامَ الاَّ الشَّیطان؛ ۱۹۹

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ؛ ۱۶۲

أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله تَزَوَّجَ بِهَا وَ کَانَتْ عَذْرَاءَ؛ ۶۹

إِنَّ بَطْنَ أُمِّکِ کَانَ لِلْإِمَامَهِ وِعَاءً؛ ۱۸۹

إِنَّ عَلِیّاً أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ هُوَ وَ خَدِیجَهُ أُمُّکِ؛ ۸۶

إِنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله لَمَّا دَعَا إِلَی الْإِیمَانِ بِاللَّهِ وَ التَّوْحِیدِ کُنَّا

أَهْلَ الْبَیْتِ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ صَدَّقَ بِمَا جَاءَ بِهِ فَلَبِثْنَا أَحْوَالًا مُجَرَّمَهً وَ مَا یَعْبُدُ اللَّهَ فِی رَبْعٍ سَاکِنٍ مِنَ الْعَرَبِ غَیْرُنَا؛ ۱۱۷

أَنَا ابْنُ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ أَنَا ابْنُ خَدِیجَهَ الْکُبْرَی أَنَا ابْنُ الْمَقْتُولِ ظُلْماً أَنَا ابْنُ الْمَجْزُوزِ

الرَّأْسِ مِنَ الْقَفَا؛ ۱۹۴

أَنَا ابْنَهُ خَدِيجَهَ الْكُبْرَى؛ ۱۹۲

أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّی فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؛ ۱۷۵

أَنْشُدُكُمُ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَ جَدَّتِی خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّهِ إِسْلَاماً؛ ۹۱،۱۷۵

إِنَّهَا كَانَتْ وَ كَانَتْ لِی مِنْهَا وَلَدٌ؛ ۱۷۱

إِنِّی قَدْ رُزِقْتُ حُبَّهَا؛ ۱۷۲

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنَ الرِّجَالِ عَلِیٌّ، وَ مِنَ النِّسَاءِ خَدِیجَه؛ ۸۴

أَیْنَ ابْنُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفَی، وَ ابْنُ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی، وَ ابْنُ خَدِیجَهَ الْغَرَّاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَهَ الْكُبْرَی؛ ۱۹۶

أَیُّهَا الذَّاكِرُ عَلِیّاً أَنَا الْحَسَنُ وَ أَبِی عَلِیٌّ وَ أَنْتَ مُعَاوِیَهُ وَ أَبُوکَ صَخْرٌ وَ أُمِّی فَاطِمَهُ وَ أُمُّکَ هِنْدٌ وَ جَدِّی رَسُولُ اللَّهِ وَ جَدُّکَ حَرْبٌ وَ جَدَّتِی خَدِیجَهُ وَ جَدَّتُکَ فُتَیْلَهُ فَلَعَنَ اللَّهُ أَخْمَلَنَا ذِکْراً وَ أَلْأَمَنَا حَسَباً وَ شَرَّنَا قِدَماً وَ أَقْدَمَنَا کُفْراً وَ نِفَاقاً؛ ۱۷۴

أَیُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ خَیْرُ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّهً جَدُّهُ رَسُولُ اللَّهِ

سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ جَدَّتُهُ خَدِیجَهُ سَابِقَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ إِلَی الْإِیمَانِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِه؛ ۱۹۲

بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی ارْكَب؛ ۱۲۰

بِأَبِی خَدیجَهَ الْكُبری؛ ۱۹۳

بِالرَّغْمِ مِنَّا مَا نَرَی بِكِ یَا خَدِیجَهُ فَإِذَا قَدِمْتِ عَلَی ضَرَائِرِكِ فَأَقْرِئیهِنَّ

السَّلَامَ؛ ۱۵۲

بِالْکُرْهِ مِنِّی مَا أَرَی مِنْکِ یَا خَدِیجَهُ وَ قَدْ یَجْعَلُ اللَّهُ فِی الْکُرْهِ خَیْراً کَثِیراً أَ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ قَدْ زَوَّجَنِی مَعَکِ فِی الْجَنَّهِ مَرْیَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ کُلْثُمَ أُخْتَ مُوسَی وَ آسِیَهَ امْرَأَهَ فِرْعَوْنَ؛ ۱۵۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا اللَّهُ یَا حَافَظُ یَا حَفِیظُ یَا رَقِیبُ؛ ۱۷۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ أَسْتَغِیثُ فَأَغِثْنِی وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَهَ عَیْنٍ أَبَداً وَ أَصْلِحْ لِی شَأْنِی کُلَّهُ؛ ۱۷۷

بَشِّرْ خَدِیجَهَ بِبَیْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب؛ ۱۶۸

بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَکِنْ دَرَّتْ عَلَیْهِ الدُّرَیْرَهُ فَبَکَیْتُ؛ ۱۴۰

تَدْمَعُ الْعَیْنُ وَ یَحْزَنُ الْقَلْبُ وَ لَا نَقُولُ مَا یُسْخِطُ الرَّبَّ؛ ۱۴۶

تَزَوَّجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِخَمْسَ عَشْرَهَ امْرَأَه... وَ أَفْضَلُهُنَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِد؛ ۱۷۸

ثُمَّ انَّهُ کانَ ابوطالبٍ وَ فاطمهُ بِنتُ اَسَدٍ رَبَّیا النَّبی وَ رَبَّی النَّبیُّ وَ خَدیجَهُ لِعَلیٍّ؛ ۱۰۰

حَاجَتِی أَنْ تَقْرَأَ عَلَی خَدِیجَهَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّی السَّلَامَ؛ ۱۷۶

حاشا وَ کلّا ما رَأَیْتُ مِنْکِ تَقصیراً فَقَدْ بَلَغْتِ جُهْدَکِ وَ تَعِبْتِ فی داری غایَهَ التَّعَبِ وَ لَقَدْ بَذَلْتِ أَمْوالَکِ وَ صَرَفْتِ فی سَبیلِ اللهِ جمَیعَ مالَکِ؛ ۱۵۳

حَسْبُکَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ أَرْبَعٌ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ آسِیَهُ بِنْتِ مُزَاحِمٍ وَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ وَ فَاطِمَهُ

بِنْتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛ ۱۸۱

الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ جَدُّهُمَا رَسُولُ اللَّهِ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَ جَدَّتُهُمَا خَدِيجَهُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ سَيِّدَهُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّه؛ ۱۸۵

الحَمدُ لِلِه ... وَ زَوَّجَنی خَدیجَهَ وَ کُنتُ لَها عاشِقاً؛ ۷۳

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا مِنْ زَرْعِ إِبْرَاهِيمَ وَ ذُرِّيَّهِ إِسْمَاعِيلَ وَ جَعَلَ لَنَا بَيْتاً مَحْجُوجاً وَ حَرَماً آمِناً يُجْبى إِلَيْهِ ثَمَراتُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ جَعَلَنَا الْحُكَّامَ عَلَى النَّاسِ فِی بَلَدِنَا الَّذِی نَحْنُ فِيهِ؛ ۵۵

خَديجَهُ امْرَأَهٌ کامِلَهٌ مَیمُونَهٌ فاضِلَهٌ تَخشی العارَ وَ تحَذَرُ الشّنارَ؛ ۱۹۶

خَدِيجَهُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَهَ صَدَّقَتْنِی حِينَ كَذَّبَنِی النَّاسُ وَ وَازَرَتْنِی عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ أَعَانَتْنِی عَلَيْهِ بِمَالِهَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِی أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَهَ بِبَيْتٍ فِی الْجَنَّهِ مِنْ قَصَبِ الزُّمُرُّدِ لَا صَخَبَ فِيهِ وَ لَا نَصَب؛ ۱۸۳

خَدِيجَهُ وَ أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجه؛ ۱۷۱

خَيْرُ نِساءِ الْجَنَّهِ خَديجهُ بِنتُ خُوَیْلِد؛ ۱۸۰

دَثِّرینی؛ ۸۱

رَبُّكَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُقْرِئَ فَاطِمَهَ السَّلَامَ، وَ تَقُولَ لَهَا إِنَّ أُمَّكِ فِی بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ، كِعَابُهُ مِنْ ذَهَبٍ، وَ عُمُدُهُ يَاقُوتٌ أَحْمَرُ، بَيْنَ آسِيَهَ وَ مَرْيَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ؛ ۱۶۲

سَعَدَتْ مَنْ تَكونُ لِمُحَمَّدٍ قَرينَهٌ؛ ۶۴

شُکْراً لِلْمُجیب؛ ۱۲۰

ص: ۲۰۶

صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلَى مَا قُلْتَ أَشْهِدُ اللَّهَ وَ أَشْهِدُکَ وَ کَفَی بِاللَّهِ شَهِیداً عَلِیماً؛ ٩٠

الصَّلَاهُ الَّتِی أَمَرَنِی اللَّهُ بِهَا؛ ٩٢

صَوَّرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی ظَهْرِ أَبِی طَالِبٍ عَلَی صُورَهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَکَانَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَانَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ أَشْبَهَ النَّاسِ بِفَاطِمَهَ وَ کُنْتُ أَنَا أَشْبَهَ النَّاسِ بِخَدِیجَهَ الْکُبْرَی؛ ١٩٢

فَإِنَّ فِطامَهُ فِی الْجَنَّهِ؛ ١۴٠

فَإِنّی قاصِرَهٌ فی حَقِّکَ فَاعْفُنی یا رَسُولَ اللهِ؛ ١۵٣

فَدَیْنَاکَ بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ قَدِ اجْتَمَعْنَا لِأَمْرٍ لَوْ أَنَّ خَدِیجَهَ فِی الْأَحْیَاءِ لَقَرَّتْ بِذَلِکَ عَیْنُهَا؛ ١٨٢

فَسَرَّتْ بِهِ سُروراً عظیما؛ ١۵۵

فُضِّلَتْ خَدیجَهُ عَلی نِساءِ اُمَّتی کَما فُضِّلَتْ مَریمُ عَلی نِساءِ العالَمینَ؛ ١٧٨

فَکَانَ أَبِی علیه السلام أَوَّلَ مَنِ اسْتَجَابَ لِلَّهِ تَعَالَی وَ لِرَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ أَوَّلَ مَنْ آمَنَ وَ صَدَّقَ اللَّهَ وَ رَسُولَه؛ ٨٧

فِی أَیِّ صُورَهٍ ما شاءَ رَکَّبَکَ؛ ١٩٢

قالَ جبرَئیلُ هذِهِ خَدیجَهُ فَاقْرَأْ عَلَیْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ مِنِّی وَ بَشِّرْهَا بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّه؛ ١٧۶

کانَ لَها مُحِبّاً وَ بها وامِقاً؛ ١۶٨

كَانَ رَسولُ اللهِ صلى الله علیه و آله لا یَکادُ یَخْرُجُ مِنَ البَیتِ حَتی یَذْکُرَ خَدِیجَه فَیُحْسِنُ الثَّنَاءَ عَلَیْهَا؛ ۱۸۵

کُلُّ بَنِی أُمٍّ یَنْتَمُونَ إِلَی عَصَبَتِهِمْ إِلَّا وُلْدَ فَاطِمَهَ فَإِنِّی أَنَا أَبُوهُمْ وَ عَصَبَتُهُم؛ ۱۴۱

کَمُلَ مِنَ الرِّجالِ کَثیرٌ وَ لَمْ یَکْمُلْ مِنَ النِّساءِ الّا اَربَعَهٌ آسیهُ بِنْتُ مُزاحِم امرأهُ فِرعَون وَ مَریَمُ بنتُ عِمرانَ وَ خَدیجَهُ بنتُ خُوَیلِد وَ فاطِمَهُ بنتُ مُحمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلیهِ وَ آلِهِ؛ ۱۸۴

کَیْفَ قُلْتِ وَ الله لَقَدْ آمَنَتْ بِی إِذْ کَفَرَ النَّاسُ وَ آوَتْنِی إِذْ رَفَضَنِی النَّاسُ وَ صَدَّقَتْنِی إِذْ کَذَّبَنِی النَّاسُ وَ رُزِقَتْ مِنِّی الْوَلَدَ حَیْثُ حُرِمْتُمُوهُ؛ ۸۲

لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله نَبِیّاً وَ عَلِیّاً علیه السلام وَصِیّاً فَلَوْ کَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَلَدٌ مِنْ بَعْدِهِ کَانَ

أَوْلَی بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ فَکَانَتْ لَا تَثْبُتُ وَصِیَّهُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِین؛ ۱۴۴

لَکَ مِثْلُ خَدِیجَهَ أُمِّ أَهْلِکَ وَ لَیْسَ لِی مِثْلُهَا حُمَاهً؛ ۱۰۱

لَوْ أَنَّ مَا بِی بِکَ یَا جَبَلُ لَهَدَّک؛ ۱۳۹

لَوْ بَقِیَ کَانَ عَلَی مِنْهَاجِ أَبِیه صلی الله علیه و آله؛ ۱۴۵

لَوْ لَا أَنَّهُ وَعْدٌ حَقٌّ وَ مَوْعُودٌ جَامِعٌ وَ أَنَّ الْآخِرَ تَابِعٌ لِلْأَوَّلِ لَوَجَدْنَا عَلَیْکَ یَا إِبْرَاهِیمُ أَفْضَلَ مِمَّا وَجَدْنَاهُ إِنَّا بِکَ لَمَحْزُونُونَ؛ ۱۴۶

اللَّهُ أَعَزُّ وَ أَکْرَمُ مِنْ أَنْ یَسْلُبَ عَبْداً ثَمَرَهَ فُؤَادِهِ فَیَصْبِرُ وَ یَحْتَسِبُ وَ یَحْمَدُ اللَّهَ ثُمَّ یُعَذِّبَهُ؛ ۱۴۰

اللَّهُمَّ إِنِّی أَوَّلُ مَنْ أَنَابَ وَ سَمِعَ وَ أَجابَ لَمْ یَسْبِقْنِی إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالصَّلَاه؛ ۸۷

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ خدِیجَهَ الْکُبْرَی وَ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَی وَ الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ بِکَرْبَلَاءَ وَ عَلَى عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ وَ جعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْکَاظِمِ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ التَّقِیِّ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِیِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَسْکَرِیِّ وَ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ بْنِ الْحَسَنِ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِین؛ ۱۹۴

اللَّهُمَّ فَرِّجْ هَمِّی وَ بَرِّدْ کَبِدِی بِخَلِیلِی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ؛ ۱۲۰

اللَّهُمَّ وَ کَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَئِمَّهِ الْهُدَی وَ حَلِیلَهَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ الْکَرِیمَهَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَی فَصَلِّ عَلَیْهَا وَ عَلَی أُمِّهَا خَدِیجَهَ الْکُبْرَی صَلَاهً تُکْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ تُقِرُّ بِهَا أَعْیُنَ ذُرِّیَّتِهَا وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّی فِی هَذِهِ السَّاعَهِ أَفْضَلَ التَّحِیَّهِ وَ السَّلَام؛ ۱۹۵

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُم؛ ۱۹۴

مَا أُوذِیَ نَبِیٌّ مِثْلَ مَا أُوذِیت؛ ۸۳

مَا غِرْتُ عَلَی أَحَدٍ مِنْ نِسَاءِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله مَا غِرْتُ عَلَی خَدِیجَهَ وَ مَا رَأَیْتُهَا قَطُّ وَ لَکِنْ کَانَ یُکْثِرُ ذِکْرَهَا فَرُبَّمَا قُلْتُ لَهُ کَأَنَّهُ لَمْ تَکُنْ فِی الدُّنْیَا امْرَأَهٌ إِلَّا

ص: ۲۰۹

خَدِیجَه؛ ۱۷۰

مَا نَفَعَنِی مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِی مَالُ خَدِیجَهَ؛ ۱۰۷

مَرْیَمُ ابْنَهُ عِمْرَانَ وَ کُلْثُمُ أُخْتُ مُوسَی وَ آسِیَهُ امْرَأَهُ فِرْعَوْنَ؛ ۱۵۳

نَعَمْ وَ آمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِیتُ وَ سَلَّمت؛ ۸۹، ۱۹۱

وَ اللَّهِ مَا أَعْلَمُ شَابّاً فِی الْعَرَبِ جَاءَ قَوْمَهُ بِأَفْضَلَ مِمَّا جِئْتُکُمْ بِهِ إِنِّی قَدْ جِئْتُکُمْ بِخَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ قَدْ أَمَرَنِی اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَنْ أَدْعُوَکُمْ فَأَیُّکُمْ یُؤَازِرُنِی عَلَی أَمْرِی عَلَی أَنْ یَکُونَ أَخِی وَ وَصِیِّی وَ خَلِیفَتِی فِیکُم؛

۱۱۵

وَ أَمَّا ابْنَتِی فَاطِمَهُ فَإِنَّهَا سَیِّدَهُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَ الْآخِرِینَ وَ هِیَ بَضْعَهٌ مِنِّی وَ هِیَ نُورُ عَیْنِی وَ هِیَ ثَمَرَهُ فُؤَادِی وَ هِیَ رُوحِیَ الَّتِی بَیْنَ جَنْبَیَّ؛ ۱۴۲

وَ أَیْنَ مِثْلُ خَدِیجَهَ صَدَّقَتْنِی حِینَ کَذَّبَنِی النَّاسُ وَ وَازَرَتْنِی عَلَی دِینِ اللَّهِ وَ أَعَانَتْنِی عَلَیْهِ بِمَالِهَا؛ ۱۰۷

وَ قَدْ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ؛ ۱۵۲

وَ کانَتْ تُدعی فی الجاهِلِیَّهِ بالطّاهِرَهِ لِشِدَّهِ عِفافِها وَ صیانَتِها؛ ۳۷

وَ کانتْ مِنْ أحْسَنِ النّساءِ جمالاً و أکْمَلُهُنَّ عَقْلاً وَ أتَمُهُنَّ رَأیاً؛ ۲۶

وَ کانتْ مِنْ أحْسَنِ النّساءِ جَمالاً؛ ۳۹

وَ کَانَ لَهَا مُحِبّاً وَ بِهَا وَامِقاً؛ ۷۳

وَ کَانَتْ خَدِیجَهُ امْرَأَهً حَازِمَهً لَبِیبَهً شَرِیفَهً وَ هِیَ یَوْمَئِذٍ أَوْسَطُ قُرَیْشٍ نَسَباً وَ أَعْظَمُهُمْ شَرَفاً وَ أَکْثَرُهُمْ مَالًا وَ کُلُّ قَوْمِهَا قَدْ کَانَ حَرِیصاً عَلَی ذَلِکَ لَوْ یَقْدِرُوا

أَمَانَتِکَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِکَ وَ صِدْقِ حَدِیثِکَ؛ ۵۰

یا أمَّاه، لا تَحْزَنی وَ لا تَرهَبی، فَإنَّ اللّهَ مَعَ أَبی؛ ۱۳۵

یَا جَبْرَئِیلُ هَلْ لَکَ مِنْ حَاجَهٍ؛ ۱۷۶

یَا خَدِیجَهُ ... فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیُبَاهِی بِکِ کِرَامَ مَلَائِکَتِهِ کُلَّ یَوْمٍ مِرَاراً؛ ۱۷۵

یَا خَدِیجَهُ أَ مَا تَرْضَیْنَ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ أَنْ تَجِی ءَ إِلَی بَابِ الْجَنَّهِ وَ هُوَ قَائِمٌ فَیَأْخُذَ بِیَدِکِ فَیُدْخِلَکِ الْجَنَّهَ وَ یُنْزِلَکِ أَفْضَلَهَا وَ ذَلِکَ لِکُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحْکَمُ وَ أَکْرَمُ أَنْ یَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمَرَهَ فُؤَادِهِ ثُمَّ یُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَداً؛ ۱۳۹

یا خَدیجَهُ أنتِ خَیرُاُمَّهاتِ المؤمِنینَ وَ أَفْضَلِهِنَّ؛ ۱۷۹

یَا خَدِیجَهُ هَذَا عَلِیٌّ مَوْلَاکِ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِی؛ ۹۰

یَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الَّذِی أَرَی بِکَ مِنَ الْکَآبَهِ وَ الْحُزْنِ مَا لَمْ أَرَهُ فِیکَ مُنْذُ صَحِبْتَنِی؛ ۱۱۹

یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ خَدِیجَهُ قَدْ أَتَتْ مَعَهَا إِنَاءٌ فِیهِ إِدَامٌ وَ طَعَامٌ أَوْ شَرَابٌ فَإِذَا هِیَ أَتَتْکَ فَاقْرَأْ عَلَیْهَا السَّلَامَ مِنْ رَبِّهَا وَ بَشِّرْهَا بِبَیْتٍ فِی الْجَنَّهِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِیهِ وَ لَا نَصَب؛ ۷۸

یَا عَلِیُّ إِنَّکَ أُعْطِیتَ ثَلَاثاً لَمْ یُعْطَهَا أَحَدٌ مِنْ قَبْلِکَ؛ ۱۴۳

یَا عَلِیُّ خَیْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ أَرْبَعٌ مَرْیَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ خَدِیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلِدٍ

وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ آسِیَهُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ؛ ۱۸۰

یَا عَمَّاهْ إِنَّکَ وَ إِنْ کُنْتَ أَوْلَی بِنَفْسِی مِنِّی فِی الشُّهُودِ فَلَسْتَ أَوْلَی بِی مِنْ نَفْسِی قَدْ

زَوَّجْتُکَ یَا مُحَمَّدُ نَفْسِی وَ الْمَهْرُ عَلَیَّ فِی مَالِی فَأْمُرْ عَمَّکَ فَلْیَنْحَرْ نَاقَةً فَلْیُولِمْ بِهَا وَ ادْخُلْ عَلَی أَهْلِك؛ ۵۸

یَا مَعْشَرَ النَّاسِ أَ لَا أَدُلُّکُمْ عَلَی خَیْرِ النَّاسِ جَدّاً وَ جَدَّةً؛ ۱۸۵

یَا مَعْشَرَ النَّاسِ فَمَنْ عَرَفَنِی فَقَدْ عَرَفَنِی وَ مَنْ لَمْ یَعْرِفْنِی فَأَنَا أُعَرِّفُهُ نَفْسِی؛ ۱۹۳

یَحْزُنُنِی غَیْبَهُ عَلِیٍّ؛ ۱۱۹

ص: ۲۱۳

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب / مسعودی، علی بن حسین، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۳. اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه/ فاکهی محمد بن اسحاق، دار خضر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۴. اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار / ازرقی، محمد بن عبد الله، مکتبه الثقافه، مکه، ۱۴۱۵ق.

۵. الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد / مفید، محمدبن محمد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۶. الاستغاثه فی بدع الثلاثه/ ابوالقاسم کوفی، علی بن احمد، مؤسسه الاعلمی، تهران،۱۳۷۳ ش.

۷. الاستیعاب فی معرفه الاصحاب/ ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله قرطبی، دارالجیل، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

۸. اسد الغابه فی معرفه الصحابه/ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، انتشارات اسماعلیان، تهران.

۹. اسلام و عقائد و آراء بشری، یا جاهلیت و اسلام/ نوری، یحیی،

ص: ۲۱۴

انتشارات نوید نور، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۱۰. الاصابه فی تمییز الصحابه/ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۱۱. اعلام الوری باعلام الهده / طبری، فضل بن حسن، اسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ق.

۱۲. اعیان الشیعه/ سید محسن امین، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ش.

۱۳. اقبال الاعمال/ ابن طاووس، علی بن موسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.

۱۴. الامالی للصدوق/ ابن بابویه، محمد بن علی، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.

۱۵. الامالی للطوسی/ طوسی، محمد بن الحسن، دارالثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۶. امتاع الاسماع/ مقریزی، احود بن علی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

۱۷. انساب الاشراف / احمد بن یحیی بن جابر البلاذری، دار الیقظه العربیه، دمشق، ۱۹۹۷ م.

۱۸. انساب الاشراف/ بلاذری، احمد بن یحیی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

۱۹. الانوار الساطعه من الغراء الطاهره/ سیلاوی، غالب، چاپخانه علمیه،۱۴۲۱ق.

۲۰. الانوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و آله/ بکری، ابو الحسن، احمد بن عبد الله، انتشارات ریف رضی، قم، ۱۴۱۱ق.

۲۱-بازپژوهی تاریخ ولادت و شهادت معصومان/ مقدسی، یدالله،

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم ۱۳۹۵ ش.

۲۲. بحارالانوار / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.

۲۳. البدایه و النهایه/ ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۲۴. بشاره المصطفی لشیعه المرتضی / عماد الدین طبری، کتابخانه حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۸۳ ق.

۲۵. تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک) / محمد بن جریر، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.

۲۶. تاریخ مدینه دمشق/ ابن عساکر، علی بن حسن، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق.

۲۷. تاریخ و آثار اسلامی مکه و مدینه / جعفریان، رسول، نشر مشعر، ۱۳۷۷ ش.

۲۸. تاریخ یعقوبی/ ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب اسحاق، المکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۴ ق.

۲۹. التبیان فی تفسیر القرآن/ الطوسی، شیخ الطائفه، ابی جعفر، محمد بن حسن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۳۰. تذکره الخواص فی خصائص الائمه/ سبط بن جوزی، شمس الدین یوسف بن قزاوغلی، شریف رضی، قم، ۱۴۱۸ ق.

۳۱. تصحیح اعتقادات الامامیه / مفید، محمد بن محمد، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۳۲. تفسیر الصافی / فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مکتبه الصدر،

.۱

تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

۳۳. تفسیر العیاشی / عیاشی، محمد بن مسعود، المطبعه العلمیه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ق.

۳۴. تفسیر القمی / علی بن ابراهیم، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

۳۵. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری علیه السلام / حسن بن علی علیه السلام، امام یازدهم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۳۶. تفسیر فرات الکوفی / کوفی، فرات بن ابراهیم، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۳۷. تنقیح المقال/ مامقانی، چاپ مرتضویه، نجف.

۳۸. جنه المأوی/ کاشف الغطاء، محمد حسین، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۰ ق.

۳۹. حضرت خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله / محمدی اشتهاردی، محمد، مؤسسه انتشارات نبوی، تهران، ۱۳۷۷ش.

۴۰. الخرائج و الجرائح / قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۴۱. الخصال / ابن بابویه، محمد بن علی، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.

۴۲. دانشنامه حضرت خدیجه علیها السلام/ جمعی از مؤلفان، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، قم، ۱۳۹۷ ش.

۴۳. الدر المنثور فی تفسیر المأثور / سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

۴۴. دلائل الامامه / طبری آملی صغیر، محمدبن جریر بن رستم، بعثت، قم،

ص: ۲۱۷

چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۴۵. دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام / میبدی، حسین بن معین الدین، دار نداء الاسلام للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۴۶. الذریعه الی حافظ الشریعه / جیلانی، محمد بن مؤمن.

۴۷. الذریه الطاهره/ دولابی، محمد بن احمد بن حماد انصاری رازی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.

۴۸. ذکر اخبار اصبهان/ ابو نعیم، احمد بن عبد الله اصفهانی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ ق.

۴۹. الروض الانف / سهیلی، عبد الرحمن بن عبد الله، قاهره، ۱۴۱۹ ق.

۵۰. روضه الواعظین و تبصره المتعظین / فتال نیشابوری، محمد بن احمد، انتشارات رضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ق.

۵۱. ریاحین الشریعه/ ذبیح الله محلاتی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۵۲. سعد السعود للنفوس منضود / ابن طاووس، علی بن موسی، دارالذخائر، قم، چاپ اول.

۵۳. سنن النبی/ علامه سید محمد حسین طباطبایی، انتشارات همگرا، قم، ۱۳۸۵ ش.

۵۴. سیر اعلام النبلاء/ ذهبی، محمد بن احمد بن عثمان، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۵۵. السیره الحلبیه/ حلبی، علی بن برهان، دار المعرفه، بیروت،۱۴۰۰ ق.

۵۶. السیره النبویه/ ابن هشام حمیری، ابو محمد عبدالملک، دار احیاء تراث عربی، بیروت.

۵۷. سیره النبی/ ابن اسحاق، ابو عبد الله محمد، مکتبه علی صبیح و اولاده،

مصر، ۱۳۸۳ ق.

۵۸. شجره طوبی / الشیخ محمد مهدی الحائری، منشورات المکتبه الحیدریه، النجف الاشرف، ۱۳۸۵ ق.

۵۹. شذرات الذهب فی اخبار من ذهب/ ابن عماد حنبلی، عبدالحی بن عماد، دار احیاء التراث، بیروت.

۶۰. شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید / ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۶۱. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل / حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۶۲. صحیح بخاری/ بخاری، محمد بن اسماعیل، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.

۶۳. صحیح مسلم/ ابوالحسن، مسلم بن الحجاج القشیری النیسابوری، دارالحدیث، قاهره، ۱۴۱۲ ق.

۶۴. الطبقات الکبری/ ابن سعد واقدی، ابو عبد الله محمد، بیروت دار صادر، ۱۳۸۶ق.

۶۵. الطرائف (ترجمه داوود الهامی) / ابن طاووس، علی بن موسی، نوید اسلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش.

۶۶. طرف من الانباء و المناقب/ ابن طاووس، علی بن موسی، تاسوعا، مشهد، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.

۶۷. العدد القویّه لدفع المخاوف الیومیه/ حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر، کتابخانه آیت اله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ ق.

۶۸. علل الشرایع/ ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.

۶۹. عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار / ابن بطریق، یحیی بن حسن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.

۷۰. عیون اخبار الرضا علیه السلام / ابن بابویه، محمد بن علی، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.

۷۱. الغدیر فی الکتاب و السنه و لاادب/ علامه امینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۶ ش.

۷۲. فتح الباری/ ابن حجر عسقلانی، دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۹ق

۷۳. فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام/ جعفر سبحانی، نشر مشعر، تهران، ۱۳۷۳ ش.

۷۴. فروغ ابدیت/ جعفر سبحانی، مرکز مطبوعاتی دارالتبلیغ، قم،۱۳۵۱ ش.

۷۵. الفضائل لابن شاذان / ابن شاذان قمی، ابوالفضل شاذان بن جبرئیل، رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.

۷۶. قرب الاسناد / حمیری، عبد الله بن جعفر، مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، قم، ۱۴۱۳ ق.

۷۷. الکافی / کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۷۸. کامل بهائی/ عمادالدین طبری، نشر مرتضوی، تهران، ۱۳۸۳ش.

۷۹. الکامل فی التاریخ/ ابن اثیر جزری، علی بن محمد، دار احیاء تراث عربی، بیروت، ۱۴۰۸ق.

۸۰. کشف الغمه فی معرفه الائمه علیهم السلام / اربلی، علی بن عیسی، بنی هاشم، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

۸۱. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام/ گنجی شافعی، محمد

ص: ۲۲۰

بن یوسف، دار احیاء التراث اهل البیت، ۱۴۰۴ق.

۸۲. کمال الدین و تمام النعمه / ابن بابویه، محمد بن علی، اسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.

۸۳. کنز العمال / المتقی الهندی، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق - ۱۹۸۹ م.

۸۴. مجالس المؤمنین/ شهید ثالث، قاضی نور الله شوشتری هندی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۸۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن / ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق - ۱۹۹۲ ش.

۸۶. مجمع الزوائد و منبع الفوائد / هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ ق.

۸۷. مسار الشیعه فی مختصر تواریخ الشریعه/ شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.

۸۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل/ نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البیت علیهم السلام ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۸۹. مستدرک سفینه البحار / نمازی شاهرودی، شیخ علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۸ ق.

۹۰. المستدرک علی الصحیحین/ حاکم نیشابوری، ابوعبد الله، دارالمعرفه، بیروت ۱۴۰۶ق.

۹۱. مسکّن الفؤاد عند فقد الاحبه و الاولاد / شهید ثانی، زین الدین بن علی، بصیرتی، قم، چاپ اول.

۹۲.مشکاه الانوار فی غررالاخبار / طبرسی، علی بن حسن، المکتبه الحیدریه، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.

ص: ۲۲۱

۹۳. مصباح المتهجد و سلاح المتعبد / طوسی، محمدبن الحسن، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۹۴. المعیار و الموازنه فی فضائل الامام امیرالمؤمنین علیه السلام / اسکافی، محمد بن عبدالله (م ۲۴۰ ق) ، مؤسسه المحمودی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۹۵. المغازی و الفتوح و الرده/ واقدی، محمد بن عمر، الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۹ ق.

۹۶. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام/ علی، جواد، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۶م.

۹۷. مقاتل الطالبیین/ ابوالفرج اصفهانی، درا احیاء الکتب العربیه، قاهره.

۹۸. مقتل الحسین / السید عبد الرزاق المقرم، آل علی علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق - ۱۳۸۲ ش.

۹۹. مکارم الاخلاق / طبرسی، حسن بن فضل، شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.

۱۰۰. من لا یحضره الفقیه / ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۱۰۱. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام / ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۰۲. موسوعه الکلمه/ حسینی شیرازی، حسن، دار العلوم، کویت، ۱۴۲۷ ق.

۱۰۳. مهج الدعوات و منهج العباد / ابن طاووس، علی بن موسی، دار الذخائر، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۱۰۴. نهایه الارب فی فنون الادب / نویری، احمد بن عبدالوهاب، قاهره، ۱۹۹۰ م.

ص: ۲۲۲

۱۰۵. نهج البلاغه / شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۱۰۶. وقعه صفین / نصربن مزاحم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ ق.

ص: ۲۲۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹